



# ورود ایران به بحران کره شمالی

● اینکه ائتلاف روسیه و ایران و کره شمالی چه برنامه‌ای برای مقابله با تحریم‌های آمریکا خواهد داشت مشخص نیست البته اگر موشک پراکنی‌های اخیر کره شمالی را بخشی از واکنش مشترک این ائتلاف به حساب نیاوریم.



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید



## سیاست هم پدر دارد هم مادر

بله؛ سیاست هم پدر دارد و هم مادر؛ این سیاستمداران ناباب و فرزندان ناخلف سیاست هستند که بی‌پدرمادر بودن سیاست را تبلیغ می‌کنند چون به این ترتیب و با این زیانزد انحرافی، هر چه فساد و بی‌مسئولیتی است توجیه می‌شود.

تمام بحث فلسفه‌ی سیاسی و اندیشمندانی که در این زمینه تأمل کرده‌اند، از دوران باستان تا به امروز، بر سر همین است که چگونه می‌توان جامعه را به نحوی اداره کرد که مدیرانش در برابر کسانی که آنها را به مدیریت برگزیده‌اند، پاسخگو و مسئول باشند. اگر قرار باشد سیاست و سیاستمدار چنان بی‌مسئولیت باشند که جامعه هر فساد و خرابکاری را به حساب «بی‌پدرمادر بودن سیاست» بگذارد، پس چرا اصلاً باید تن به مناسبات و قراردادهایی داد که نهایتاً قرار نیست کسی، و به ویژه مسئولان و مدیران جامعه، به آن پایبند باشند؟!

آن فرض مشهور که بر اساس آنها قراردادهای اجتماعی شکل می‌گیرند این است که انسان‌ها از آزادی طبیعی و بی‌قید و شرط خود که سبب می‌شود تا از یکدیگر در امان نباشند، چشم می‌پوشند تا با تن دادن همگانی به قراردادهای اجتماعی، از آزادی مسئولانه و امنیت متقابل برخوردار شوند. مهم‌ترین بخش این قراردادهای همانا سیاست، توزیع قدرت و مناسبات قدرت و حکومت با مردم و جامعه است؛ اینها مباحثی است که کتاب‌های جمهوری چون «جمهور» افلاطون و «شهریار» نیکولو ماکیاولی و «لویاتان یا قدرت مطلقه» توماس هابز و «دو دولت» جان لاک و «قراردادهای اجتماعی» ژان ژاک روسو درباره‌شان نوشته شده است. حکومت‌های دوران مدرن بر اساس همین تأملات شکل گرفته‌اند بدون آنکه معلوم باشد تا کی ادامه خواهند داشت و یا از درون آنها چه اشکالی برای فردا در حال رشد است. پدر و مادر سیاست همین اندیشه‌ها و تجارب تاریخی هستند که در نهایت آزادی را با مسئولیت، و امنیت را با پاسخگویی مسئولان در برابر سخنان و عملکردشان گره می‌زنند. احساس مسئولیت، اخلاق سیاست است. پاسخگویی مدیران جامعه در هر مقام و منصبی که باشند و هر شغلی که داشته باشند، بخشی از قراردادهای نانوشته‌ای است که بشر برای امضای آن فراز و نشیب‌ها و جنگ‌های خونین از سر گذرانده است. هر کدام از کتاب‌هایی که در بالا نام برده شد، پس از تجربه‌ی بحران‌ها و جنگ‌های خونین به نگارش درآمده‌اند و حاصل خستگی بشر از درگیری و نیاز جوامع به آزادی و امنیت است. کسب و حفظ این دو با «سیاست بدون پدرمادر» یا بدون اخلاق ممکن نیست. سیاست بدون اخلاق یعنی فساد بی حد و مرز و در امان نبودن از یکدیگر تا حد جنگ! گروه‌های سلطه‌جو و ستیزه‌گر، از امثال داعش گرفته تا محافل جنگ‌طلب در کشورهای متمدن، آشخویشان سیاست بی‌اخلاق است.

در شرایطی مانند ایران امروز، مردم بیشتر به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست پدر و مادر ندارد زیرا سیاستمداران و مسئولان تا گلو غرق در فساد و دستانشان تا مرفق آلوده به خون است. این وظیفه‌ی رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران است که پدر و مادر، یعنی تبار و اخلاق در سیاست را همیشه یادآوری کنند و به عنوان چشم و گوش جامعه، مسئولیت و پاسخگویی از سیاستمداران بخواهند. اگر رسانه نیز به آن روی سکه‌ی سیاست بی‌اخلاق تبدیل شود، باید گفت وای به حال آن جامعه!

## بازار سودآوری با عطر خوش مهرماه



روزهای آخر شهریورماه برای خانواده‌های دارای محصل در ایران روزهایی است که باید کودکان را برای آغاز سال تحصیلی آماده کنند و به همین دلیل بازار نوشت‌افزار پررونق‌ترین می‌شوند.

در صفحه ۲

## قضیه‌ی می‌کونوس... می‌کونوس! نه جزیره‌ای تفریحی دریونان، بلکه قتلگاهی دربرلین

در صفحه ۱۶

### در این شماره می‌خوانید:

- «یک هیچ ادکلن زده»: در مرگ ابراهیم یزدی **صفحات ۸ و ۹**
- «زن روز» و «مرد روز» **صفحه ۱۲**
- دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۳۶) **صفحه ۵**
- واقعیات میدان و واقعیات تاریخ - داریوش همایون **صفحه ۱۳**
- سرگرمی - جدول - سودوکو **صفحه ۱۴**
- داستان دلدادگی و شکست عشقی شهریار **صفحه ۱۵**
- آمار اعتیاد کارگران از مرز هشدار گذشت
- روبرتز: استراتژی جدید پنج مقام آمریکایی برای مقابله با ایران **صفحه ۴**
- پاراگراف ۲: حکم دادگاه می‌کونوس تروریسم جمهوری اسلامی را در اتحادیه اروپا مهار کرد **صفحه ۵**
- فتوا و زندان برای سینماگران جوان عرب **صفحه ۶**
- تک مضارب - آوازه **صفحه ۷**
- گفتگوی یوسف مصدقی با دکتر رامین جهانگللو: (پایان) **صفحه ۷**
- آیا سیاست می‌تواند اخلاقی باشد؟

## پیروزی تیم ملی والیبال ایران بر تیم آمریکا

نadal قهرمان تنیس آزاد آمریکا

کیروش: بودجه اردوهای آمادگی جام جهانی را زیاد کنید تا حذف نشویم

پاریس و لس آنجلس، میزبانان المپیک ۲۰۲۴ و ۲۰۲۸

پرسپولیس برای نخستین بار در تاریخ خود به جمع چهار تیم برتر آسیا صعود کرد

کشتی گیران مکزیکی و کلمبیا حاضر به مسابقه با کشتی گیران ایران نشدند

رئیس سازمان بهزیستی: اعتیاد میان جوانان بشدت روبه رشد است

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید:

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london



## ورود ایران به بحران کره شمالی

### ●اینکه ائتلاف روسیه و ایران و کره شمالی چه برنامه‌ای برای مقابله با تحریم‌های آمریکا خواهد داشت مشخص نیست البته اگر موشک پراکنی‌های اخیر کره شمالی را بخشی از واکنش مشترک این ائتلاف به حساب نیاوریم.

در نخستین ساعات بامداد جمعه ۱۵ سپتامبر، کره شمالی موشک دیگری از پایتخت این کشور به سوی شرق پرتاب کرد. دولت ژاپن بلافاصله پس از ورود ین موشک به فضای خود، آژیر را در مناطقی از کشور به صدا درآورد.



اهالی بخش‌هایی از ژاپن بلافاصله به پناهگاه‌ها رفتند.

این سومین آزمایش موشکی کره شمالی در دو هفته اخیر است. این موشک، بنا بر اطلاعاتی که کره جنوبی منتشر ساخته، مسافتی حدود ۳۷۰۰ کیلومتر را در ارتفاع ۷۷۰ کیلومتری طی کرده است. اگر این اطلاعات واقعیت داشته باشد، کره شمالی به هدف اعلام‌شده خود که حمله موشکی به خاک امریکاست، بسیار نزدیک شده است. فاصله کره شمالی با جزیره گوام که بخشی از خاک امریکاست، حدود ۴۰۰۰ کیلومتر است.

#### دهن کجی به شورای امنیت

کیم اون جونگ، رهبر کره شمالی، چندی پیش اعلام کرده بود که «زمان به تباهی کشیدن آمریکا فرا رسیده است». دولت‌های کره جنوبی و ژاپن، بلافاصله پس از شلیک این موشک جدید جلسه اضطراری تشکیل دادند. در آمریکا نیز جیمز ماتیس، وزیر دفاع، اعلام کرد که این کشور از نزدیک فعالیت‌های نظامی کره شمالی را تعقیب می‌کند.

پرتاب این موشک آزمایشی را می‌توان نوعی دهن کجی کیم اون جونگ به تحریم‌های جدید شورای امنیت سازمان ملل متحد تلقی کرد، که فروش گاز و نفت به کره شمالی را بسیار محدود ساخته و صادرات برخی تولیدات این کشور، از جمله محصولات نساجی را ممنوع اعلام کرده‌است. البته کره شمالی سال‌هاست که با تحریم‌های اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند ولی تا کنون این تحریم‌ها خللی در فعالیت‌های موشکی و اتمی این کشور وارد نکرده‌اند.

شدت گرفتن تنش میان کره شمالی و آمریکا، نگرانی واشنگتن در مورد گسترش فعالیت‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران را نیز افزایش داده است. مایکل ریچارد پمپئو، رئیس سازمان سیا، در گفتگویی که در روزهای گذشته با شبکه تلویزیونی فاکس داشت، گفت «دور از واقعیت نیست اگر ادعا کنیم که اسرار موشکی کره شمالی مشتری‌های بالقو‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران دارد. کشورهایی که دارای سابقه طولانی همکاری با کره شمالی در زمینه هسته‌ای هستند».

#### همکاری موشکی ایران و کره شمالی

مدیر سازمان سیا در ادامه این گفتگو افزود: «با بهبود قابلیت‌های موشکی کره شمالی، بعید به نظر می‌رسد که این قابلیت‌ها به اشتراک گذاشته نشود و جمهوری اسلامی ایران بدون شک یکی از کشورهایی است که آمادگی پرداخت پول برای دستیابی به این قابلیت‌ها را دارد». مایکل ریچارد پمپئو در همین گفتگو اذعان داشت که «دستیابی به اطلاعات بسیار دقیق در مورد این موشک‌ها و اهدافی که کره شمالی با این موشک‌ها دنبال می‌کند آسان نیست و نهادهای امنیتی در این زمینه با مشکلاتی روبرو هستند». البته برخی دیگر از کارشناسان معتقدند

که موشک‌های جدیدی که کره شمالی

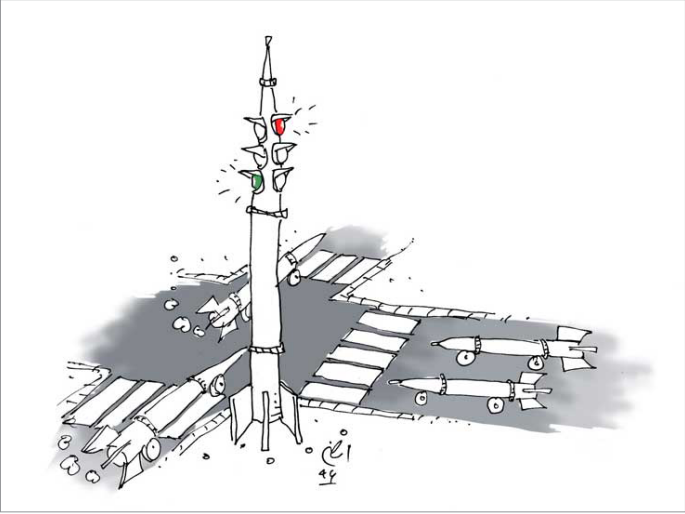
آزمایش کرده از تکنولوژی ایرانی برخوردار هستند. تال اینبار، رئیس مرکز تحقیقات هوافضا در اسرائیل، مدعی است که موشک‌های جدید «نودونگ» که اخیرا کره شمالی شلیک کرده است، به آستانه سفر کرده‌اند.

قرار گرفتن کره شمالی، ایران و روسیه در کنار هم در تحریم‌های جدیدی که کنگره آمریکا تصویب کرده‌است، نشان از این واقعیت دارد که قانون‌گذاران آمریکایی آنچه در این سه کشور اتفاق می‌افتد را بی‌ربطه نمی‌دانند. در این تحریم‌ها که با رای موافق ۴۱۹ نماینده و تنها ۴ رای مخالف به تصویب رسید، به برنامه‌های موشکی جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی اشاره می‌شود.

#### ائتلاف ضد آمریکایی

محمود شوری، پژوهشگر مسائل روسیه در مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، در گفتگو با خبرگزاری اسپوتنیک روسیه صحبت از واکنش مشترک سه کشور به این تحریم‌ها می‌کند. محمود شوری می‌گوید: «طبیعی است سه کشوری که مورد تحریم آمریکا قرار گرفته‌اند، تلاش برای انجام اقدامات مشترک برای مقابله با آمریکا انجام دهند. این سه کشور انگیزه‌ها و دلایل

بیشماری برای همکاری دارند تا بتوانند



این کارشناس اسرائیلی واقعیت داشته باشد، در مقابل همکاری دوسویه جمهوری اسلامی ایران و کره شمالی در زمینه تسلیحاتی و به ویژه موشک‌های بالستیک قرار داریم. سیستم موشکی «شهاب» در جمهوری اسلامی با فن‌آوری کره شمالی و نمونه‌برداری از موشک‌ها «نودونگ» ساخته شده‌اند.

اگر کلاهک‌های ساخت ایران با قابلیت حمل مواد اتمی بر موشک‌های کره شمالی سوار شده باشند، حکایت از ابعاد جدیدی در همکاری تسلیحاتی بین دو کشور دارد. همکاری‌ای که بیش از گذشته می‌تواند نگران‌کننده باشد. مسعود جزایری، مسئول بسیج و امور فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، اخیرا تحریکات کره شمالی و موشک‌پراکنی‌های این کشور را «مدیریت هوشمندانه» این کشور آسیایی برای جلوگیری از «تقویت نظامی و دفاعی واشنگتن در منطقه راهبردی شرق آسیا» دانست. این مقام نظامی جمهوری اسلامی ایران تقویت سیستم موشکی کره شمالی را «تلاش برای ارتقای توان بازدارندگی و نمایش قدرت دفاعی در برابر دشمن» خواند.

#### ملاقات ظریف با پوتین در سوچی

برخی از مفسران سیاسی معتقدند که در دیدار اخیر محمدجواد ظریف با ولادیمیر پوتین، در شهر ساحلی سوچی در کنار دریای سیاه، تنها جنگ سوریه در دستور کار قرار نداشته است. سخنگویان ریاست جمهوری روسیه و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، هیچ‌کدام در مورد مسائلی که در این دیدار درباره آنها گفتگو شده صحبتی نکرده‌اند. البته میخائیل باگدانف، معاون وزیر خارجه روسیه گفته است که محور گفتگوهای این دیدار «مناقشات سوریه، بحران در خاورمیانه و برنامه‌ای اتمی»

**احمد رأفت**

روزهای آخر شهریورماه برای خانواده‌های دارای محصل در ایران روزهایی است که باید کودکان را برای آغاز سال تحصیلی آماده کنند و به همین دلیل بازار نوشت‌افزار پرونق‌ترین روزهای خود را سپری می‌کند.

بر اساس آمارها نزدیک به ۲۰ میلیون دانش‌آموز و دانشجو در سال تحصیلی جدید روانه آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌های کشور می‌شوند.

تهیه حداقل‌های لوازم تحریر از سوی بیش از ۲۰ میلیون دانش‌آموز و دانشجو باعث گردش مالی رقمی بالا در بازار نوشت‌افزار می‌شود؛ به طوری که اگر به طور متوسط هر دانش‌آموز برای لوازم تحریر خود ۳۰ هزار تومان هزینه کند، با توجه به تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان در ایران، حدود ۶۰۰ میلیارد تومان گردش مالی وجود دارد. این در حالیست که گزارش‌ها نشان می‌دهد نوشت‌افزار مورد نیاز دبیرستانی تا ۷۰ هزار تومان برای هر دانش‌آموز نیز می‌رسد. در همین حال برخی آمارها نشانگر گردش مالی ۴۰۰۰ میلیارد تومانی بازار لوازم تحریر در کل سال تحصیلی است و دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی به ۱۵۰ میلیون جلد دفتر در سال نیازمند هستند.

#### چینی‌ها برنده‌ی آغاز سال تحصیلی

بر اساس آماری که در سال‌های گذشته از بازار لوازم تحریر منتشر شده است ۹۵ درصد این لوازم را کالاهای وارداتی تشکیل می‌دهند و این بدان معناست که تولیدات داخل تنها ۵ درصد از این بازار را در اختیار دارند.

یکی ازدلایلی که باعث سهم اندک



تولیدات داخلی در بازار نوشت‌افزار شده، صنعت ضعیف و نامنسجم تولید لوازم تحریر در کشور است. نبود برنامه‌ریزی و صفی قدرتمند در این صنعت باعث شده تولیدکنندگان پراکنده نتوانند برنامه‌ای برای بهبود وضعیت تولید خود، آن‌هم در سال‌های تحریم و رکود و فساد داشته باشند و یک به یک به انزوا کشیده شده‌اند.

اما در میان کالاهای خارجی موجود در بازار، چینی‌ها توانسته‌اند سهمی ۷۰ درصدی داشته باشند و بازار لوازم تحریر در ایران توسط چین قبضه شده است. نکته قال توجه اینجاست که لوازم تحریر چینی، کالاهایی بی کیفیت با عمری کوتاه هستند. از

سوی دیگر مواد اولیه مورد استفاده در لوازم تحریر چینی، از جمله رنگ‌ها و پلاستیک، نامطمئن بوده و برخی کاشناسان نسبت به سلامت این کالاهای آن هم برای کودکان، هشدار داده‌اند. به ویژه آنکه ۶۰ درصد از نوشت‌افزار موجود در بازار ایران را کالاهای قاچاق تشکیل می‌دهند. در نتیجه هنگام ورود این کالاهای به کشور هیچ‌گونه نظارت کیفی و بهداشتی بر آنها نمی‌شود و کالاهایی که مشخص نیست با چه کیفیت و بر اساس چه استانداردی تولید شده‌اند توسط دانش‌آموزان و دانشجویان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، تولیدکنندگان و فروشندگان نوشت‌افزار می‌گویند دولت اگر حمایت اندکی از تولیدکنندگان لوازم تحریر در ایران داشته باشد، نه تنها پتانسیل تامین نیاز داخلی در کشور وجود دارد بلکه در برخی اقلام نیز می‌توان وارد روند صادرات شد.

**احمد کریمی،** یکی از تولیدکنندگان لوازم تحریر در این‌باره گفته است:

## بازار سودآوری با عطر خوش مهرماه

آنها از عکس شاهزاده خانم‌های کارتونی والت دیسنی که حجاب ندارند بر جلد دفتر و جامدادی‌ها نگران هستند اما به سونامی زیان‌بار اقتصادی و سلامتی که کالاهای چینی در بازار لوازم تحریر ایران ایجاد کرده‌اند هیچ توجهی ندارند.

جالب اینجاست که این نگرانی منجر به راهاندازی پروژه‌ای با عنوان «طرح نظارتی ویژه نوشت‌افزار» شده که ۱۵ شهریورماه توسط سازمان حمایت



از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اجرایی شده است.

هر چند در اهداف این طرح بررسی کیفی کالاهای و نظارت بر عدم ورود کالاهای قاچاق در بازار مطرح شده اما واقعیت این است که هیچ سازمانی وقتی کالا به دست خرده‌فروشان رسیده و در فروشگاه‌ها توزیع شده نمی‌تواند نسبت به قاچاق بودن آن کالا، آن‌هم در طرح ضربتی و یک‌ماهه، درباره استاندارد بودن آن مطمئن شود و یا با قاچاق آن کالا مبارزه کند.

اما یکی از اهداف این طرح که در واقع برجسته‌ترین آن نیز هست، ممنوعیت فروش نوشت‌افزار مزین به «تصاویر غیراخلاقی» است. منظور از «غیراخلاقی» هم تصاویر چهره‌های بی‌حجاب بر این لوازم به ویژه دفترهای درس و مشق است.

در همین حال دولت تلاش کرده نوشت‌افزاری با الگوهای اسلامی را تولید و در بازار عرضه کند. اما به گزارش خبرگزاری مهر در حالی که کیفیت تصاویر این کالاهای پایین است در همین حال قیمت‌شان هم بالاتر از مشابه خارجی آن است! معلوم نیست چرا مصرف‌کنندگان باید این کالاهای بی‌کیفیت و رشت را به قیمتی گران‌تر بخرند! در حالی که هم جذابیت رنگ و کیفیت تصاویر و شکل ظاهری نوشت‌افزار خارجی کودکان و جوانان را به سوی خود جذب می‌کند و هم پایین‌تر بودن قیمت آنها باعث جلب خانواده‌های آنها می‌شود.

در همین حال علی فریدونی، مدیرکل مجامع و تشکل‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، می‌گوید این وزارت‌خانه جایزه‌ای با عنوان «جایزه کالاهای فرهنگی» بنیانگذاری کرده و برای آن دبیرخانه دائمی تشکیل داده است تا تولیدکنندگان کالاهای فرهنگی به ویژه لوازم تحریر به تولید کالاهایی با «موفله‌های اسلامی» ترغیب شوند.



در همین حال به تازگی مجمعی نیز با عنوان مجمع نوشت‌افزار ایرانی – اسلامی راه‌اندازی شده که هنوز نتوانسته در عمل اقدام موثری برای اسلامی کردن بازار لوازم تحریر انجام دهد زیرا در میان مصرف‌کنندگان اصلی آنها، یعنی کودکان و جوانان، خریداری ندارد.

**روشنک آسترکی**



## سفر ولیعهد سعودی به اسرائیل چه پیامی دارد



محمد بن سلمان ولیعهد سعودی و دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

به روابط با اسرائیل مثبت است و در این زمینه پیشرفت کرده‌اند و دیگر از اسرائیل ترسی ندارند».

گفتنی است که طی سال‌های اخیر خیلی از نخبگان جهان عرب دیگر به اسرائیل به دیده دشمن بالقوه و تهدید واقعی نگاه نمی‌کنند بلکه با آغاز دخالت‌های حکومت ایران در منطقه به‌ویژه دخالت در جنگ داخلی سوریه، عراق، لبنان و یمن و اعلام صریح یونسی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی و فخرفروشی او مبنی بر اینکه تهران بر چهار پایتخت عربی اعمال نفوذ می‌کند، باعث شد که خیلی از مردم عرب، ایران را دشمن حقیقی و تهدید بالقوه تلقی کنند. جنگ فرقه‌گرایانه رژیم ایران برخلاف شعارهای «روز قدس» به نفع اسرائیل تمام شده است.

عبدالرحمن راشد یکی از روشنگران و تحلیلگر مشهور سعودی که بسیاری از مقاله‌های او به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و فارسی ترجمه شده است، در یکی از مقاله‌هایش لبنان که اسرائیل پایگاه حزب‌الله لبنان را را بمباران کرد و فرزند تروریست بزرگ لبنان فواد مغنیه و تعدادی از فرماندهان سپاه پاسداران در آن بمباران کشته شدند، ضمن اشاره به این بمباران و کشته شدن تعدادی از اعضای حزب‌الله لبنان و سپاه نوشت: «متأسفانه عملکرد ایران و حزب‌الله لبنان در منطقه به گونه‌ای است که دیگر وقتی اسرائیل آنها را بمباران می‌کند و می‌کشد، ملت‌های عرب خوشحال می‌شوند».

خیلی از روشنفکران عرب معتقدند که اسرائیل به آنچه در دست دارد قانع است و تلاش تل‌آویو اکنون این است که آنچه را به دست آورده از دست ندهد اما ایران ولایت فقیه تومم ساختن امپراتوری به عنوان ام‌القرای اسلام با رهبری آخوندهای حوزه علمیه قم را در سر می‌پروراند و بر همین اساس هم در همه کشورها وارد جنگ نیابتی شده است. آخرین نظرسنجی در باره درصد محبوبیت کشورهای منطقه در نزد ملت های عرب که در سال ۲۰۱۵ از سوی موسسه نظرسنجی «زاگی» در آمریکا انجام شد مشخص شد دولت ایران منفورترین حکومت نزد ملت‌های عرب است و ترکیه که تا ۵۰ سال پیش استعمارگر جهان عرب بود، محبوب‌ترین کشور پس از مصر نزد اعراب است. عملکرد فرقه‌گرایانه رژیم ایران در منطقه و کشتار مردم سوریه چهره‌ای زشت و منفور از ایران در ذهن مردم منطقه ایجاد کرده است.

\*منبع: المصدر

\*ترجمه و تنظیم: کیهان لندن

نوشت، مقامات ارشد اسرائیل حاضر نشدند اطلاعات بیشتری درباره موضوع، مضمون و شخصیت مورد بحث این سفر بدهند که به نوشته این روزنامه «کمی عجیب» به نظر می‌رسد. این روزنامه ادامه می‌دهد: «مقامات سعودی در گذشته نیز برای برخی دیدارهای علمی یا مأموریت‌های دیپلماتیک از اسرائیل دیدن کردند. اما سفر شاهزاده محمد بن سلمان نایب پادشاه و ولیعهد سعودی یا یکی دیگر از خانواده حاکم سعودی در این شرایط حساس باید از اهمیت سیاسی ویژه‌ای برخوردار باشد. به گفته روزنامه، نظر به اهمیت این سفر انتظار می‌رفت، بخشی از «جزئیات» آن به مطبوعات منتقل می‌شد اما اینگونه نشد».

به گزارش سایت المصدر این روزنامه نوشت، بسیاری از این اخبار که طی روزهای گذشته در رسانه‌ها منتشر شد، در حقیقت غیرواقعی و نادرست بودند اما غیرواقعی و غیردقیق بودن این اخبار و عدم تاییدیشان از سوی مقامات اسرائیل مانع انتشار گسترده آنها در رسانه‌های قطری نشد. قطر که روی اخبار مربوط به رابطه شاهزاده محمد بن سلمان از اسرائیل بیش از دیگران در رسانه‌هایش مانور داد، هیچ منبعی برای صحت اخبار خود در این زمینه ارائه نداد بلکه رسانه‌های برجسته این کشور از طریق توییتر به گونه‌ای خبر را تغییر دادند تا خواننده این‌گونه تلقی کند که سعودی‌ها برای نزدیک شدن و عادی‌سازی روابط با اسرائیل دست و پا می‌زنند در صورتی که واقعیت این‌گونه نیست. روزنامه اسرائیلی در پایان می‌نویسد آنچه حقیقت است یکی از اعضای بلند پایه خانواده حاکم سعودی از اسرائیل دیدن کرده است اما این دیدار بیشتر در رابطه با تبادل مسائل امنیتی در جهت مبارزه با تروریسم و برای مشارکت در یک کنفرانس بین‌المللی صورت گرفت که چند روز پیش به همین مناسبت در شهر ساحلی «هرتسلیا»ی اسرائیل برگزار شد.

روزنامه اسرائیلی می‌نویسد با این حال، آنچه بسیار جالب و جلب توجه می‌کرد، بی تفاوتی ملت‌های عرب نسبت به این نوع گزارش‌های خبری است. این خبر در عین عجیب بودنش ولی مورد توجه عده بسیار کمی در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفت. تا جایی که یک منبع اسرائیلی گفت: «اگر نشر این خبر از سوی جهتی یا جریانی سیاسی به عنوان «بالن آزمایشی» آتست افکار عمومی» می‌بود، به نظرم در گرفتن نتیجه بسیار موفق بود و این نشان می‌دهد که افکار عمومی جهان عرب نسبت

● روزنامه اسرائیلی: آیا ولیعهد سعودی به اسرائیل سفر کرد؟

● بر خلاف نبود هر گونه پیشرفت در روند صلح خاورمیانه میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها که پیشتر به عنوان پیش‌شرط برای روابط با اسرائیل مطرح می‌شد اکنون خیلی از کشورهای عربی دارای روابط بسیار گرم و صمیمانه با اسرائیل هستند.

● عبدالرحمن راشد تحلیلگر سعودی: «متأسفانه عملکرد ایران و حزب‌الله لبنان در منطقه به گونه‌ای است که دیگر وقتی اسرائیل آنها را بمباران می‌کند و می‌کشد، ملت‌های عرب خوشحال می‌شوند».

به دنبال انتشار خبر سفر ولیعهد سعودی به اسرائیل، وبسایت اسرائیلی «المصدر» نوشت: با سفر مقام بلندپایه سعودی به اسرائیل، تل‌آویو وارد جنگ میان سعودی و قطر شد، اما چرا شبکه‌های اجتماعی توجه کمی به این «سفر» از خود نشان دادند؟ این بی‌توجهی به‌ویژه در میان مردم کشورهای عربی منطقه چه پیامی در بطن خود دارد؟ آیا افکار عمومی ملت‌های عرب آماده پذیرش این واقعیت هست که اسرائیل دیگر حقیقتی انکارناپذیر و کشوری تثبیت شده است که باید در هر شرایطی با او به تفاهم رسید؟ آیا مردم عرب منطقه با شنیدن خبر عادی‌سازی مخفیانه روابط کشورهایشان با اسرائیل به این مسئله به عنوان یک امر طبیعی می‌نگرند؟ بی‌توجهی به این خبر به معنی چیست؟

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، در سخنرانی خود در وزارت امور خارجه این کشور که به مناسبت سال جدید عبری ایراد کرد، گفت: «آنچه در کشورهای عربی سنی‌مذهب اتفاق می‌افتد بی‌سابقه است به طوری که ما پیش از این شاهد چنین رویدادهایی نبوده‌ایم.» این تنها سخنان نتانیاهو نیست بلکه بیشتر مسئولان بلندپایه اسرائیلی می‌گویند بر خلاف نبود هر گونه پیشرفت در روند صلح خاورمیانه میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها که پیشتر به عنوان پیش‌شرط برای روابط با اسرائیل مطرح می‌شد اکنون خیلی از کشورهای عربی دارای روابط بسیار گرم و صمیمانه با اسرائیل هستند.

روز چهارشنبه رسانه‌های اسرائیل به ویژه برخی روزنامه‌های این کشور از سفر یک مقام بلند پایه سعودی به تل‌آویو خبر دادند. این خبر ابتدا در به صورت شایعه تلقی شده بود و کسی نمی‌دانست که این مقام بلندپایه کیست اما روز چهارشنبه روزنامه «مکور ریشون» که به جناح راست‌گرای اسرائیل نزدیک است نوشت، این شخص یکی از اعضای خانواده سلطنتی پادشاهی سعودی است و رسانه‌ها وی را «محمد بن سلمان» معرفی کردند.

روزنامه «مکور ریشون» در ادامه

کند و امکان دارد نیروهای آمریکایی را در تقابل با ایران قرار دهد. رویترز در پایان گزارش خود تاکید کرده، گرچه دونالد ترامپ به دنبال راهی برای خروج از توافق هسته‌ای است، اما اغلب مشاوران امنیت ملی خواهان باقی ماندن آمریکا در این توافق هستند. یک مقام آمریکایی در این باره گفته مسئله اصلی ما این بود که ترامپ را راضی کنیم از بگرام خارج نشود، اما او به دنبال مواضع جدی‌تر علیه ایران است. مواضعی که مورد حمایت نیکی هیلی، سفیر آمریکا در سازمان ملل نیز هست. با این حال گفته شده اکثر استراتژی‌هایی که به رییس‌جمهوری آمریکا ارائه شده‌اند بر ماندن آمریکا در بگرام تاکید دارند.

## آزمایش موشکی کره شمالی تنها سه روز پس از وضع تحریم‌های جدید علیه این کشور



تحریم‌ها ضربه زدن به درآمد مالی دولت کره شمالی است که برای پیشبرد برنامه اتمی و موشک‌های بالستیک خود به این درآمد نیاز دارد.

همچنین دیپلمات‌های غربی ابراز امیدواری کرده بودند که تشدید تحریم‌ها ابزار قوی‌تری برای یافتن یک راه حل سیاسی در اختیار آنها بگذارد. خبرگزاری رویترز نیز روز پنجشنبه، ۲۳ شهریورماه، گزارش داد یک نهاد دولتی کره شمالی تهدید کرده به دلیل حمایت ژاپن از قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه کره شمالی، این کشور از تسلیحات اتمی برای «فرق کردن» ژاپن و تبدیل آمریکا به «خاکستر و تاریکی» استفاده خواهد کرد.

این تحریم‌ها پس از آن صورت گرفت که کره شمالی در هفته دوم شهریورماه برای ششمین بار یک آزمایش اتمی انجام داد. پیونگ یانگ مدعی ساخت یک بمب هیدروژنی شده و بارها آمریکا را تهدید به حمله با کلاهک هسته‌ای کرده است. کره شمالی بی‌توجه به فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های جدید که اقتصاد این کشور را هدف قرار داده، دست به آزمایش موشک بالستیک دیگری زده است.

شمالی خواهد داد.

کره جنوبی نیز در همان دقایق اولیه انتشار خبر اعلام کرد که در پاسخ به آزمایش موشکی جدید همسایه شمالی، رزمایش موشکی بالستیک در دریای شرق برگزار خواهد کرد.

نخست وزیر استرالیا نیز در گفتگو با شبکه اسکای نیوز گفت: «این یک اقدام خطرناک، بی‌پروا و جنایتکارانه توسط رژیم کره شمالی است که باعث تهدید ثبات منطقه و جهان می‌شود و ما آن را کاملاً محکوم می‌کنیم.»

شورای امنیت سازمان ملل روز دوشنبه به اتفاق آرا قطعنامه ۲۳۷۵ را علیه کره شمالی تصویب کرد که بر اساس آن حدود ۷۵ درصد از واردات گاز و ۵۵ درصد از واردات بنزین به کره شمالی قطع می‌شود.

علاوه بر این هیچ‌گونه منسوجاتی از کره شمالی به عنوان صادرات پذیرفته نخواهد شد که به تنهایی ۸۰۰ میلیون دلار به اقتصاد این کشور ضربه می‌زند. در حال حاضر حدود ۹۰ درصد از کل صادرات کره شمالی تحت این ممنوعیت‌ها قرار گرفته است.

پس از تصویب تحریم‌های جدید علیه کره شمالی، اعلام شد هدف از این

رویترز:

## استراتژی جدید پنج مقام آمریکایی برای مقابله با ایران



محمد بن سلمان ولیعهد سعودی و دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا

بخش دیگری از این پیشنهاد مربوط به مقابله با جاسوسی سایبری و فعالیت‌های دیگر از جمله گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط رژیم ایران است. منابع آمریکایی گفته‌اند برنامه‌ی دیگری که به ترامپ پیشنهاد داده شده شامل واکنش جدی‌تر واشنگتن به حمایت‌های ایران از حوثی‌ها در یمن و گروه‌های فلسطینی در غزه و مصر است که برای آنها سلاح ارسال می‌کند.

همچنین در بخش دیگری از این طرح به ترامپ پیشنهاد شده در بحرین اقدامات جدی‌تری انجام گیرد چرا که اقلیت سنی اکثریت شیعه را سرکوب می‌کند و شیعیان این کشور خواستار اصلاحات هستند.

سه نفر از این مقام‌های آمریکایی در طرحی که به ترامپ ارائه شده پیشنهاد داده‌اند به نیروی دریایی آمریکا اجازه دهد تا هر زمان که یک قایق تندرو متعلق به سپاه پاسداران برای جاسوسی یا مزاحمت به ناوهای آمریکایی نزدیک می‌شود، واکنش شدیدتری نشان دهند.

● کره شمالی در نخستین ساعات بامداد روز جمعه دست به آزمایش موشکی دیگری زد که این موشک از فراز کشور ژاپن عبور و در اقیانوس آرام سقوط کرده است.

● این آزمایش موشکی تنها سه روز پس از تحریم‌های جدید شورای امنیت سازمان ملل علیه کره شمالی صورت گرفته است.

● یک روز پیش از انجام این آزمایش موشکی نیز مقامان کره شمالی، ژاپن و آمریکا را تهدید کرده بودند.

کره شمالی تنها سه روز پس از آنکه شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های جدیدی علیه این کشور وضع کرد دست به آزمایش موشکی تازه‌ای زد.

این موشک در نخستین ساعات بامداد جمعه، ۲۴ شهریورماه، به سمت شرق شلیک شد و پس از طی ۳۷۰۰ کیلومتر و عبور از آسمان ژاپن، در اقیانوس آرام سقوط کرد.

خبرگزاری یونپاهاپ کره جنوبی به نقل از ستاد مشترک ارتش کره جنوبی گفته که در آزمایش جدید، یک فروند موشک از حوالی پیونگ یانگ به سمت آب‌های دریای شرقی، آب‌های میان شبه‌جزیره کره و ژاپن، شلیک شده است.

پس از ورود این موشک به حریم هوایی ژاپن، دولت ژاپن با انتشار پیام‌های فوری در تلویزیون و تلفن‌های موبایل، از مردم خواست که به پناهگاه‌های زیرزمینی بروند. علت این هشدار آن بوده که موشک جدید کره‌ای‌ها، مانند موشک قبلی، از روی سرزمین‌های شمالی ژاپن یعنی هوکایدو رد شده است.

مقامات ژاپن همچنین اعلام کردند این کشور پس از رابرتی با آمریکا و کره جنوبی پاسخ مناسبی به این اقدام کره

● بخشی از این طرح مربوط به مقابله با فعالیت‌های موشکی ایران و جاسوسی سایبری است.

● مقابله با نفوذ ایران در عراق و سوریه و حمایت از گروه‌های تروریست بخشی دیگری از این پیشنهاد است.

● در این استراتژی توصیه شده آمریکا در بگرام بماند و از رویارویی مستقیم با ایران در سوریه و عراق پرهیز کند.

● به ترامپ توصیه شده در خلیج فارس در مقابل قایق‌های تندرو سپاه واکنش جدی نشان داده شود.

دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا در حال بررسی استراتژی‌های جدی‌تر علیه رژیم ایران، به ویژه به دلیل فعالیت‌های آن در عراق و سوریه و حمایت‌های جمهوری اسلامی از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه است.

به گزارش رویترز، چند مقام پیشین و فعلی آمریکا گفته‌اند که این استراتژی را جیمز ماتیس وزیر دفاع، رکس تیلرسون وزیر خارجه، ژنرال مک مستر مشاور امنیت ملی و دیگر مقام‌های آمریکا تهیه کرده‌اند و روز جمعه در نشست شورای امنیت ملی در اختیار دونالد ترامپ قرار داده‌اند.

یک منبع آگاه می‌گوید، این استراتژی ممکن است مورد توافق قرار گیرد و پیش از پایان ماه سپتامبر علنی شود و هدف از آن افزایش فشار بر تهران برای توقف برنامه موشکی بالستیک، پشتیبانی از تروریسم و بی‌ثبات کردن منطقه به ویژه سوریه، عراق و یمن می‌باشد.

### دارالترجمه بین المللی فریس

### زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی

(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی تلفن:

020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831  
فکس: 020-7760 7160

www.assot.co.uk  
Email: assot@aol.com

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road  
Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر



## اختلاف خامنه‌ای و سپاه با مراجع و روحانیت بر سر «جنایت» بودایی‌ها علیه مسلمانان در میانمار



بودایی‌ها در مراسم دعا

تنش ایجاد نشود».

میزان، خبرگزاری قوه قضاییه، با اشاره به بیانیه رسمی سپاه با مضمون اعلام آمادگی این نهاد جهت کمک‌رسانی به مردم میانمار، گفت، این موضوع که عده‌ای ورود مستشاری سپاه به سوریه و عراق و مقابله با تکفیری‌ها در آن مناطق را دست‌مایه‌ای قرار می‌دهند تا این پرسش را مطرح کنند که «چرا سپاه تا کنون برای کمک به مسلمانان میانمار وارد عمل نشده‌است» قیاسی مع‌الفارق را مرتکب شده‌اند.

در روزهای گذشته بعضی مقام‌های جمهوری اسلامی و تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از جمله علی مطهری مدعی شدند که نجات مسلمانان میانمار تنها راه حل نظامی دارد.

به نظر می‌رسد پاسخ سنایی‌راد در واکنش به این مقام‌ها بوده و گفته «علاوه بر این موضوع که ورود مستشاری ایران به سوریه و عراق، پس از درخواست دولت‌های رسمی این دو کشور صورت گرفت، نباید از نظر دور نگه داریم که شرایط جغرافیایی ایران و میانمار بسیار متفاوت‌تر از شرایط مجاورت جغرافیایی ایران با سوریه و عراق است.»معاون سیاسی سپاه می‌گوید عمل گروهک‌های تکفیری و جنایتکاران میانمار شبیه هم است و هر دو صرفاً یک پوشش دینی برای خود انتخاب کرده‌اند.

همان‌طور که علی خامنه‌ای تاکید کرده بحران میانمار درگیری بین اسلام و بودایی‌ها نیست، سنایی‌راد هم گفته «در اینکه اقلیت مسلمان میانماری مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرند و از سوی حاکمیت میانمار نوعی آپارتاید علیه آنها اعمال می‌شود، شک و تردیدی وجود ندارد اما باید به این موضوع توجه داشته باشیم که در برهه کنونی میان مذاهب اسلام و بودائیت

● در ایران موجی از حملات لفظی علیه سان سوچی در واکنش به خشونت‌ها علیه مسلمانان روهینگاییی آغاز شده.

● خامنه‌ای گفته در راس دولت میانمار «زنی بی‌رحم» قرار دارد ولی نباید خشونت‌ها را درگیری اسلام و بودایی‌ها دانست.

● معاون سیاسی سپاه می‌گوید سوچی جنایت‌های داعشی انجام می‌دهد اما نباید بین اسلام و بودایی‌ها تنش ایجاد کرد.

● نوری همدانی، موحدی کرمانی در روزهای گذشته مستقیماً گفته‌اند بودایی‌ها علیه مسلمانان جنایت می‌کنند.

برزو فارسی- رهبر جمهوری اسلامی ایران و سپاه در واکنش به خشونت‌ها علیه مسلمانان در میانمار به دولت این کشور و سان سوچی حمله کردند.

علی خامنه‌ای با محکوم کردن خشونت‌ها علیه مسلمانان روهینگیا در میانمار با دعوت از کشورهای اسلامی برای فشار به دولت میانمار گفت «در راس این کشور زنی بی‌رحم قرار دارد.» او پس از چند روز سکوت در ابتدای جلسه درس خارج فقه خود در روز سه‌شنبه، ۱۲ سپتامبر، حوادث میانمار را فاجعه‌آمیز خواند و گفت: «جمهوری اسلامی باید علیه ظلم در هر نقطه از جهان، صریح و شجاعانه اعلام موضع کند».

خامنه‌ای مدعی شد اینکه وضعیت میانمار درگیری مذهبی بین مسلمانان و بودایی‌ها دانسته شود نادرست است، به اعتقاد او «ممکن است در این حادثه تعصب مذهبی تأثیر داشته باشد، اما این قضیه یک قضیه سیاسی است، زیرا مجری آن دولت میانمار است و در رأس آن دولت نیز زنی بی‌رحم قرار دارد که برنده جایزه صلح نوبل بوده و با این اتفاقات، در واقع، مرگ جایزه صلح نوبل رقم خورد».

از سوی دیگر معاون سیاسی سپاه گفته خانم سوچی که در گذشته به عنوان یک چهره مدافع حقوق بشر و صلح‌دوست در سطح جهانی معرفی شده بود، امروز در میانمار جنایت‌هایی از جنس جنایت‌های تکفیری‌های داعشی را علیه مسلمانان انجام می‌دهد.

## پاراگراف ۲: حکم دادگاه میکونوس تروریسم جمهوری اسلامی را در اتحادیه اروپا مهار کرد



ویدئو

میکونوس! نه جزیره‌ای تفریحی در یونان، بلکه قتلگاهی در برلین.

در دادگاه میکونوس نقشی در مهار تروریسم جمهوری اسلامی داشت؟

● آیا قابل تصور هست که ماشین ترور رژیم ایران دوباره در اتحادیه اروپا به کار بیفتد؟ -آیا ترور سعید کریمیان مدیر تلویزیون چم به دستگاه ترور جمهوری اسلامی ربط دارد؟

## در هشت سال گذشته بیش از ۶۰ دوتابعیتی و شهروند خارجی در ایران با اتهامات امنیتی بازداشت شدند



نازنین زاغری

شاین بوئر و سارا شورت و شاون گبریل ماکس‌ول، چهار جهانگرد آمریکایی در منطقه توریستی «احمدآوا» در مرز ایران و عراق به اتهام جاسوسی دستگیر شدند. این افراد از اولین شهروندان خارجی بازداشتی در ایران بودند.

کارن وفاداری، آفرین نیساری، نازنین زاغری، رضا شاهینی، کمال فروغی، جیسون رضاییان، سعید عابدینی، امیر حکمتی، نصرت‌الله خسروی، سیامک نمازی، محمد باقرنمازی، هما هودفر، زی یو وانگ، احمدرضا جلالی، رویا صابری‌نژاد نوخت، عادل الیحیی و راعد المجید (شهروندان کویتی)، ۱۰ ملوان آمریکایی که ۲۲ دی ۱۳۹۴ (۱۳ ژانویه ۲۰۱۶) در آب‌های خلیج فارس دستگیر شدند،عبدالرسول دری اصفهانی (عضو تیم مذاکرات هسته‌ای ایران) و ۱۲ نفر از مدیران دوتابعیتی به جرم جاسوسی و خلی‌های دیگر که تعداد آنها در مجموع به بیش از ۶۰ نفر می‌رسد از سال ۸۸ تا کنون با اتهامات امنیتی و جاسوسی برای سرویس‌های اطلاعاتی خارجی و یا در مورد نظامیان با اتهاماتی چون ورود غیرمجاز به آب‌های ایران دستگیر شدند که از بعضی جز نام اختصاری و یا خبر بازداشت بدون ذکر نام، اطلاعاتی در دست نیست. بعضی شهروندان خارجی دیگر نیز در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی که بعدها به جاسوسی تغییر نام پیدا کرد دستگیر شدند.

این آمار شامل شهروندان کشورهایی نظیر افغانستان یا دیگر کشورهایی که اتهام‌های غیر امنیتی و غیرسیاسی دارند نمی‌شود. بعضی از شهروندان خارجی نیز پس از دستگیری به اتهام جاسوسی، حکم‌شان به مصرف الککل تغییر پیدا کرد. طبق آخرین آمار وزارت اطلاعات تا کنون ۵۰ مدیر دوتابعیتی از مشاغل دولتی خود برکنار شده‌اند.

که از هیچ کوششی در افشاگری و پیگیری این جنایت فجیع فروگذار نکرده است، از لحظه‌ی ترور و دادگاه میکونوس سخن می‌گوید.

● لحظه‌ای که مسلسل به سوی مهمانان نشانه رفت چگونه بود؟

● آیا پیگیری و کلا، بازماندگان کشته‌شدگان و مخالفان رژیم

نام «میکونوس» با تروریسم جمهوری اسلامی و مبارزات ایرانیان مخالف گره خورده است. میکونوس، اوج کشتار مخالفان رژیم اسلامی ایران در خارج کشور بود. حکم قاطعانه و بدون مماشات دادگاه میکونوس، ترور مخالفان در خارج از مرزهای ایران را تا اندازه‌ای مهار کرد.

در این «پاراگراف»، پرویز دستمالچی از بازماندگان ترور میکونوس و تحلیلگر و نویسنده‌ای

نام «میکونوس» با تروریسم جمهوری اسلامی و مبارزات ایرانیان مخالف گره خورده است. میکونوس، اوج کشتار مخالفان رژیم اسلامی ایران در خارج کشور بود. حکم قاطعانه و بدون مماشات دادگاه میکونوس، ترور مخالفان در خارج از مرزهای ایران را تا اندازه‌ای مهار کرد.

● آمار نشان می‌دهد ظرف ۸ سال گذشته بیش از ۶۰ شهروند خارجی یا دوتابعیتی در ایران با اتهامات امنیتی و سیاسی بازداشت شدند. ● در این بازداشت‌ها تقریباً تمامی نهادهای امنیتی ایران مشارکت داشتند.

● بعضی از این بازداشت‌ها به طور مشخص نوعی باج‌گیری است.

عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران روز دوشنبه ۲۰ شهریور اعلام کرد در دادگاه تجدید نظر حکم زندان مردی به نام علیرضا به اتهام همدستی با دولت آمریکا تایید شده است.

به گزارش میزان وسایت قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران، جرم «علیرضا- الف» همکاری با دولت متخاصم بوده و با حکم دادگاه به دو سال حبس محکوم شده است.

فاکس نیوز با اعلام این خبر نوشته احکام صادر شده برای متهمین به همکاری با آمریکا مبهم است چرا که پیش از «علیرضا- الف» یک شهروند آمریکایی- چینی در ایران با اتهام همکاری با آمریکا دستگیر و به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

همچنین در روزهای گذشته حکم ۱۰ سال زندان یک شهروند آمریکایی- لبنانی که او هم به اتهام همکاری با آمریکا بازداشت و دادگاهی شده بود تایید شد.

به نوشته فاکس نیوز، نزار زاکا کارشناس فناوری اطلاعات و ارتباطات در تابستان سال ۹۴ با دعوت شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان رییس جمهوری ایران برای شرکت در «دومین همایش بین‌المللی نقش آفرینی زنان در توسعه پایدار» به ایران سفر کرده بود اما سپاه او را به اتهام جاسوسی دستگیر کرد و علاوه بر ۱۰ سال زندان به پرداخت چهار میلیون و ۲۰۰ هزار دلار جریمه محکوم شد.

ایران از دولت محمود احمدی‌نژاد تا کنون به شدت برای دوتابعیتی‌ها به خصوص آنهایی که تابعیت یکی از کشورهای آمریکا، بریتانیا و کانادا را دارند و همچنین برای شهروندان خارجی که به این کشور مسافرت می‌کنند خطرناک شده است. نه تنها دوتابعیتی‌هایی که با سیاستمداران و مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی در ارتباط بودند بلکه

دو تابعیتی‌هایی که روزنامه‌نگار بودند یا حتی در جشنواره‌ی سینمایی به عنوان داور مهمان ایران بودند نیز با دردرس مواجه شدند.

وزارت نشان داده اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات، اطلاعات قوه قضاییه، نیروی انتظامی و در راس آنها شورای عالی امنیت ملی برنامه‌های مشخصی برای برخورد و به تله انداختن دوتابعیتی‌ها دارند چرا که با دستگیری آنها به عنوان اهرم فشار برای چانه‌زنی‌های سیاسی خود با دولت‌های دیگر استفاده می‌کنند. همچنان که این کشور با آزادی چهار شهروندان آمریکایی زندانی در ایران یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار از پول‌های بلوکه شده در آمریکا را از دولت باراک اوباما گرفت.

اما دستگیری شهروندان خارجی که به ایران سفر می‌کنند شامل شهروندان کشورهای همسایه هم می‌شود. در سال‌های گذشته موارد متعددی گزارش شده که سپاه شهروندانی از کشورهای همسایه را که به ایران رفت و آمد دارند بازداشت کرده است.

چهارم تیر ماه ۱۳۹۵ (۲۴ ژوئن ۲۰۱۶) سه تبعه جمهوری آذربایجان به همراه ۱۰ ایرانی توسط نیروهای امنیتی لباس‌شخصی به اتهام فعالیت برای تبلیغ مسیحیت بازداشت شدند. ژانسن خبری مسیحیان ایران، «محبت نیوز» گزارش داده بود یوسف فرهادوف تالت اوغلو، بهرام نسیبوف الخان اوغلو و الدار قربانوف اعضای کلیسای «کلمه زندگی» در باکو بودند که به دعوت گروهی از هم‌کیشان خود به ایران سفر کرده بودند. آنها چهار ماه در اوین بازداشت بودند و بعد به قید وثیقه آزاد شده و به کشورشان آذربایجان بازگشتند. مبلغ این وثیقه‌ها مشخص نیست، اما هر چه باشد پس از خروج این افراد از ایران به جیب قوه قضاییه می‌رود. فروردین سال ۱۳۸۵ دو شهروند سوئدی به اتهام جاسوسی و عکسبرداری از مکان‌های نظامی در جزیره قشم بازداشت و به دو سال زندان محکوم شدند. موج بازداشت شهروندان خارجی در ایران همزمان با اعتراضات به نتایج انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸ آغاز شد.

کلوتیلد ریس، شهروند ۲۳ ساله فرانسوی و استادیار دانشگاه اصفهان هنگام خروج از ایران در سال ۱۳۸۸ در فرودگاه به جاسوسی متهم و دستگیر شد و مرداد ۱۳۸۸ با سپردن وثیقه آزاد شد.

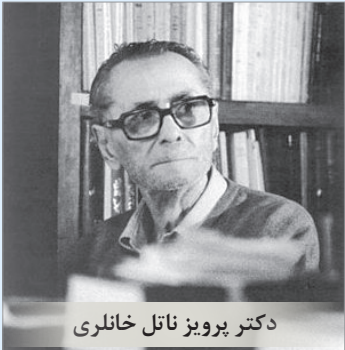
۱۰ مرداد سال ۱۳۸۸ جوشوا استیل،



## تک مضراب! آوازه

### در بوته‌ی نقد خانلری

هم می‌خورد. مثل این است که همه بوی گند می‌دهند.»  
وقتی خانلری از سر تسلی به او گفته که سعی کن بیشتر بمانی شاید دوری



دکتر پرویز نائل خانلری

از محیط کمی راحتت بکنند، پاسخ داد: «خانلر خان، نقشه‌ای دارم که باید بروم.»

خانلری ملک‌الشعراى بهار را که استاد راهنمای او در دانشکده ادبیات بوده است، آخرین ادیب بزرگ ایران به شمار می‌آورد. «بهار تمام دانش‌های ادبی قدیم را در خدمت ذوق و استعداد شاعری خود گرفته بود. جرات داشت مضامین تازه شعری خود را در لباس‌هایی عرضه کند که در سنت شعر اصلا برای آن چنین اجازه‌ای صادر نشده است. بهار شاعری است که توانسته از محدوده حیات جسمانی و زمانه بیرون بیاید و به نقطه شروع برای ماندن در تاریخ ادبیات دست پیدا کند.»

و چرا بهار به این حد از شهرت رسیده؟ خانلری پاسخ می‌دهد: «زیرا دانسته‌های خود را در خدمت حرکت تاریخی زمان قرار داده و از پنهان شدن در حجره درسته محفوظات و معلومات مکتبی خودداری کرده است. او در کار علم حصر ضرورت یک تحول و تجدد را احساس کرده بود و از جنگ قالب‌های قراردادی علوم ادبیه تا سر حد امکان فرار می‌کرد. راز امتداد تاریخی بهار را باید در مهین‌پرستی او جست و یافت. بهار با ساختن تصنیف یک بار دیگر هنر نوگرایی و پیوند میان ادیب مهین‌پرست و شاعری را که می‌خواهد از هر جهت باقی بماند نشان داد. تصنیف‌های او بیشتر سرودی ملی- میهنی است.»

#### نیما و شعر فارسی

خانلری درباره نیما نیز نظرات ویژه‌ای دارد:

«نیما درد را درست تشخیص داده بود. احتیاج به تحول موضوع و شاید حتی قالب شعر. ولی او بدون آشنایی با موازین موسیقی شعر شروع به شکستن قالب‌های شعر فارسی کرد. نیما تا مدعی ابداع وزن تازه نشده بود شاعر متوسطی بود. بعد از آن به صورت نظریه‌پردازی در آمد که خود از تحقق بخشیدن به فرضیه‌اش عاجز بود. بعضی از شاعران که دنبال راه او رفتند به علت احاطه بیشتری که به وزن شعر فارسی داشتند از او موفق‌تر از آب در آمدند. مثلا مهدی اخوان ثالث که هم احاطه به شعر فارسی دارد و هم نظریه نیما را فهمیده است. اشعار او را که می‌خوانید دچار ترمز خواندن نمی‌شوید. در حالی که در شعر نیما شما به علت نا به جا بریده شدن مصرع‌ها درست حالت راننده‌ای را دارید که ناگهان به دست‌اندازی می‌افتد. علت استقبال جوان‌ها از شعر نیما آن است که در آن به مقوله‌ای از زبان می‌رسند که از محدوده مدرسه فرار می‌کند و دست آنها را باز می‌گذارد که هر چه می‌خواهند بگویند.»

پرویز نائل خانلری سرانجام فشارهای شدید جمهوری اسلامی را تاب نیاورد و یک سال پس از آزادی به سبب صدماتی که به او وارد آمده بود جان به جان‌آفرین سپرد. نام او ولی در تاریخ فرهنگ ایران درخشش‌های ویژه خود را خواهد داشت.

\* به بهره‌گیری از کتاب «نقد بی‌غش» از صدرالدین الهی

فرهنگ ایران اگرچه چون فرهنگ‌های اروپایی فرهنگمردان بی‌شمار ندارد ولی آنچه دارد، خویش را دارد. بگذریم از روزگار کم‌کار و پر ادعای ما.

در تاریخ پیش از مشروطیت ایران شمار فرهنگمردان بیش از روزگار ما بود. ولی از مشروطیت به این سو شمارشان کم شد. زندگی سخت و پیچیده مجال رسیدن به قله دانایی را دشوار می‌ساخت و تعداد دانایان کل از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رفت. در میان فرهنگمردان این روزگار ما علی اکبر دهخدا و پرویز نائل خانلری در صدر نشسته‌اند. این دو در همه زمینه‌های فرهنگی به ویژه در زبان و ادبیات گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند.

درباره دهخدا پیش از این نوشته‌ایم و حالا می‌خواهیم به پرویز نائل خانلری بپردازیم که شهریورماه امسال بیست و هفت سال از درگذشت‌اش می‌گذرد. رشته اصلی خانلری زبان فارسی و اوزان عروضی است. هنگامی که برای تحصیل به پاریس رفت نیز رشته‌ای مشابه برای خود انتخاب کرد؛ صداشناسی زبان. او در بازگشت به ایران بیشترین نیروی خود را صرف پژوهش در زمینه‌ی زبان فارسی به کار گرفت. ولی در کنار آن در زمینه‌های دیگر نیز به تحقیق و پژوهش پرداخت از جمله در فرهنگ عامیانه ایرانیان.

در کنار همه کوشش‌ها برای نخستین بار وارد دنیای نقد شد و نقد ادبیات را در شکل واقعی آن در راه شناخت ارزش‌های ادبی به کار گرفت. می‌دانیم که در ایران نقد ادبی نه تنها وجود نداشته که مورد علاقه فرهنگمردان نیز نبوده است. خانلری این میل و رغبت را در جامعه ایران به وجود آورد. برای آشناشدن با شیوه نقد‌های خانلری نظرات او را درباره صادق هدایت و دو نویسنده دیگر به نقل می‌آوریم. پیشاپیش بگویم که ویژگی مهم نقد خانلری این است که به شهرت‌ها و آوازه‌ها توجه نمی‌کند و نتیجه پژوهش‌های خود را بی رودربایستی ابراز می‌دارد.

#### هدایت و دلزدگی‌های سیاسی

«هدایت بعد از برگزاری کنگره نویسندگان در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی (۱۳۲۵) در رأس آن دسته قرار گرفت و از آن دنیای محدود و ساکت و خاموش خود بیرون کشیده شد و به میان اجتماعات حاد سیاسی- ادبی راه یافت. این دگرگونی ناگهانی و پیدا شدن آن همه استعداد‌های تند سرشار از تازه‌جویی البته در هدایت شوقی برانگیخت. اما اندک اندک این بساط صورت دیگری پیدا کرد. یک دسته سیاسی با الهام از تعلیمات مکتبی که پیرو آن بودند همه چیز را قالبی می‌خواستند. و این درست چیزی بود که با روح آزاده هدایت منافات داشت.

چپ‌ها از او بهره‌کشی سیاسی می‌کردند. با گذشت زمانه در او نوعی بی‌ایمانی آمیخته به بدبینی پدید آمده بود.» خانلری می‌گوید دگرگونی در رفتار و گفتار هدایت چنان بوده که او تکان خورده است. «دیگر حوصله حرف گوش کردن نداشت. به اندک ناملامی از کوره در می‌رفت و زبان به دشنام و ناسزا می‌گشود. ظرافت و بذله‌گویی و نکته‌سنجی‌اش مبدل به خشونت و هززه‌گویی و بددهنی شده بود. در چنین وضعیتی از یک سو معاشرت با اطرافیان ناباب مقدمات آلودگی‌های او را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر او را به مبلغ بزرگ بی‌ایمانی و شک و تردید به همه چیز تبدیل می‌کرد. نمونه کامل یک انسان شکست‌خورده از خود رمیمده عاجز از چاره و ناامید شده بود.»

خانلری لحظه خداحافظی با هدایت را که می‌خواست به سفر مرگ برود در یاد دارد. به او گفته است: «حوصله‌ام سر رفته، دلم از همه چیز و همه کس به

## مثل یک سیبِ ترّک خورده، هراسانم

(رضا مقصدی)

۲۴ شهریور ۱۳۹۶

از چه باید به تو بنویسم؟  
از غروبی که مرا از تو جدا کرده‌ست؟  
از همان ساعتِ شومی که نَفَس‌های ترا  
به شبِ یخزده‌ی بهمن، پیوند زده‌ست؟  
از چه باید به تو بنویسم؟

مثل یک باغِ فروریخته، در پاییزم.  
شاخه هر شاخه‌ی من، در آه  
ماه از پنجره‌ام دورست.  
در زمانی که مرا از تو نصیبی نیست  
مثل یک سیبِ ترّک خورده، هراسانم.

## فتوا و زندان برای سینماگران جوان عرب

زودی در بریتانیا اکران خواهد شد، به لندن سفر کرده بود، به کیهان لندن می‌گوید: «می‌خواستم فیلمی بسازم که جامعه بسیار سنتی فلسطینی را منفجر کند. ساختن فیلمی نرم که مردم می‌خواهند بدون دغدغه آن را ببینند و تکان‌شان ندهد، هنر نیست. هنرمند وظیفه دارد از واقعیت‌هایی که اکثریت نمی‌خواهند ببینند و منکر آنها هستند صحبت کند.»

**سکولار یا مذهبی، ولی سنتی**  
میسلون حمود خودش نیز از شهر و خانواده‌اش برید و به تل‌آویو رفت تا «چنانکه می‌خواهد زندگی کند.» این کارگردان عرب- اسرائیلی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌گوید: «این انتخاب‌ها در جامعه بسته‌ای که ما عرب‌ها زندگی می‌کنیم بهای سنگینی دارد، من از وقتی به تل‌آویو آمدم و قدم به جهان سینما گذاشتم، برادرم با من قطع رابطه کرد چون مرا زن هرزه‌ای می‌داند و این انتخاب من را نمی‌پذیرد.»

کارگردان «در میانه» ضمن اشاره به فتوای اخیر و تهدید به مرگ می‌گوید: «آنقدر احق نبودم که انتظار واکنش‌های منفی را نداشته باشم، ولی تهدید به مرگ و فتوا کمی نگران‌کننده است. فیلم من مورد توجه نیست، بلکه در رابطه با سنت‌های غالب بر جامعه هستند که محدودیت‌های زیادی را به ویژه برای زنان ایجاد می‌کند. فیلم من بیش از آنکه علیه مذهب باشد، می‌خواهد این سنت‌ها را بشکند و در مورد حقوق زنان صحبت کند.»

**ممنوعیت اکران در جهان عرب**  
فیلم با پشتیبانی صندوق حمایت از سینمای اسرائیل و شلوم الکاتیز، از چهره‌های شناخته‌شده سینمای این کشور آن را تولید کرده است. «در میانه» در ۱۲ بخش برای دریافت جایزه «وافیر»، که معادل اسکار در اسرائیل است، نامزد شده است. میسلون حمود می‌گوید: «این تهدیدها اگرچه من و هنرپیشگان فیلم را نگران کرده، ولی از سوی دیگر بسیاری را به سینما کشاند تا ببینند چگونه فیلمی است که زحمت یک فتوا را برایش کشیده‌اند.»

«در میانه» تا کنون اجازه اکران در هیچ کشور عربی را نیافته است. میسلون حمود در این رابطه می‌افزاید: «خوشبختانه امروز فیلم را می‌توان از طریق «نت‌فلیکس» در هر نقطه جهان دید و سانسور دیگر تاثیر آچنانی ندارد، هرچند امیدوارم که روزی در کشورهای عربی هم اکران شود.»



فیلم «در میانه»

نزدیک به ده جایزه در جشنواره‌های مختلف در یک سال گذشته به دست آورده است، ولی آزادی‌اش را تقریباً از دست داده است. یک روحانی فلسطینی اخیراً فتوایی علیه این زن ۳۵ ساله صادر کرده است، که در آن فیلم‌اش «حرام» و خودش هم «مرتد» اعلام می‌شود. اگر در جمهوری اسلامی



زیاد دوبری

این‌گونه فتواها علیه نویسندگان و هنرمندان بی‌سابقه نیستند، ولی در جامعه فلسطینی این اولین فتوایی است که در ۷۰ سال اخیر علیه یک روزنامه‌نگار لبنانی در بیروت در میان گذاشتیم.

**نقش حزب‌الله در بازداشت زیاد دوبری**

سعد کیوان در گفتگو با کیهان لندن، بازداشت و محاکمه این کارگردان را «بی‌رابطه با بحرانی که حزب‌الله درگیر آن است»، نمی‌داند. این روزنامه‌گار لبنانی معتقد است که «حضور حزب‌الله در جنگ سوریه و شمار بالای تلفات، این سازمان را دچار بحرانی بی‌سابقه کرده است». سعد کیوان می‌افزاید: «با بازداشت و محاکمه زیاد دوبری، حزب‌الله در نظر دارد از حساسیت لبنانی‌ها نسبت به اسرائیل سوء استفاده کرده و افکار عمومی را متوجه خطر اسرائیل کند، تا بلکه بتواند از این طریق از فشار ناشی از بحران جنگ سوریه بکاهد.»

در این میان، میسلون حمود، کارگردان عرب- اسرائیلی، که با فیلم شجاع و سنت شکن «بر بحر»، که اصطلاحی عربی است که معنای «در میانه» می‌دهد، اگرچه

شهر، پی می‌برد که همسرش نیز در این عملیات شرکت داشته است. این فیلم که در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار در جشنواره تورنتو اکران شد، در لبنان و برخی دیگر از کشورهای عربی هرگز اجازه نمایش دریافت نکرد. در آن سال، در جمهوری اسلامی ایران نیز بسیاری از رسانه‌ها زیاد دوبری را متهم به

«توهین» به عنوان «توهین»، که در هفتاد و چهارمین جشنواره سینمایی ونیز توانست جایزه بهترین هنرپیشه مرد را برای نقش‌آفرینی کامل البشا دریافت کند، نتوانست در بازگشت به بیروت جشن بگیرد. وی در فرودگاه، بلافاصله بازداشت شد، اگرچه پس از چند ساعت او را به قید ضمانت آزاد کردند. این کارگردان جوان لبنانی- فرانسوی باید ماه آینده در یک دادگاه نظامی حضور پیدا کند.

«توهین» چهارمین فیلم بلند زیاد دوبری است که با دستکاری در سه فیلم کوتینتین تارانتینو، کارگردان معروف آمریکایی، قدم به جهان سینما گذاشت. «توهین» داستانی در مورد پیچیدگی وضعیت در لبنانی اسیر جنگ است. جنگی که سال‌ها پیش رسماً به پایان رسیده، ولی هنوز صلحی واقعی در افق دیده نمی‌شود. در جامعه پیچیده و ملتهب لبنان، گاهی یک بی‌احترامی ساده می‌تواند به مساله‌ای ملی و بحرانی تبدیل شود. در این فیلم، اهانت یک مکانیک مسیحی به یک پناهنده فلسطینی، بلافاصله از مساله‌ای شخصی به جنجالی سیاسی با پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر تبدیل می‌شود.

#### انتقاد از عملیات استشهادی

زیاد دوبری ولی گویا به خاطر این فیلم که قرار است هفته آینده در لبنان اکران شود، بازداشت نشده. این کارگردان قرار است در دادگاه نظامی به اتهام «همکاری با دولت متخاصم» محاکمه شود. این اتهام در رابطه با «حمله»، فیلم قبلی زیاد دوبری است. فیلمی که در اسرائیل و با هنرپیشگان اسرائیلی فیلم‌برداری شده است.

«حمله» داستان یک جراح عرب- اسرائیلی در شهر تل‌آویو است که بعد از یک حمله انتحاری در این

- زیاد دوبری، کارگران جوان لبنانی- فرانسوی که هنرپیشه فیلم‌اش در آخرین جشنواره ونیز جایزه بهترین نقش‌آفرین مرد بخش اصلی را دریافت کرد، بلافاصله پس از بازگشت به بیروت بازداشت شد.

- میسلون حمود، زن جوان عرب- اسرائیلی که سال گذشته فیلمی سنت‌شکن را روانه جشنواره‌ها کرده بود و جوایزی در سه جشنواره دریافت کرد نیز در فتوایی تهدید به مرگ شد.

احمد رأفت- زیاد دوبری، کارگردان فیلمی با عنوان «توهین»، که در هفتاد و چهارمین جشنواره سینمایی ونیز توانست جایزه بهترین هنرپیشه مرد را برای نقش‌آفرینی کامل البشا دریافت کند، نتوانست در بازگشت به بیروت جشن بگیرد. وی در فرودگاه، بلافاصله بازداشت شد، اگرچه پس از چند ساعت او را به قید ضمانت آزاد کردند. این کارگردان جوان لبنانی- فرانسوی باید ماه آینده در یک دادگاه نظامی حضور پیدا کند.

«توهین» چهارمین فیلم بلند زیاد دوبری است که با دستکاری در سه فیلم کوتینتین تارانتینو، کارگردان معروف آمریکایی، قدم به جهان سینما گذاشت. «توهین» داستانی در مورد پیچیدگی وضعیت در لبنانی اسیر جنگ است. جنگی که سال‌ها پیش رسماً به پایان رسیده، ولی هنوز صلحی واقعی در افق دیده نمی‌شود. در جامعه پیچیده و ملتهب لبنان، گاهی یک بی‌احترامی ساده می‌تواند به مساله‌ای ملی و بحرانی تبدیل شود. در این فیلم، اهانت یک مکانیک مسیحی به یک پناهنده فلسطینی، بلافاصله از مساله‌ای شخصی به جنجالی سیاسی با پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیر تبدیل می‌شود.

#### انتقاد از عملیات استشهادی

زیاد دوبری ولی گویا به خاطر این فیلم که قرار است هفته آینده در لبنان اکران شود، بازداشت نشده. این کارگردان قرار است در دادگاه نظامی به اتهام «همکاری با دولت متخاصم» محاکمه شود. این اتهام در رابطه با «حمله»، فیلم قبلی زیاد دوبری است. فیلمی که در اسرائیل و با هنرپیشگان اسرائیلی فیلم‌برداری شده است.

«حمله» داستان یک جراح عرب- اسرائیلی در شهر تل‌آویو است که بعد از یک حمله انتحاری در این



گفتگوی یوسف مصدقی با دکتر رامین جهاننگلو:

## در معنای صلح و لزومِ تعادل

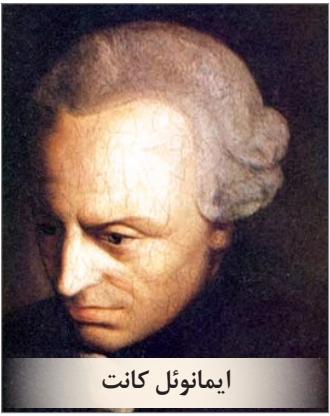


رامین جهاننگلو

خوبی بود و نه پدر خوبی؛ ولی یک مصلح اجتماعی بزرگ بود. او وقتی از عدم خشونت حرف می‌زند آن را به عنوان یک مکانیزم جدید در مقابل «ترمودینامیک قدرت» قرار می‌دهد. لازم نیست عاشق آدم‌ها باشیم تا ایده‌هایشان را بپذیریم. کانت چون هیچ نوع پیش‌داوری در مورد هیچ‌چیز و هیچ‌کس ندارد، می‌گوید که حتی شیاطین هم اگر هوشمند بشوند و از عقل نظری و عملی استفاده کنند- یعنی حدود معرفت و حکم اخلاقی را بشناسند- جمهوریت و دوستی مدنی برایشان معنی پیدا می‌کند و می‌توانند در فرآیندِ صلح پایدار شرکت کنند.

● **سؤال اساسی که اینجا پیش می‌آید این است که چرا بعد از گذشت بیش از دو قرن از مرگ کانت، هنوز به این صلح پایدار نرسیده‌ایم؟**

- معتقدم که بی معنایی حاکم بر زندگی و عدم آگاهی به آن، تبدیل به



یک شرّ رادیکال برای انسان شده که او را حتی از اندیشیدن به وضعیت‌اش باز می‌دارد. ما در مقابل یک کلیتی به نام بشریت قرار گرفته‌ایم که غایت خودش را از دست داده و مثل لکوموتیوی شده که راننده ندارد و به سرعت در راهی که معلوم نیست به کجا ختم می‌شود، حرکت می‌کند. چیزی که مهم است، این است که ما باید این قطار را نگه داریم و از آن پیاده شویم. این پیاده شدن برای خیلی‌ها گران تمام می‌شود برای اینکه موضوع «پیشرفت» برایشان مطرح است و می‌گویند اگر از این قطار پیاده شویم پس چطور پیشرفت کنیم؟ پاسخ من این است که در دنیایی به این بی‌معنایی، خود واژه‌ی «پیشرفت» هم بی‌معنا شده است. پیشرفت نسبت به چه؟ به کدام سو؟ نتیجه این پیشرفت چیست؟

● **به نظر می‌رسد که در دوران ما، گفتمان «پیشرفت» تبدیل به امر مقدّس غیرقابل پرسش شده است و دارد جایگزین دین یا هر شکل از کلان‌روایت‌های معنی‌دهنده به زندگی می‌شود. فکر نمی‌کنید که اگر ما یک کلان‌روایت معاصر اقتاع‌کننده داشتیم، این‌گفتمان «پیشرفت» به این شکل فراگیر نمی‌شد؟ حالا اگر ما به دنبال کلان‌روایتی بر پایه‌ی صلح و عدم خشونت باشیم- یعنی همان چیزی که شما هم پیشنهاد می‌کنید- چه نهادی می‌تواند آموزش صلح و رسیدن به اخلاقیِ حداقلی را تسهیل کند؟**

- من در برابر واژه‌ی پیشرفت، واژه‌ی پُسرَفت نمی‌بینم. من در مقابل «پیشرفت» واژه‌ی «تعادل» را می‌گذارم. از این نگاه، صلح یک نوع تعادل است و این تعادل نمی‌تواند از جهل حاصل شود. حالا ما چگونه می‌توانیم این تعادل را تبدیل به یک نوع ایده‌ی تنظیم‌کننده‌ی زندگی

دکتر رامین جهاننگلو متفکر و روشنفکر شناخته‌شده‌ی ایرانی - کانادایی، در حال حاضر استاد و معاون دانشکده‌ی حقوق دانشگاه JGU دهلی و همچنین مؤسس و مدیر مرکز صلح و عدم خشونت مهاتما گاندی است. او در دانشگاه‌های سوربن و هاروارد فلسفه و علوم سیاسی خوانده است و تا کنون بیش از سی عنوان کتاب به سه زبان فارسی، فرانسه و انگلیسی منتشر کرده است.

این گفتگو در چند بخش برای کیهان لندن تنظیم شده که به مرور منتشر می‌شود. در بخش نخست درباره‌ی مفهوم «سیاست» گفتگو شد و این نکته که آنچه «سیاست» باید باشد با آن سیاستی که عملاً وجود دارد، بسیار متفاوت است.

در بخش دوم بحث بر سر این «موضوع اصلی» گفتگو شد که اساساً سیاست به عنوان «هنر ساماندهی جامعه» چگونه باید شکل بگیرد. کدام نگاه به انسان به کدام سیاست منجر می‌شود و «عقل» در این میان چه نقشی دارد.

بخش سوم این گفتگو به نقش افرادی چون محمدعلی فروغی در سیاست ایران اختصاص داشت. در بخش چهارم به جایگاه نویسندگانی چون شاهرخ مسکوب، جلال آل‌احمد و علی شریعتی پرداخته شد و در بخش، بحث بر سر مفهوم «فلسفه» و معنای «آزادی» بود.

در آخرین بخش این گفتگوها به آنچه بازی می‌گردیم که نکته‌ی مرکزی همه‌ی این مباحث بوده است: بشر می‌خواهد در کدام جهان و چه نوع آینده‌ای زندگی کند؟

#### بخش ششم (پایانی)

● **یوسف مصدقی:** آقای جهاننگلو، در جوامع فارسی‌زبان، شما از نخستین کسانی بودید که تمرکزتان را روی موضوع صلح و عدم خشونت گذاشتید و سال‌های متمادی روی این موضوعات کار کردید. به عنوان فردی صاحب تجربه در این زمینه، صلح را چگونه تعریف می‌کنید؟

**رامین جهاننگلو:** من با این اندیشه‌ی اسپینوزا همدلم که صلح فقط نبود جنگ نیست بلکه صلح باید یک نوع افق مشترک بشریت باشد. یعنی باید به صورت یک غایت به صلح اندیشید. برای رسیدن به این افق مشترک ما باید یک «اخلاق حداقلی» داشته باشیم که قوام‌بخش و تنظیم‌کننده‌ی روابط میان افراد و گروه‌های اجتماعی باشد. اگر صلح را افق مشترک بشریت بدانیم، باید توانایی انتقال بین نسلی آن را داشته باشیم؛ و این انتقال فقط از طریق آموزش امکان‌پذیر است. چیزی که به ما در آموزش صلح کمک می‌کند این است که ما صلح را به عنوان یک ساحت اخلاقی ببینیم و مشخص است که این ساحت اخلاقی، آداب و هنجارهای روزمره‌ای که ما در زندگی شخصی به آنها پایبندیم، نیست. موضوع خشونت‌پرهیزی، چگونگی نگاه افقی به روابط انسان‌ها و ملل است. صلح، بدون همدلی و گفتگو درباره‌ی زندگی اجتماعی و ساماندهی جهان، نمی‌تواند میسر باشد. در این حالت باید بشریت با جهان در آشتی قرار بگیرد. این فقط آشتی میان انسان‌ها نیست بلکه باید آشتی میان انسان و طبیعت هم باشد. حال در این بخش برای تعریف صلح، فلسفه‌ی هایدگر به کار می‌آید که می‌گوید: عقل ما، باید به جهان گوش دهد. من دقیقاً صلح را این‌گونه توصیف می‌کنم که صلح عبارتست از: وضعیت هستی‌شناختی انسان‌ها، وقتی که یادمی‌گیرند به جهان گوش دهند. این وضعیت خشونت‌آمیز و مخوفی که در دنیا حاکم است، ناشی از گوش ندادن به جهان است.

● **با توجه به تعریفی که از صلح ارائه کردید، این برای خواننده‌ی این گفتگو، این پرسش مطرح شود که آیا صلح مورد نظر شما یک مفهوم قدسی و عرفانی است؟**

- فکر نمی‌کنم که این‌طور باشد. وقتی در مورد صلح و عدم

خشونت فکر می‌کنیم، دنبال قدیس نمی‌گردیم. گاندی یک قدیس

نیست و هیچگاه هم نمی‌خواست قدیس باشد. اتفاقاً گاندی نه شوهر

### رضاشاه، مردی که چهره‌ایران را دگرگون ساخت (۲)



با سازماندهی منسجم و متشکل. میهن‌دوستان فراوانی که به پیشرفت و سربلندی ایران می‌اندیشیدند آرمان‌گرایانه در این حزب گرد آمدند و شمار فراوانی انسان‌های پاک‌باخته در این حزب نیز جان در راه این آرمان‌های خود نهادند ولی شوربختانه برداشت‌ها، سیاست‌های نادرست و بیش از همه سرسپردگی این حزب به شوروی پیشین و حزب کمونیست آن کشور، آسیب‌های فراوانی به خود این حزب و مردم ایران وارد نمود. بخوانیم که بابک امیرخسروی از رهبران پیشین حزب توده که سالیانی پس از انقلاب از حزب توده جدا شده و «حزب دُمکراتیک مردم ایران» را شکل داده، در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی فارسی چگونه بر نجات یافتن عده‌ای از سران حزب توده از آدمکشی‌های استالین با رقتن به زندان رضاشاه سخن می‌گوید: «...حزب کمونیست ایران در همان دهه‌های بیست و سی میلادی در زمان رضاشاه منحل شد. قاطبه رهبران آن از جمله دبیرکل آن در شوروی (سابق) به دستور استالین کشته و نابود شدند. چند نفر از کادرهای آن نظیر رضا روستا و اردشیر آوانسیان و میرجعفر پیشه‌وری، شانس آوردند که به زندان رضاشاه افتادند و جان سالم به در بردند.» (بر گرفته از مصاحبه بی‌بی‌سی با بابک امیرخسروی، شنبه ۴ فوریه ۲۰۱۲–۱۵ بهمن ۱۳۹۰). و در دنباله: «... توده‌ای‌ها بر این جهان بودند که به اردوی زحمتکش‌ان گمان تعلق دارند که شوروی رهبر جهانی آن بود. چنین علاقه و احساسی، در نفس خود، بیگانه‌پرستی نبود. توده‌ی حزبی و کادرها و بسیاری از رهبران حزب، از این تبار بودند. متأسفانه همین احساسات صادقانه و بی‌شائبه‌ی پایه‌گذاران «حزب توده‌ایران» به «اولین میهن پرولتاریای پیروز» و توهمات ناشی از آن، زمینه‌ی ذهنی مساعدی فراهم آورد که بر بستر آن، شوروی‌ها برای سوق دادن حزب توده به سوی یک جریان وابسته و تبدیل آن به ابزاری برای پیشبرد سیاست خارجی آزمندانه سواستفاده و سلطه بر جهان، حداکثر سواستفاده را کردند.» (همان مصاحبه).

این مصاحبه را باید با دقت خواند. در این گفتگو امیرخسروی با ژرفنگری به اشتباه‌های بسیار زبان‌بار حزب توده در پیروی از حزب کمونیست شوروی پیشین، اشاره‌های تاریخی و مهمی می‌کند و سیاست‌های حزب توده از آن میان مسئله نفت شمال، فرقه دمکرات آذربایجان و سنگ‌اندازی در راه زنده‌یاد دکتر محمد مصدق در مبارزه با انگلستان برای ملی کردن نفت، سیاست ویرانگر حزب توده در همراهی با خمینی و... به کوتاهی ولی روشن و صادقانه می‌پردازد. این داده‌ها از زبان یک کادر رهبری با پیشینه‌ی طولانی و با اطلاع فراوان در باره حزب توده با نگاهی فراگیر و بی‌طرفانه، مرا از بیان بیشتر در این‌باره بی‌نیاز می‌کند. من خوانندگان گرمای را به خواندن همه این مصاحبه مهم فرا می‌خوانم. بنا بر این، کینه گروه زیادی از روشنفکران در برابر غرب به ویژه آمریکا که بیشترین نمودش را در دوران محمدرضاشاه می‌بینیم، از جنبه درونی و آنچه مربوط به ایران می‌شود، یکی همین تأثیرپذیری از حزب توده بوده است و جنگ سردی که در آن زمان میان بلوک غرب سرمایه‌داری و بلوک شرق کمونیستی موجود بود. **ادامه در صفحه ۱۵**

**کوروش گُلنام** - در بخش نخست به

کوتاهی درباره وضعیت ایران پیش از به قدرت رسیدن رضاشاه و نارسایی‌ها در میان خود ما ایرانیان، نوشته شد.
اینک چند انگیزه و سرچشمه مهم منفی‌بافی‌ها درباره رضاشاه که بیشتر پس از سپری شدن دوران پادشاهی او انجام گرفته است را مرور می‌کنیم.

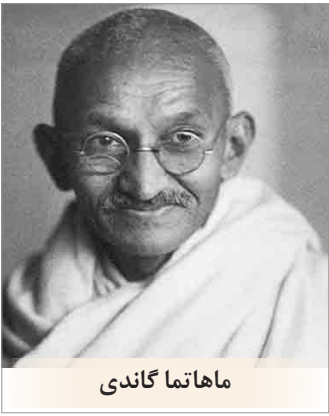
#### چه گروه‌ها و با چه انگیزه‌هایی؟

۱ - نخستین سرچشمه‌ی بدگویان و شایعه‌سازان و دروغ‌پردازان، همین گروه آخوندها بوده‌اند که از سیاست‌های رضاشاه و همکاران او، سخت سلیلی خورده و بسیار آزرده و خشمگین بودند. رضاشاه در کوتاه کردن دست آنان از دادرسی در قضاوت‌های سنتی/ مذهبی، در کشف حجاب (که شوربختانه در این‌باره زیاده‌روی‌هایی از سوی مأموران نیز انجام شد که یادآور آن داستان است که گفتند: برو کلاه بیاور، رفت و کلاه را با سر آورد)، در ایجاد و گسترش آموزشگاه‌ها و برانداختن مکتب خانه‌ها که از پایگاه‌های مهم مغز شویی آخوندها بود، در کوتاه کردن زبان یاهو گوی آنان، و در یک سخن، کم کردن دایره‌ی نفوذ ریاکارانه و سنتی این گروه پارزیت و مفت‌خوار جامعه، نقشی تاریخی بازی کرد که مردم امروز ایران، به ویژه جوانان آینده‌ساز، باید ارزش آن را بهتر درک کرده باشند.

آخوندهایی از جنس خمینی و خامنه‌ای با هرگونه ساز و کار پیشرفت جامعه مخالفت می‌کردند. جالب این است که رضاشاه خود نخست خواستار تشکیل جمهوری بود (در این باره تفسیرهای گوناگونی داده شده است). در بهمن ماه ۱۳۰۲ زمان نخست وزیری او (در آن زمان «سردار سپه» نامیده می‌شد)، درباره تشکیل جمهوری با پشتیبانی او ولولهای در ایران به راه افتاد. روحانیان یا بنا به گفته خودشان «علما»، از آن میان «مُدرس» هیاهو به راه انداخته، گردهمایی‌ها تشکیل داده و با «جمهوری» مخالفت کرده و آن را خلاف اسلام و شریعت و با «بی‌دینی» یکی دانستند.

چند ماهی پس از آن با بالا گرفتن تنش‌ها در جامعه و فشار بر سردار سپه، در فروردین ۱۳۰۳ ایده برپایی جمهوری به فراموشی سپرده شد. نمی‌توان مخالفت روحانیان با تشکیل جمهوری در ایران را تنها انگیزه‌ی شکست ایده‌ی آن در ایران دانست زیرا نه شناخت درستی از «جمهوری»، نه زمینه آن در جامعه‌ی آن روز ایران و نه زمان مورد نیاز برای به اجرا در آوردن آن وجود داشت ولی می‌توان هیاهو و جنجال آخوندها را یکی از مهم‌ترین آنها به شمار آورد (در این‌باره بسیار نوشته‌اند از آن میان ملک‌الشعراى بهار، یحیی دولت‌آبادی، حسین مکی و شماری دیگر). یک نمونه دیگر در مهرماه ۱۳۰۶ است که رضاشاه قانون سربازی اجباری را به مرحله اجرا در می‌آورد، باز هم این روحانیان بودند که هیاهو به راه‌انداخته و به پیروی از آنها، بازارها در تهران و اصفهان بسته شده و گروهی از روحانیان به قم مهاجرت کرده و دردرس زیادی برای دولت به وجود آوردند. این «آقایان» که تا پیش از پدیدار شدن سردار سپه و امن کردن راه‌ها، از راهزنان و ناامنی‌ها می‌نالیدند (حتا مُدرس و زنده‌یاد دکتر مصدق درباره امنیتی که سردار سپه به وجود آورده بود، او را تحسین می‌کردند) و اگر رضاشاه نبود حتماً شناسنامه هم نداشتند، در دشمنی به رضاشاه و پس از او با فرزندش از هیچ کوششی فروگذار نکردند. اینک شاهد هستیم که با در اختیار گرفتن قدرت با واپس‌ماندگی در اندیشه و دیدگاه‌ها، ندانم‌کاری‌ها، دروغ و ریاکاری‌ها، دزدی‌ها و جنایت‌ها چه به روز ایران و ایرانی آورده‌اند.

۲ - گروه دوم بازیاران بودند که به شکل سنتی همیشه دنباله‌رو آخوندها بوده‌اند. آنان چون در بیشترین‌شمار خود کم‌سواد و با بی‌سواد بوده‌اند، تنها تکیه‌گاه دانش، آگاهی، همچنین «مشروعیت» کسب و کارشان آخوندها بوده‌اند که با کلاه‌برداری و به نام دین از آنها خُمس و ذکات دریافت کرده و با دیگر بهانه‌های مذهبی جیب‌شان را خالی و گوش‌شان را



ماهاتما گاندی

بگردیم. روزمرگی هم که نمی‌تواند به یک پروژه درازمدت تسکین‌دهنده تبدیل شود. بنابر این عده‌ای از مردم با یک نگاه توریستی به سمت شرق و عرفان‌های بی‌پایه می‌روند. این برخورد توریستی انقدر سطحی است که موجب تعادل و گفتگو نمی‌شود. به جای این فرقه‌بازی‌ها و برخورد‌های سطحی با معنویت، ما احتیاج به همدلی با یکدیگر داریم. همدلی، تبدیل به موضوعی نادر در روابط انسانی شده است. حتی در یک شرکت یا دپارتمان دانشگاهی هم این همدلی را نمی‌بینیم. افراد هم‌رده، در رقابت با یکدیگر برای گرفتن پست‌های بالاتر هستند و در این راه به هر توطئه‌ای متوسل می‌شوند تا به همدیگر ضربه بزنند. حالا این فقدان همدلی وقتی به روابط بین‌الملل و سیاست جهانی تعمیم بیاید، عمق فاجعه بیشتر معلوم می‌شود.

● **آیا فکر می‌کنید انسان در وضعیت کنونی، روندی افولی نسبت به درک آزادی، میراث و خاستگاه‌هایش در پیش گرفته‌است؟**
- همان‌طور که پیشتر گفتم، مهم‌ترین مسأله‌ای که برای انسان در طول تاریخ مطرح بوده، مسأله‌ی آزادی بوده است. آنچه در راستای موضوع آزادی مهم است، فرآیند آگاه شدن به مسأله‌ی انتخاب است. ما انسان‌ها به عکس باقی حیوانات، توانایی انتخاب داریم، اما انگار به جایی رسیده‌ایم که دیگر انتخاب برایمان معنا ندارد زیرا قدرت فهم آزادی را از دست داده‌ایم. انتخاب، زمانی واقعی است که نه تنها در آن احساس آزادی باشد بلکه بازتعریف آزادی هم باشد. با بازتعریف آزادی، می‌توانید «هنر ساماندهی جامعه» را هم بازتعریف کنید تا در هر زمانی، یک ساماندهی جدید برای اداره‌ی جامعه داشته باشید.

**ادامه در صفحه ۱۵**



## «یک هیچ ادکلن زده»: در مرگِ ابراهیم یزدی



**ابراهیم یزدی و یاران انقلابی که عمدتاً ناکام شدند از جمله صادق قطب‌زاده که اعدام شد**

مرگ مهدی بازرگان، ابراهیم یزدی حدود بیست و سه سال دبیرکل «نهضت آزادی ایران» بود. ثمری این بیست و سه سال، سه چهار فقره ثبت‌نام منجر به رد صلاحیت در انتخابات مختلف جمهوری اسلامی بود به‌علاوه‌ی چند بیانی‌هی سرشار از کلی‌گویی و آه و ناله در باب حقانیت انقلابی که سهام «نهضت آزادی» را در آن خورده بودند. در طی این دوره، هیچ فعالیت سیاسی و سازمانی معنی‌داری از نهضت آزادی مشاهده نشد. در زمان ماجراهای ۱۳۸۸ چند صبح‌ای را در اوین گذراند که از کم و کیف آن اطلاع موثقی در دست نیست. چند سال آخر عمرش را هم برای پس گرفتن اقامت ایالات‌متحده دست و پا زد که نه در دولت ترامپ بلکه در همان دولت اوباما هیچ نتیجه‌ای نگرفت. در ازمیر در اثر سرطان درگذشت و دست از پا درازتر وارد تاریخ شد. تمام آنچه درباره‌ی «خود» ابراهیم یزدی می‌شود نوشت، همین است. او هم بالاخره از «آستانه‌ی ناگزیر» گذشت. در این زمان کوتاهی که از مرگ او می‌گذرد، هواداران معدود و مخالفین بسیار او، مرثیه‌ها و فشنامه‌های فراوانی نوشتند و به مدد دیده‌ها و شنیده‌ها و حدسیات، او را قضاوت کردند. از گروه معدود دوستداران‌اش شنیدیم که او مردی میانه‌رو و معتدل بود که تا جایی که توان داشت مانع از افراط و تدروی می‌شد. در مقابل خیل مخالفین متغیر از او، با یادآوری نقش او در شکل‌گیری جمهوری اسلامی و حضور چشمگیر او در اقدامات افسارگسیخته‌ی انقلابیون در روزهای نخستین برپایی «حکومت ملایان»، از او چهره‌ای منفور و جانی‌تکار نمایش دادند. برای اصحاب این صفحه‌کلید فارغ از این اظهارات آلوده به غرض فارغ از دو طرف ماجرا، آنچه همیشه در مورد ابراهیم یزدی محل کنجکاوی بوده است، نه افعال و کردار او– چه پیش و چه پس از بهمن ۵۷– بلکه شخصیت اوست. یزدی سیاستمداری فاقد دستاورد بود که در هیچ بخشی از جامعه ایرانی پایگاهی نداشت و همدلی هیچ گروه اجتماعی را بر نمی‌انگیخت. اینکه کردار او در جایگاه سیاسی‌اش چه بوده، مطلبی است که بسیاری به آن پرداخته‌اند. برای نگارنده اما مسأله، تحلیل شخصیتی است که با وجود گذر ایام و کسب تجربه‌های بسیار، آنقدر تخت، منفعل و غیر جذاب است که حتی نمی‌شود بیش از دو پاراگراف درباره‌اش نوشت. هیچ میثرائی از خود به جا نگذاشت. نه نظریه‌پرداز توانایی بود و نه رهبر فرهمندی. آدم میان‌مایه‌ای بود که چند صبح‌ی بلیت‌اش برد و با جایزه‌اش صفا کرد اما نتوانست کاری کند که نیک‌نام، و ماندگار، شود؛ زیرا تنها هنرش زود سر صف ایستادن بود. مرتکب رذائلی شد اما نه آنقدر که او را در جایگاه سیاسی‌اش محکم کند. به قول شاملو: «بد بود اما بدی نبود»، این خصوصیت البته او را از رذائل ارتكابی‌اش تبرئه نمی‌کند. موضوع بر سر این است که امثال او مدعی فهم چیزی بودند که موهوم بود. نه خود را شناختند و نه جامعه‌ای را که می‌خواستند رستگارش کنند. از فکلی نمازخوان، چیزی بیش از این نمی‌شود انتظار داشت. شاید بهترین توصیف برای او را بشود از غزل سیدمهدی موسوی وام گرفت: «یک هیچ ادکلن زده با موی فرفری».

هم اصلا حواسش به این نبود که اگرچه آخوند جماعت در بلاد کفر زبانش الکن است و خلاق به او به چشم ابزار سرگرمی نگاه می‌کنند، اما وقتی پایش به خاک وطن برسد لولهنکش حسایی آب بر می‌دارد. البته، جناب دکتر بعدها در زمان معزولی چند باری معترف شد که او و رفقاییش می‌خواستند از نفوذ شبکه‌ی روحانیت برای همراه کردن عامه‌ی مردم با «نهضت» استفاده کنند. به زبان عوام، دنبال «کار کردن خر و خوردن یابو» بودند که در نهایت، محاسبات‌شان غلط از آب درآمد. جای تعجب است که یزدی و همپالکی‌هایش غافل از این بودند که آخر این ماجرا، کسی برنده می‌شود که برای «خلق قهرمان» روضه می‌خواند و جریان بهشت و جهنم‌شان را راس و ریس می‌کند. آخوند جماعت، نبض وجدان ملت را در دست دارد. با ذکر مصیبتی اشک مردم را درمی‌آورد و با فتوایی وجدان‌شان را آسوده می‌کند. خلاصه اینکه در زمین خودی شکست‌ناپذیر است. به فرض محال اگر هم شکست بخورد، خیل هواداران، گناه باخت را گردن داور می‌اندازند و برنده را همراه تیم داری، قبل از خروج از ورزشگاه، قیمه‌قیمه می‌کنند.

کمیت حضور «دکتر یزدی» در روزهای نخست انقلاب آنقدر زیاد بود که او را همراه دو ضلع دیگر «مثلث بیق»- یعنی بنی‌صدر و یزدی و قطب‌زاده- چهره‌های اصلی دستگاه نوپای خمینی می‌دانستند. پس از تشکیل دولت موقت او همه‌کاره‌ی دولت هیچ‌کاره و دست راست نخست‌وزیر دست‌بسته بود. مرد بی‌قدرتی بود که زیاد دیده می‌شد و خودش هم از این دیده‌شدن لذت می‌برد. دست روزگار او را به مرکز اخبار آن روزهای دنیا زربتاب کرده بود و به او فرصت خوندمایی جلوی دوربین‌های معتبرترین همه‌کاره‌ی دولت هیچ‌کاره و دست راست نخست‌وزیر دست‌بسته بود. مرد بی‌قدرتی بود که زیاد دیده می‌شد و خودش هم از این دیده‌شدن لذت می‌برد. دست روزگار او را به مرکز اخبار آن روزهای دنیا زربتاب کرده بود و به او فرصت خوندمایی جلوی دوربین‌های معتبرترین همه‌کاره‌ی دولت هیچ‌کاره و دست راست نخست‌وزیر دست‌بسته بود. مرد بی‌قدرتی بود که زیاد دیده می‌شد و خودش هم از این دیده‌شدن لذت می‌برد. دست روزگار او را به مرکز اخبار آن روزهای دنیا زربتاب کرده بود و به او فرصت خوندمایی جلوی دوربین‌های معتبرترین همه‌کاره‌ی دولت هیچ‌کاره و دست راست نخست‌وزیر دست‌بسته بود. مرد بی‌قدرتی بود که زیاد دیده می‌شد و خودش هم از این دیده‌شدن لذت می‌برد. دست روزگار او را به مرکز اخبار آن روزهای دنیا زربتاب کرده بود و به او فرصت خوندمایی

ابراهیم یزدی بنا به ادعای خودش هفت دهه مشغول به فعالیت سیاسی بود و در این دوران طولانی، پستی و بلندی‌های زیادی دید. طبیعی است که مثل هر آدمیزادی، از جوانی تا پیری دچار تغییر و تحول شود و این تحولات در رفتار و گفتار او هم قابل تشخیص باشد.

متولد قزوین و بزرگ‌شده‌ی تهران بود. در ایران و آمریکا داروسازی خواند و در مصر و لبنان دوره‌ی جنگ چریکی دید. بنیانگذار و گرداننده‌ی انجمن‌های اسلامی ایالات متحده بود. سال‌ها با تابعیت دوگانه‌ی ایرانی- آمریکایی مشغول سخن‌گویی خمینی نزد رسانه‌های انگلیسی زبان، مشغول برنامه‌ریزی برای قبضه کردن قدرت در تهران و ایفای نقش در دولت انقلابی آینده بود. اوضاع و احوال آن روزها هم نشان از آن داشت که حکومت آینده را آخوندمسلك‌های فکلی اداره خواهند کرد نه ارباب عمامه‌ای که مسأله‌شان در حومه‌ی پاریس، پیدا کردن آفتابه برای طهارت بود. یزدی خود در ایجادش نقش داشت. پس از

**یوسف مصدقی** – در این دو سه سال اخیر اگر به تصاویر دوره‌می به جا مانده از مشاهیر انقلاب ۱۳۵۷ نگاهی انداخته باشید، حتما متوجه شده‌اید که به حکم زمان، عدد اموات حاضر در عکس بدجوری بر شمارِ زندگان می‌چربد.

این روند ناگزیر رسیدن به آخر خط را اَلباقی پیش‌قرولانِ جُندِ اسلام هم برخلاف میل قلبی‌شان، درک کرده‌اند. بسیاری از آنها مشغول تنظیم خاطرات و تولید تاریخ شفاهی هستند تا قبل از زیارت ملک‌الموت و همکلامی با نکیر و منکر، تصویر آبرومند و تا حد امکان «شیک و مجلسی» از گذشته‌ی پربرت‌شان به دست بدهند. محصول نهایی این تلاش‌ها در نهایت چیزی می‌شود شبیه عمارتی که روی گور بنیانگذار جمهوری اسلامی ساخته شده است: پرخرج، مبتذل و بی‌هویت و بدون اصالت؛ درست همان‌طور که قریب به چهل سال پیش، از دهکده‌ی نوفل‌لوشاتو به دنیا مخابره شد.

در ایام منتهی به انقلاب، زمانی که روح‌الله خمینی گذارش به حومه‌ی پاریس افتاد و نمایش انقلاب به پرده‌ی آخرش نزدیک شد، انواع موجودات به‌اصطلاح «سیاسی» از اقصای عالم رو به قبیله‌ی نوفل‌لوشاتو به نماز ایستاندند. دهکده‌ی آرام کم‌کم مملو شد از همه جور «مبارز سیاسی» که بیشترشان طی چند سال با امکاناتی که نظام سلطنتی به آنها داده بود، خود را به فرنگ رسانده بودند. پیش از آن زمستان «دیو بیرون‌کن رشته درار»، بیشتر این جماعت مثلاً سیاسی ساکن فرنگ به جای تحصیل و انجام کارهای آبرومند، یا تمام روز را در کافه‌ها و بارها در میان دود غلیظ سیگار مشغول عرق‌خوری و وراجی و به قول معروف آن دوره «بجت سیاسی» بودند و یاد مساجد و مراکز اسلامی که از پول وجوهات مسلمین محتکر و رباخوار بازار تهران و اصفهان درست شده بودند، جلسه‌ی قرآن و درس احکام و شریعات برگزار می‌کردند. به این جماعت اضافه کنید یک مشت آخوند پاچه‌ورمالیده‌ی از دنیا بی‌خبر را که هر وقتی بوی کباب به مشام‌شان رسیده بود، بی هیچ دردسری از «حکومت طاغوت» پاسپورت گرفته بودند و بدون نیاز به ویزا با خطوط هوایی «هما» خودشان را به مملکت «فنارسه» رسانده بودند تا در جوار امام‌شان سهمی درخور از غنائم جهاد در شرف وقوع، دشت کنند.

ساکنان قریه‌ی کذایی که حتی در دوره جنگ جهانی هم از سوی اشغالگران آلمانی نادیده گرفته شده بودند، حالا ناگهان خود را در محاصره‌ی یک مشت عجایب‌المخلوقات می‌دیدند که هر چند ظاهر آبرومند نداشتند اما مثل ریگ پول خرج می‌کردند. لمس اسکناس درشت نو گاهی از تزریق مرفین آرامش‌بخش‌تر است. اولین دسته از «کفار» که از منافع انقلاب ایران منتفع شدند، همین سکنه‌ی خاج‌پرست نوفل‌لوشاتو بودند که کرایه‌ی اتاق و اجاق‌شان را دولا پهنأ با این گروه تازه‌رسیده، حساب کردند. ابراهیم یزدی در آن ایام بانی و اداره‌کننده‌ی تشکیلات انجمن‌های اسلامی آمریکای شمالی بود. او زودتر از باقی جُندِ اسلام خودش را در عراق به خمینی رسانده بود و بنا به روایت خودش– که مورد مناقشه است– «امام» را قانع کرده بود که به جای کشوری اسلامی به سرزمین کفر هجرت کند تا برای انتقال پیام انقلاب، در دسترس رسانه‌های جمعی باشد. یزدی در آن روزگار سر صف تقسیم غنائم ایستاده بود و علاوه بر ایفای نقش دیپلماسی و سخن‌گویی خمینی نزد رسانه‌های انگلیسی زبان، مشغول برنامه‌ریزی برای قبضه کردن قدرت در تهران و ایفای نقش در دولت انقلابی آینده بود.

اوضاع و احوال آن روزها هم نشان از آن داشت که حکومت آینده را آخوندمسلك‌های فکلی اداره خواهند کرد نه ارباب عمامه‌ای که مسأله‌شان در حومه‌ی پاریس، پیدا کردن آفتابه برای طهارت بود. یزدی



**هلموت اشمیت و ویلی برانت، هر دو از رهبران سوسیال دمکراسی معاصر آلمان**

(رئیس کانون کارفرمایان آلمان) را گروگان گرفتند تا دولت را مجبور کنند برای رهایی او ۱۱ تن از رفقای زندانی آنان را آزاد کند. قابل توجه است که دو سال پیش از آن، شخصیت سیاسی دیگری به گروگان گرفته شده بود و دولت برای نجات او پنج نفر از تروریست‌ها را آزاد کرد. سیاست مماشات باعث شد که دولت از نظر تروریست‌ها و طیف هواداران ضربه‌پذیر بنماید و آنها حملات خود را گسترش دهند.

این بار اما دولت آلمان حاضر به معامله نبود. تا آنکه پس از پنج هفته چهار تروریست فلسطینی یک هواپیمای آلمانی با ۸۶ مسافر را گروگان گرفته، به پایتخت سومالی بردند. آنان علاوه بر پشتیبانی از خواسته‌های تروریست های آلمانی خواستار ۱۵ میلیون دلار شدند. اما آلمان به زمامداری هلموت اشمیت، این بار نیز نه تنها به درخواست تروریست‌ها اعتنایی نکرد، بلکه گروه زنده‌ای را به پایتخت سومالی فرستاد، که با موفقیت سرنشینان هواپیما را نجات دادند. اما شاهدن پایداری هلموت اشمیت به کشته شدن چند نفر (از جمله مارتین شلایر) منجر شد اما برخورد قاطعانه‌ی او باعث شد که گروگانگیری به عنوان شیوه‌ی «مبارزه» با شکست روبرو شود و در پی آن، جنبش تروریستی «فراکسیون ارتش سرخ RAF» نیز رو به زوال نهاد.

اما شاهکار هلموت اشمیت چند سال دیرتر به وقوع پیوست: در دوران زمامداری او افشا شد که شوروی در کشورهای غربی عضو پیمان ورشو موشک‌هایی با برد متوسط SS۲۰ مستقر ساخته که می‌توانند کشورهای اروپای غربی را بمباران کنند. حساب شوروی این بود که اگر در برابر کشوری در اروپای غربی به تشنج نظامی دامن بزند، ایالات متحده برای پشتیبانی از این کشور به سلاح اتمی متوسل نخواهد شد.

هلموت اشمیت نخستین سیاستمدار غربی بود که متوجه این خطر شد و به پیشنهاد او پیمان ناتو نیز تصمim گرفت در اروپای غربی موشک‌های برد متوسط Pershing II را مستقر سازد. از طرف دیگر، با هدف جلوگیری از دور جدیدی از مسابقه‌ی تسلیحاتی موج بزرگی از «جنبش صلح» در اروپا و به ویژه در آلمان غربی پدید آمد که به زودی به بزرگترین جنبش مردمی صلح بدل شد. تا آنجا که ۷۰درصد مردم آلمان مخالف تصمim ناتو بودند و در ۱۲۲اکتبر ۱۹۸۳، جمعیتی بالغ بر ۱٫۳ میلیون نفر در تظاهراتی سراسری مخالفت خود با مسابقه‌ی تسلیحاتی را ابراز داشتند.

اما دولت آلمان به رهبری هلموت اشمیت به خواسته‌ی اکثریت مردم بی‌اعتنا ماند و در واقع تنها شخص او بود که پایداری می‌کرد و پس از آنکه حزب سوسیال دمکرات پشتیبانی خود را از او سلب کرد (در کنگره‌ی کلن ۱۹۸۳م، از ۴۱۴نماینده ۴۰۰نفر از جمله ویلی برانت به سیاست او رأی منفی دادند) عدم پشتیبانی حزبی سرانجام باعث سقوط دولت هلموت اشمیت شد، اما ادامه‌ی خط مشی او (از سوی دولت دست راستی بعدی) به زودی با موفقیت روبرو شد و بلوک شرق مجبور گشت به قراردادهایی برای محدودیت سلاح‌های اتمی تن دهد و از آن پس در سراسیب سقوط قرار گیرد.

**ادامه در صفحه ۱۵**

## آیا سیاست می‌تواند اخلاقی باشد؟

**فاضل غیبی** – یکی از تصورات نادرست ما ایرانیان از «غرب» این است که در آن‌سو نیز سیاست و اخلاق مخالف و مغایر هم هستند، با این تفاوت که سیاستمداران غربی از «رنگی و دورویی» بیشتری برخوردارند و به سبب ظاهری خوش‌آیند مورد پشتیبانی مردم قرار می‌گیرند. به هر حال مسلم است که «سیاست» جز تزویر و زد و بست و ناراستی نیست و سیاست‌ورزی امری است اضافه به زندگی عادی و اگر آدمی بخواهد زندگی پاک و سالم داشته باشد باید از آن بپرهیزد! سرنوشت فجیع نسل جوانی که در بحبویه‌ی انقلاب اسلامی به فعالیت سیاسی روی آورد تأییدی بر ناراستی سیاست است.

اما هرچند در وهله‌ی نخست شگفت‌انگیز می‌نماید اما واقعیت این است که در کشورهای پیشرفته نه تنها سیاستمداران نمونه‌های اخلاق نیک هستند، بلکه به طور کلی دنیای سیاست در جوامع دمکراتیک از استرالیا تا دانمارک و از اسپانیا تا آمریکا دنیایی است آمیخته با اخلاق! البته در غرب نیز سیاست‌ورزی همیشه با اخلاقیات توأم نبوده، اما در سده‌های گذشته و به ویژه در قرن بیستم اندیشمندان بزرگی درباره‌ی سیاست و رابطه‌اش با اخلاق اندیشیدند و سیاستمداران در کشورهای دمکراتیک نیز آگاهانه آرای آنان را سرمشق گرفته‌اند.

در این جستار هدف این است که به نگاهی به نظرات یک فیلسوف و عملگر یک سیاست‌مدار بسنجیم که آیا فلسفه می‌تواند تأثیری مثبت بر منش اخلاقی مردمان و به ویژه مسئولان و سیاستمداران داشته باشد؟

سخن از جامعه‌شناس آلمانی ماکس وبر\* Max Weber و صدراعظم آلمان غربی هلموت اشمیت\*\* Helmut Schimdt است که زمامداری او از ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۲م، به طول انجامید.

جالب است که راهنمای زندگی هلموت اشمیت «نه انجیل بود و نه قانون اساسی» بلکه خود را آشکارا پیرو چهار فیلسوف (مارک آوَرل، کانت، وبر و پوپر) می‌دانست و رفتارش را با توجه به آموزه‌های آنان در معرض داوری همگانی قرار می‌داد. هلموت اشمیت در جوانی نه چندان خردمند بود و نه اخلاقی رفتار می‌کرد؛ به گفته‌ی خودش، برای آنکه در دوران هیتلر با مشکلی روبرو نشود در ورقه‌ی هویت‌اش تقلب کرد، زیرا حاکی از آن بود که پدر بزرگش یهودی بوده است! در اوایل دوران هیتلر در ۱۶ سالگی به سربازی رفت و پس از ده سال خدمت و بعد از سقوط رژیم نازی با درجه‌ی افسری به اسارت متفقین درآمد.

اما در اردوگاه اسیران جنگی به راهنمایی دوستی دگرگون گشت و جذب سوسیال دمکراسی شد. پس از تحصیل اقتصاد به فعالیت سیاسی روی آورد و بعدها درباره‌ی انگیزه‌اش برای دخالت در سیاست چنین گفت: «نسل من پس از تجربه‌ی فلاکت‌بار جنگ مصمم بود از تکرار چنین رویدادهای وحشتناکی در آلمان جلوگیری کند. این تنها انگیزه‌ی ما بود…»

هلموت اشمیت به سال ۱۹۶۲م، در هامبورگ سناتور امور داخلی بود که در شب ۱۶فوریه سبلی بی‌سابقه جاری شد که شهر را تهدید می‌کرد. او از آنجا که نیروهای امدادگر را برای مقابله با سیل کافی نیافت، از ارتش تقاضای کمک کرد، در حالی که بنا به قانون اساسی ارتش تنها وظیفه‌ی دفاع ملی را برعهده داشت. اما با کمک نیروهای نظامی جان هزاران نفر نجات پیدا کرد و تدبیر شجاعانه‌ی وی باعث شهرت‌اش گردید.

این رفتار هلموت اشمیت، چنانکه در موارد آتی نیز بروز کرد، نه رفتاری خود به خود، بلکه از باور فلسفی او ناشی می‌شد و ریشه در فلسفه‌ی اخلاق ماکس وبر داشت. ماکس وبر در نطق معروفی که به سال ۱۹۱۹م، در مونیخ ایراد کرد، برای رفتار اخلاقی دو گونه انگیزه قائل شد:

۱)اخلاق باورمندانه: هر انسانی به



## زنان شاخص

## آذین موحد

(۱۳۳۹)

آذین موحد موسیقی‌دان ایرانی، نوازنده فلوت، پژوهشگر و استاد دانشگاه است.

آذین موحد در سال ۱۳۳۹ زاده شد. پدرش مهندس نظام‌الدین موحد از اعضای هیئت رهبری جبهه ملی ایران، حزب ایران و از یاران دکتر محمد مصدق در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران بود.

آذین موحد دکترای خود را در رشته موسیقی و با تخصص نوازندگی و هنرهای اجرایی از دانشگاه ایلینوی آمریکا گرفته و پس از آن تحقیقات فوق دکترای خود را در علوم نوازندگی در دانشگاه هاروارد انجام داده‌است. سپس مدتی در دانشگاه ایلی نوی و دانشگاه ایالتی کالیفرنیا تدریس کرده و به ایران بازگشته است.

موحد از سال ۱۳۷۲ عضو هیئت علمی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. همچنین استاد مدعو دانشگاه پرتلند و دانشگاه آیونین یونان بوده و در بسیاری از

## ۱۱ عامل ایجاد کننده پوکی استخوان

استخوان بافت زنده‌ای است که از دو لایه داخلی و خارجی تشکیل شده است. لایه داخلی ضخیم بوده و از شبکه‌های محکمی تشکیل شده که توده استخوانی را ایجاد می‌کند. در بدن انسان استخوان‌ها به طور مرتب ساخته شده و از بین می‌روند. البته سرعت این روند در تمام عمر فرد یکسان نیست، به طوری که توده استخوانی در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی به حداکثر میزان خود می‌رسد و سپس به تدریج کاهش می‌یابد. حداکثر توده استخوانی در افراد مختلف متفاوت است و به عوامل ارثی، تغذیه، فعالیت بدنی و شیوه زندگی در طول دوره رشد بستگی دارد.در این وضعیت، استخوان ضعیف شده و با کوچک‌ترین ضربه دچار شکستگی می‌شود. این پدیده در سنین سالمندی شایع بوده اما با اقدامات ساده‌ای می‌توان آن را به تاخیر انداخت و شدت آن را کاهش داد.

**پوکی استخوان اغلب تا زمان شکستگی استخوانی‌علامتی ندارد**
اهمیت پوکی استخوان در آن است که اغلب تا زمان شکستگی استخوانی علامتی ندارد. ستون فقرات، استخوان ران، لگن، مچ دست و انتهای ساعد به ترتیب شایع‌ترین محل‌هایی هستند که در اثر پوکی استخوان دچار شکستگی می‌شوند. بسیاری از شکستگی‌های ستون فقرات تنها با درد شدید پشت همراه هستند و علامت دیگری ندارند. انحراف ستون مهره‌ها در اثر جوش خوردن خودبخودی آنها می‌تواند از علایم این بیماری باشد.

**چه عواملی ایجاد کننده پوکی استخوان هستند؟**
- **سن:** با بالا رفتن سن، تراکم استخوان در هر دو جنس به تدریج کاهش می‌یابد؛ به طوری که از حدود ۴۰ سالگی نیم تا یک درصد در سال کاهش می‌یابد.
- **جنس:** پوکی استخوان در زنان به دلیل کم بودن توده استخوان و پدیده یائسگی شایع‌تر است؛ به طوری که زنان در هر سنی ۴ تا ۵ برابر مردان دچار شکستگی استخوان می‌شوند.
- **یائسگی و کاهش هورمون‌های جنسی:** هورمون‌های جنسی نقش مهمی در استحکام استخوان‌ها دارند. بنابراین هر عاملی از جمله یائسگی که باعث کم شدن این هورمون‌ها شود پوکی استخوان را تسریع می‌کند.
- **سابقه فامیلی:** در صورت سابقه شکستگی در بستگان نزدیک (پدر، مادر، خواهر و برادر) احتمال ابتلا به شکستگی تا دو برابر افزایش می‌یابد.
- **نژاد و عوامل ارثی:** نژاد آسیایی و افرادی که پوست و موی روشن دارند، بیشتر در معرض پوکی استخوان هستند.



سبب افزایش رشد استخوانی ویژه در کودکی و دوران بلوغ می‌شود. ورزش مناسب و متناسب با سن به طور مستمر موجب افزایش تراکم استخوانی می‌شود. رژیم غذایی: کلسیم باعث قوی شدن استخوان‌ها می‌شود. ویتامین «د» نیز مانند کلیدی است که باعث ورود کلسیم به استخوان‌ها و استحکام آنها می‌شود. مصرف این دو ماده در رژیم غذایی به پیشگیری از پوکی استخوان کمک می‌کند.
- **مصرف دخانیات و الکل:** مصرف دخانیات شامل سیگار، قلیان، پیپ و چپق موجب اختلال در جذب کلسیم و ساخت استخوان، یائسگی زودرس، کاهش وزن و تخریب هورمون‌های جنسی می‌شود که به تسریع پوکی استخوان می‌انجامد. مصرف الکل نیز با کم کردن فعالیت سلول‌های سازنده استخوان موجب پوکی استخوان می‌شود.

**پوکی استخوان چگونه منجر به شکستگی می‌شود؟**
حدود ۵ درصد زمین خوردگی‌ها منجر به شکستگی می‌شوند



### توصیه‌های

### پزشکی برای رفع التهاب لثه‌ها

رعایت بهداشت دهان و دندان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. لثه یکی از مهم ترین قسمت های دهان است که در حفظ سلامت دندان ها و گوارش از اهمیت بالایی برخوردار است. عوامل مختلفی در آسیب به لثه دخیل هستند که حتی با رعایت بهداشت و استفاده از مواد شوینده مختلف نیز قابل درمان نیستند. یکی از آسان ترین و موثر ترین این روش ها ، شستشوی مداوم دهان با آب و نمک است. برای از بین بردن آفت می توانید نمک را در اب ولرم حل کرده و سه بار ور روز دهان خود را با آن بشوید.اگر اهل نوشیدن **چای سبز** هستید چند قطره از آن را صرف درست کردن دهان شویه ای برای درمان زخم های لثه خود بکنید. با حل کردن ۲ یا ۳ قطره چای سبز در آب دهان شویه ای قوی تهیه می کنید.**آلوئه ورا** : این گیاه تاثیر چشم گیری در درمان زخم های لثه دارد اگر آب آلوئه ورا را ( نیازی به رقیق شدن در آب ندارد ) روزی سه بار در دهان خود بچرخانید و سپس با آب شستشو دهید تمام زخم ها و عفونت های دهان شما خوب خواهد شد و علاوه بر آن دندان های سفیدی خواهید داشت.بیشتر افراد **زرد چوبه** را به عنوان یک ادویه برای طعم دادن به غذا می شناسند اما غافل از اینکه این گیاه تنها یک ادویه ساده در آشپزخانه نیست و خاصیت ضد قارچی قوی ای دارد!اگر کمی زرد چوبه در آب جوشیده خنک شده حل کنید ، محلولی تهیه می شود که خاصیت شدید ضد عفونی کردن دهان و لثه ها را دارد! با این محلول حتی آفت های بزرگ

به گزارش یسنا، و خونریزی های لثه نیز درمان می شود.

مسئله استخوان‌هایی که استحکام کافی برای حفظ تعادل بدن را نداشته باشند، به راحتی متعاقب نیروهای جزیی مانند زمین خوردن و یا سقوط از پله دچار شکستگی می‌شوند. به همین دلیل شایع‌ترین علت شکستگی‌های ناشی از پوکی استخوان سقوط و زمین خوردن است. عواملی مانند موانع محیطی، نور کم، اختلال بینایی، فراموشی و استفاده از داروهای خواب آور در افزایش احتمال سقوط و شکستگی نقش دارند.

**پوکی استخوان علامتی ندارد**

**اما با مشاهده علائم زیر به پزشک**

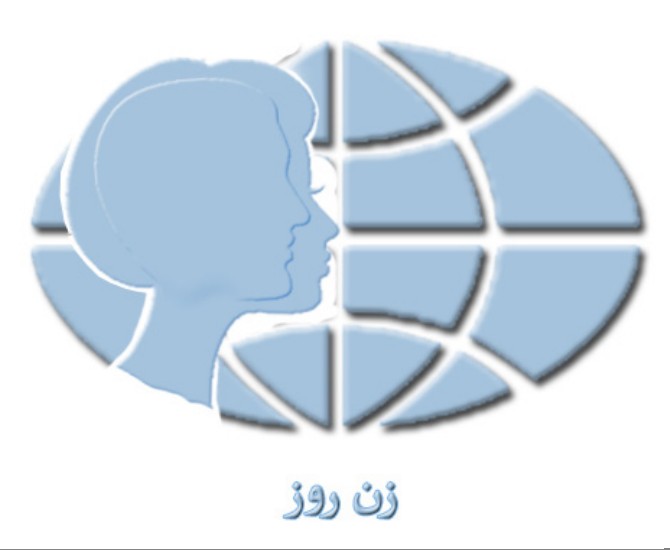
می‌شود و در باقی موارد از سایر قسمت‌های بدن رشد می‌کند.

منابع دیگر توضیح می‌دهند که حدود ۴۰ درصد موارد این بیماری از سر و گردن و حتی از چشم نمود پیدا می‌کند. ۳۰ درصد این بیماری در اندام‌های تولیدمثل یا ادراری اتفاق می‌افتد. حدود ۳۵۰ کودک مبتلا به این نوع سرطان در سال جاری شناسایی شده‌اند که بیش از نیمی از آنها کودکان زیر ۱۰ سال بودند.

#### تومور ویلمز

کلینیک Mayo می‌گوید این یک سرطان نادر کلیه است که بیشتر بر کودکان تاثیر می‌گذارد. نفروبلاستوما نام پزشکی این بیماری است که اغلب در بین کودکان ۳ تا ۴ سال یافت می‌شود و شیوع آن بعد از ۵ سالگی بسیار کمتر می‌شود. این تومور اغلب تنها در یک کلیه اتفاق می‌افتد. هر چند گاهی اوقات در هر دو کلیه

# کیمسان



## زن روز



هما میر افشار

ز شراب بوسه های تو هنوز مست مستم تو بین چقدر مستم که سبوی می شکستم
چو لبان بوسه خواهت اثر شراب دارد
دل اگر همی ببندم بخدا که پست پستم
پس از این کسی نبیند به کقم پیاله می دگرم
همی چه حاجت چو گرفته تو مستم
بخدا که جان مایی مرو از تنم توای جان
که ز بود توست بودم که ز هست توست مستم
بنگر ز فرط مستی ره خانه را ندانم
تو بیا بگیر دستم که دگر ز پا نشستم
به کف صبا می فشان سر زلف شام رنگت
که به تار تار مویت همه عمر خویش بستم
مکنم تو منع زاهد پس از این زمی پرستی
نگهش می و لبش می چه کنم که میپرستم

## ۷ سرطان شایع در کودکان چیست؟

است. اما منابع علمی می‌گویند که نوع غیرهوچکین در نوزادان بیشتر دیده می‌شود ولی نوع هوچکین در کودکان و نوجوانان بیش‌تر شیوع دارد. انجمن سرطان آمریکا می‌گوید که لنفوم غیرهیدگرینی در کودکان می‌تواند با گره‌های لنفاوی بزرگ، تورم شکم، تب، کاهش وزن، خستگی و انواع دیگر خود را نشان دهد.

#### رتینوبلاستوما(تومور شبکیه)

این سرطان، همانطور که از نامش بر می‌آید، در بافت عصبی شبکیه در پشت چشم شروع می‌شود و ممکن است موجب نابینایی شود. Cancer. net توضیح می‌دهد که معمولا این تومور در یک چشم بوجود می‌آید ولی در مواردی ناگووار می‌تواند بر روی هر دو چشم تاثیر بگذارد. این بیماری معمولا در هنگام تولد تشخیص داده نمی‌شود و رتینوبلاستوما می‌تواند به گره‌های

همزمان نیز یافت می‌شود.

در طول سال‌ها، پیشرفت در تشخیص و درمان این تومور در کودکان مبتلا به این بیماری بسیار بهبود یافته است. با درمان مناسب، آینده کودکان مبتلا به تومور ویلمس بسیار خوب است.

#### نوروبلاستوما

انجمن سرطان کانادا می‌گوید این سرطان نادر اغلب در بین نوزادان است. سلول‌های عصبی نوروبلاست توده‌ای سلولی نامتعارف و کنترل نشده‌ای را بوجود می‌آورند که در نهایت سرطان پدید می‌آید. در حالت عادی این سلول‌های نابالغ رشد پیدا می‌کنند و تبدیل به سلول‌های عصبی طبیعی می‌شوند. ولی در نوروبلاستوما سلول‌ها تبدیل به سلول های سرطانی می‌شوند.

#### لنفوم

این نوع سرطان دو فرم هوچکین و غیر هوچکین خود را نشان می‌دهد. این سرطان در بزرگسالان نیز شایع

اقدام کرد. در اینجا به شایع‌ترین سرطان در کودکان اشاره می‌کنیم.

#### لوسمی

انواع مختلفی از لوسمی‌ها وجود دارد که بر روی خون و مغز استخوان تاثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که درمان آن دشوار باشد. انجمن سرطان آمریکا توضیح می‌دهد که لوسمی حدود ۳۰ درصد از سرطان‌های دوران کودکی را تشکیل می‌دهد. اگر چه لوسمی به خودی خود نسبتا سرطان رایجی است، ولی خود به دوگونه لوسمی حاد و مزمن تقسیم می‌شود. اما علائم مشترک آنها، درد، ضعف، کم‌رنگ شدن پوست و خونریزی است. نوع حاد این سرطان به سرعت رشد می‌کند.

#### رابدومیوسارکوم

وب‌سایت سرطان دات‌نت یادآوری می‌کند که این نوع سرطان بیماری سلول‌های نرم در کودکان مانند بافت عضلانی است. حدود ۱۵ درصد موارد این سرطان از دست و پا شروع





## مردان شاخص



### عبدالوهاب شهیدی (۱۳۰۱ - میمه)

عبدالوهاب شهیدی، خواننده در سبک سنتی ایرانی، آهنگ ساز، استاد آواز و نوازنده عود است. وی از اوایل دهه ۱۳۲۰ فعالیت هنری خود را با فراگیری آواز، سنتور و عود نزد اسماعیل مهرتاش آغاز کرد. او در سال ۱۳۳۹ در برنامه گل‌ها شروع به فعالیت و همکاری با رادیو کرد و تا سال ۱۳۵۷ در بسیاری از این برنامه‌ها شرکت کرد. وی همچنین چندین بار در برنامه‌های جشن هنر شیراز شرکت کرد و در این برنامه‌ها با هنرمندان سرشناسی چون جلیل شهناز، فرامرز پایور، اصغر بهاری، حسین تهرانی و ... همکاری کرد. شهیدی با اجرای بیش از ۲۳۰ برنامه، از فعال‌ترین هنرمندان برنامه گل‌ها بوده و رتبه سوم بیش‌ترین برنامه موسیقی در گل‌ها را دارد. وی علاوه بر آواز، سبک عود نوازی او منحصر به فرد است. اجرای آوازهای محلی، در میان آثار وی نقش برجسته‌ای دارند. از آوازهای محلی او می‌توان به تصنیف گر سیل خون گریی اشاره کرد.



### روش نوین برای درمان پوسیدگی دندان

به تازگی دندانپزشکان از روش نوینی برای درمان پوسیدگی دندان کمک گرفته اند. این روش نیاز به جراحی لثه ندارد و تنها با استفاده از لیزر می تواند پوسیدگی دندان را درمان کند. برخی افراد از عوارض استفاده از این روش می ترسند در صورتی که تاکنون هیچگونه درد و ناراحتی و عوارض جانبی برای این روش جدید گزارش نشده است. علم دندانپزشکی هر روز پیشرفت های جدیدی را به خود می بیند، از کاربردهای واقعیت مجازی گرفته تا مسواک های خودکار، اما تجربه ناخوشایند عملیات ترمیم ریشه، دندان و لثه همچنان به قوت خود باقیست. حالا محققین روشی به نام LANAP (عمل اتصال به کمک لیزر) را ابداع کرده اند که از لیزر مخصوص برای حذف بافت های پوسیده و آسیب دیده بین دندان و لثه بهره می گیرد، جرم های عامل عفونت را از بین می برد، و بافت سالم را بدون تغییر باقی می گذارد. این روش از آن جهت حائز اهمیت است که بیماری های لثه با بیماری های سیستمی مانند بیماری قلبی، آلزایمر، سکنه، سرطان، دیابت و موارد دیگر ارتباط دارد. علی رغم اینکه حدود ۸۰ درصد از بزرگسالان در آمریکا به نوعی از بیماری لثه رنج می برند، اما اصرار به حفظ دندان های پوسیده، آنها را از درمان لثه باز می دارد. اگرچه استفاده از لیزر برای حذف پوسیدگی ها در دهان کمی ترسناک به نظر می رسد، اما افرادی که تحت عمل LANAP قرار گرفته اند، بازخورد مثبتی داشته و حداقل درد و ناراحتی را گزارش کرده اند. این روش نیاز به جراحی لثه را از بین می برد، عملی بسیار تهاجمی و دردناک که شکل دهی مجدد لثه را به همراه دارد.

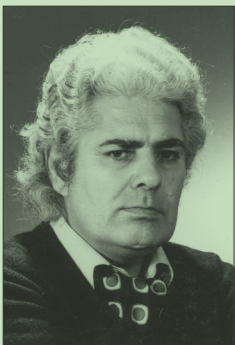
نار سایی احتقانی قلب یکی از بیماری های قلبی شایع است و زمانی اتفاق می افتد که قلب نتواند مقدار کافی خون را به اندام ها و بافت های بدن پمپاژ کند. به طور همزمان مخازن مایع در مناطقی مانند ریه ها، ایجاد می شوند. نارسایی احتقانی قلب که CHF نیز نامیده می شود، می تواند ناگهان یا به تدریج رشد کند. در صورتی که این بیماری درمان نشود می تواند کشنده باشد. چند نشانه هشدار دهنده برای نارسایی احتقانی قلب وجود دارد.

### علائم هشدار دهنده نارسایی احتقانی قلب

ماهی تن از دیگر ماهی تن است که میزان مورد توجهی ویتامین D در خود دارد. همچنین مواد مغذی دیگر مانند پتاسیم، منیزیم، اسیدهای چرب امگا ۳ نیز در ماهی تن به وفور وجود دارد. تهیه این ماهی به دلیل قیمت مناسب و در دسترس بودن آن بسیار راحت است. **تخم مرغ** کسانی که علاقه بسیاری به مصرف تخم مرغ در وعده صبحانه دارند میزان بالایی ویتامین D جذب می کنند. این موضوع در استحکام استخوان



### مرد روز



احمد شاملو

سکوت سرشار از ناگفته هاست دلتنگی های آدمی را، باد ترانه ای می خواند رویاهایش را آسمان پرستاره نادیده می گیرد و هر دانه ی برفی به اشکی ناریخته می ماند سکوت سرشار از سخنان ناگفته است از حرکات ناکرده اعتراف به عشق های نهان و شگفتی های بر زبان نیامده در این سکوت حقیقت ما نهفته است و من مارگوت بیگل-ترجمه احمد شاملو

### غذاهای مفید برای تقویت استخوان ها

باشد. یک وعده ماهی قزل آلا تمامی ویتامین D مورد نیاز بدنشان را تامین می کند. این ماهی می تواند به جذب بیشتر کلسیم در بدن نیز کمک کند.

#### بادام

بین تمامی عناصر آجیل، بادام بیشترین میزان کلسیم را دارد. بادام در هر نوعی میزان بالایی کلسیم دارد. می توانید بادام را به صورت آجیل یا اینکه به صورت کره بادام که کلسترول کمتری نسبت به کره بادام زمینی دارد استفاده کنید.

#### پنیر

مواد اولیه تهیه پنیر، شیر است. شیر نیز میزان زیادی کلسیم دارد. انواع پنیر می تواند منابع بزرگی از کلسیم باشند. پنیر موتزارلا نسبت به دیگر پنیرها کلسیم بیشتری دارد. می توانید پنیر را همراه با اسفناج و یا شکلات مصرف کنید.

#### ماست

ماست یک محصول آشپزی باستانی

استخوان ها در بدن به عنوان ستون های محکمی هستند که نقش بسیار مهمی را در بدن ایفا می کنند. این قسمت مهم در بدن نیازمند کلسیم و ویتامین D است تا محکم و استوار باقی بماند و دچار شکستگی نشود. در این مطلب شما را با مواد غذایی حاوی کلسیم و ویتامین D آشنا خواهیم کرد. مواد غذایی حاوی کلسیم و ویتامین D کم نیستند. اما این بار در نت نوشت شما را با موادی آشنا می کنیم که نسبت به دیگر مواد غذایی برای استحکام استخوان ها موثرتر هستند.

### مواد غذایی حاوی کلسیم شیر

در صدر فهرست مواد غذایی حاوی کلسیم ، شیر است. هر یک فنجان شیر حدود ۳۰ درصد از کلسیم مورد نیاز بدن شما را تامین می



است که از دو هزار سال پیش از میلاد مسیح مورد استفاده قرار می گرفته است. با توجه به فرآیند آماده سازی ماست این ماده غذایی حاوی کلسیم بیشتری نسبت به شیر است. یک وعده ماست کم چرب ۴۲ درصد کلسیم مورد نیاز بدن شما را تامین

#### ماهی قزل آلا

ویتامین D به ندرت در طبیعت یافت می شود و کمتر ماده غذایی دیده می شود که این ویتامین را دارا



## علائم هشدار دهنده نارسایی احتقانی قلب

برای بیمار شود. این موضوع، همراه با کاهش جریان خون به معده، می تواند منجر به از دست دادن اشتها شود. کسی که مدت زمان زیادی را در حالت دراز کش است ، ممکن است در ناحیه پایینی کمر و باسن دچار تورم شود.

#### خروجی کم ادرار

مبتلایان به نارسایی احتقانی قلب ممکن است خروجی ادراری کمی در طول ساعات بیداری داشته باشند. فرد ممکن است پس از دراز کشیدن راحت تر ادرار کند یا خروجی ادرار ممکن است بسیار کم باشد. ادرار ممکن است زرد پررنگ و با بوی قوی و تند باشد.

#### ضعف

به گفته انجمن قلب آمریکا، خستگی مداوم یک نشانه هشدار دهنده نارسایی قلبی است. بیمار ممکن است متوجه شود که نمی تواند به دلیل خستگی کارهای

حال بیرون زدن از سینه اش می باشد. ضربان قلب ممکن است قوی یا ضعیف باشد. اما عموماً ضربان قلب احساس شده در مچ دست ضعیف است. بیمار ممکن است سرگیجه داشته باشد و دچار رنگ پریدگی شود. دست ها و پاها ی او ممکن است سرد یا یخ زده شوند.

#### افزایش وزن

هم زمان با تجمع مایعات در بدن، فرد مبتلا به نارسایی احتقانی قلب ممکن است با وجود مصرف یک مقدار غذا یا غذای کمتری نسبت به حد معمول، دچار افزایش وزن شود. مطابق نظر متخصصان مختلف افزایش وزن ۳ پوند یا بیشتر در روز یا ۵ پوند یا بیشتر در یک هفته جزء علائم هشدار دهنده نارسایی احتقانی قلب است.

#### ورم

مچ پا و خود پاها ممکن است متورم شود، و پوشیدن کفش ها ناراحت



روزمره خود را انجام دهد. دست ها و پاها او ممکن است احساس سنگینی کند و ممکن است نیاز به دوره های استراحت مکرر داشته باشد. دوش گرفتن و تعویض لباس در این بیماران بسیار مشکل است و ممکن است زمان زیادی طول بکشد.



#### دشواری تنفس

همزمان با شروع نارسایی قلب، فرد بیمار ممکن است دچار مشکلات تنفسی شود. همان طور که بیماری بدتر می شود ممکن است حتی فرد در حالت استراحت هم نتواند به راحتی نفس بکشد. این امر اغلب در شب بیشتر قشده، و نیازمند این است که فرد به آرامی روی یک صندلی به حالت نشسته به خواب برود یا سرش را بر روی بالش های متعدد قرار دهد. ممکن است صدای خفیفی قابل شنیدن باشد و ممکن است فرد احساس کند که نمی تواند تنفس کامل و عمیقی داشته باشد. این امر باعث می شود که او به سرعت نفس بکشد. ممکن است او به دلیل دشواری تنفس احساس اضطراب کند و قادر به خوابیدن مناسب نباشد.

#### افزایش ضربان قلب

محققان توضیح می دهند که با وجود این بیماری ضربان قلب ممکن است تا بیش از ۱۰۰ ضربه در دقیقه افزایش یابد. این موضوع باعث می شود که بیمار حس کند قلبش در



## نادال قهرمان تنیس آزاد آمریکا



شانزده گرنداسلم دوران حرفه‌ای رافائل نادال

رافائل نادال تنیس‌باز اسپانیایی روز یکشنبه در فینال بازی‌های یو اس اوپن ۲۰۱۷ با شکست کوین اندرسون تنیس‌باز اهل آفریقای جنوبی برای سومین بار قهرمان این تورنمنت شد.

این شانزدهمین قهرمانی نادال در یک گراند اسلم بود. این بازی ۶ بر ۳، ۶ بر ۳ و ۶ بر ۴ به سود رافا پایان یافت.

نادال که در سه سال اخیر به دلیل مصدومیت‌های پی در پی غالباً در فرم ایده‌آل نبوده در ۳۱ سالگی عنوان قهرمانی دو گراند اسلم تنیس را در یک فصل از آن خود کرد. وی پیش از این پیروزی مسابقات آزاد فرانسه را نیز برده بود.

در مسابقه‌های تنیس دو نفره مختلط یو اس اوپن امسال جیمی موری از بریتانیا و مارتینا هینگز تنیس‌باز سوئیسی در مرحله فینال با شکست مایکل ونوس و هائو چینگ چا اول شدند.

## پیروزی تیم ملی والیبال ایران بر تیم آمریکا در یک ماراتون نفس‌گیر



دفاع روی تور از سعید معروف کاپیتان تیم والیبال ایران

سختی برای ما اتفاق افتاد. بازیکنان آمریکا در دو ست نخست در دریافت، حملات پس از دریافت و زدن سرویس بسیار عجیب و درخشان ظاهر شدند.

سرمربی تیم ایران گفت: «من در طول دو ست اول همواره به بازیکنان می‌گفتم که در صورت بازی با همین روند نمی‌توانیم کاری از پیش ببریم. آمریکا فوق‌العاده بازی کرد. در چنین شرایطی باید برای خودمان فرصت به وجود می‌آوردیم. خوشبختانه از فرصت‌هایی که حریف در طول ست‌ها در اختیارمان قرار داد، به خوبی استفاده کردیم».

کولکوچ افزود، آمریکا نمی‌توانست در کل بازی با یک روند بازی کند. باید از فرصت‌ها استفاده می‌کردیم و خوشحالم که توانستیم با

تیم ملی ایران در دومین دیدار خود در مسابقات والیبال جام قهرمانان بزرگ که در شهر ناگوایا در ژاپن در حال برگزاری است در یک رقابت نزدیک و نفس‌گیر با نتیجه ۳ بر ۲ مقابل تیم قدرتمند آمریکا به پیروزی رسید.

شاگردان کولکوویچ در دو ست اول بازی با نتایج ۲۵ بر ۲۰ و ۲۵ بر ۱۷ نتیجه را واگذار کردند، اما در ست‌های سوم و چهارم با ارائه بازی محکم و کم‌اشتباه ۲۷ بر ۲۱ و ۲۷ بر ۲۵ پیروز شدند تا ست پنجم سرنوشت بازی را تعیین کند. تیم ایران در ست آخر با نتیجه ۱۵ بر ۱۲ به پیروزی رسید تا در مجموع با نتیجه ۳ بر ۲ مقابل آمریکا به برتری برسد.

سعید معروف، کاپیتان تیم ملی والیبال ایران پس از این پیروزی ارزشمند گفت: «آمریکا با سرویس‌ها و تبدیل توپ‌ها به امتیاز از منطقه پشت خط عرصه را برای ایران تنگ کردند و به نظرم فوق‌العاده بودند. پس از دو ست باخته، بدون ترس بازی و با تمام توانمان بازی کردیم، بازیکنان ذخیره عملکرد خوبی داشتند و همه بازیکنان برای پیروزی به تیم کمک کردند. این پیروزی را به همه ایرانیان، بازیکنان و کادر فنی تبریک می‌گویم».

ایگور کولکوویچ در نشست خبری پایان بازی درباره بازگشت نوفانی ایران به بازی و پیروزی در ست پنجم گفت: «بازی بسیار دشواری را پشت سر گذاشتیم و در طول دیدار لحظات

## کیروش: بودجه اردوهای آمادگی جام جهانی را زیاد کنید تا حذف نشویم



کارلوس کیروش سرمربی پر تقالی تیم ملی فوتبال ایران

توجه به روابط شخصی خودم ترتیب دیدار دوستانه‌ای با تیم ملی فوتبال روسیه داده شده است اما نمی‌شود همه کارهای مربوط به آمادگی تیم را بر اساس ارتباطات و آشنایی‌های شخصی تنظیم کرد و برای آمادگی کافی و مقابله با تیم‌های مقتدر باید پول خرج نمود.

کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در تازه‌ترین اظهار نظر خود درباره موقعیت ایران در جام جهانی ۲۰۱۸ گفته است اگر مسئولان فدراسیون و وزارت ورزش بودجه اردوهای آمادگی تیم ملی را در فرصت باقی‌مانده تا بازی‌های جام جهانی روسیه افزایش ندهند ریسک حذف زودهنگام ایران در این رقابت‌ها وجود دارد.

وی گفت ما سه ماه پیش به جام جهانی صعود کردیم بنابراین هیچ دلیلی وجود ندارد که برنامه‌ای مشخص و بودجه‌ای ثابت برای کسب موقعیت خوب در جام جهانی نداشته باشیم و اگر قرار باشد با همان الگوی چهار سال پیش به روسیه برویم به هیچ جا نمی‌رسیم. او اضافه کرده مدت کوتاهی بعد از دریافت جواز ورود به جام جهانی برنامه‌های آمادگی تیم ملی را به فدراسیون فوتبال ارائه دادم و با

## نفر ۸۳ تنیس دختران جهان قهرمان تنیس آزاد آمریکا



اسلون استفتن تنیس‌باز ۲۴ ساله آمریکایی و نفر ۸۳ تنیس زنان جهان روز شنبه در فینال مسابقات تنیس آزاد آمریکا در نیویورک با غلبه بر مدیسون کیز تنیس‌باز هموطن خود با حساب ۶ بر ۳ و ۶ بر صفر قهرمان یو اس اوپن ۲۰۱۷ شد.

استفتن به علت مصدومیت، ۱۱ ماه از زمین تنیس دور بود. کیز در حال حاضر نفر پانزدهم رده‌بندی تنیس جهان است.

استفتن پنجمین زن تنیس‌باز است که تا کنون بدون حضور در رده‌های جدول تنیس‌بازان حرفه‌ای در گراند اسلم نیویورک قهرمان شده است.

## پاریس و لس آنجلس، میزبانان المپیک ۲۰۲۴ و ۲۰۲۸



بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ و ۲۰۲۸ در پاریس و لس آنجلس برگزار می‌شود

کمیته بین‌المللی المپیک، ان.آی.او. سی. روز چهارشنبه این هفته اعلام کرد شهر پاریس به عنوان میزبان المپیک ۲۰۲۴ و لس آنجلس مهماندار المپیک ۲۰۲۸ انتخاب شده‌اند.

هر دو این شهرها داوطلب برگزاری المپیک ۲۰۲۴ بودند اما سرانجام قرار شد لس آنجلس انجام بازی‌های المپیک ۲۰۲۸ را به عهده بگیرد. لس آنجلس پیش از این دو بار در سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۸۴ میزبان مسابقه‌های المپیک تابستانی بوده است. کمیته بین‌المللی المپیک تعهد کرده از نظر مالی به برگزاری المپیک ۲۰۲۸ کمک کند.

## کشتی‌گیران مکزیکی و کلمبیا حاضر به مسابقه با کشتی‌گیران ایران نشدند



کند و در نتیجه مسابقه ۱۰ بر صفر به سود رئیسی پایان یافت. در وزن ۵۸ کیلوگرم نیز نظیر همین اتفاق تکرار شد. مرتضی پورمرتضوی کشتی‌گیر این وزن از ایران برای دیدار با خوان کوئینز از کلمبیا مدتی در کنار تشک منتظر ماند اما معلوم شد کشتی‌گیر کلمبیایی حاضر نیست با کشتی‌گیر ایرانی مسابقه دهد و در نتیجه داور دست کشتی‌گیر ایرانی را بالا برد.

در جریان مسابقات کشتی آزاد نوجوانان جهان در آتن، کشتی‌گیران کشورهای مکزیکی و کلمبیا حاضر نشدند با حریفان ایرانی خود روی تشک بروند. در وزن ۴۲ کیلوگرم مهدی ریسی قرار بود با خوان کورتز از مکزیکی روبرو شود اما رقیب مکزیکی او اگرچه در سالن مسابقه حضور داشت اما حاضر نشد با کشتی‌گیر ایرانی مبارزه

## پرسپولیس برای نخستین بار در تاریخ خود به جمع چهار تیم برتر آسیا صعود کرد



خوشحالی محسن مسلمان و احمدزاده در ابوظبی

بشار رسن، شایان مصلح و گادوین منشارا وارد زمین نمود. در دقایق میانی بازی دروازه‌بان الاهلی ضربه مصلح، یار پرسپولیس را که از خط دروازه عبور کرده بود به داخل زمین برگرداند که این حیلۀ از چشم داور دور نماند و علاوه بر اخراج دروازه‌بان الاهلی، به سود پرسپولیس پنالتی اعلام کرد که منشا این پنالتی را به گل تبدیل کرد. دقایقی بعد داور مجدداً خطای بازیکن

تیم فوتبال پرسپولیس ایران در یک بازی حساب شده با حساب سه بر یک الاهلی عربستان را شکست داد و با توجه به تساوی دو بر دو در بازی رفت، به جمع چهار تیم برتر آسیا صعود کرد. در چارچوب رقابت‌های جام باشگاه‌های آسیا شامگاه سه‌شنبه، ۲۱ شهریورماه، مقابل نماینده عربستان قرار گرفتند. در ورزشگاه محمدبن زاید فقط هفت‌هزار نفر این بازی را تماشا کردند.

نخستین گل پرسپولیس در دقیقه پنجم بازی وارد دروازه الاهلی شد اما در دقیقه دوازدهم مسابقه، پرسپولیس دچار شوک بزرگی شد به این دلیل که داور، کامیابی‌نیا را به خاطر تکل خشن روی بازیکن حریف از زمین اخراج کرد و به این ترتیب پرسپولیس هفتاد دقیقه بازی را ده نفره اداره کرد. نیمه نخست بازی با نتیجه یک بر صفر به پایان رسید. در دقایق نخستین نیمه دوم، الاهلی دروازه پرسپولیس را گشود و نتیجه یک بر یک شد. بعد از این گل، برانکو سرمربی پرسپولیس،

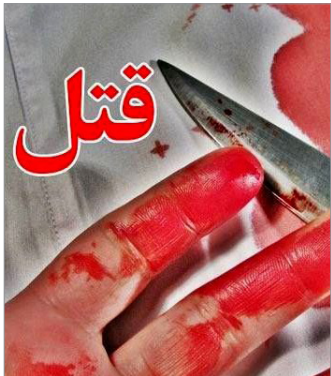
به ثمر رساند. از پرسپولیس کمال کامیابی‌نیا (۱۲) و از الاهلی موتاز هوساوی (۸۲) اخراج شدند.

بازی بعدی پرسپولیس در مرحله یک چهارم نهایی مقابل تیم الهلال عربستان است و علاوه بر کامیابی‌نیا که کارت قرمز گرفت، محمد انصاری با دریافت کارت زرد در این دیدار از بازی رفت مقابل الهلال محروم هستند.

دو گل پرسپولیس از نقطه‌ای پنالتی را دو بازیکنی زدند که به عنوان بازیکن تعویضی وارد زمین شدند که بار دیگر نشان داد برانکو ایوانکوویچ تا چه اندازه به چیدن مهره‌های خود در تیم تسلط دارد. این برای نخستین بار در تاریخ باشگاه پرسپولیس است که به جمع چهار تیم برتر آسیا صعود کرده است. بازیکنان پرسپولیس در این مسابقه عبارت بودند از: علیرضا بیرانوند، حسین ماهینی، محمد انصاری، شجاع خلیل‌زاده، محسن ربیع‌خواه، کمال کامیابی‌نیا، محسن مسلمان، وحید امیری، فرشاد احمدزاده و مهدی طارمی.



## پدری بعد از قتل دو دختر جوانش خودکشی کرد



### ● قتل‌های خانوادگی در ایران ادامه دارد.

پدر ۴۸ ساله‌ای این هفته سولماز و سوگند دختران ۱۹ و ۲۲ ساله خود را در منطقه تهرانپارس تهران با ضربات قمه از پای درآورد و سپس با خوردن قرص برنج دست به خودکشی زد. هنگامی که ماموران به دنبال تلفن خواهر این مرد به خانه او رفتند با پیکرهای بیجان و غرق در خون دو دختر جوان در آشپزخانه روبرو شدند. پدر قاتل که بعد از اطمینان از مرگ دو دخترش ماجرا را به خواهر خود اطلاع داده بود با خوردن قرص برنج دست به خودکشی زد. او پیش از این کار دست‌نوشته‌ای روی تلویزیون از خود به جای گذاشته بود که در آن نوشته شده: به خاطر اختلافاتی که با همسر و برادران او داشتم دست به این کار زدم. دخالت‌های برادران

خانم در زندگی من باعث خسارات مالی شد. یکی از همسایه‌ها گفت صدای فریاد یکی از دخترهای خانواده را شنیدم که می‌گفت «بابا، بابا» اما وقتی به در خانه آنها رسیدم صدا قطع شد. پدر قاتل دو روز بعد از قتل دخترانش در بیمارستان درگذشت. همسر وی یک ماه پیش به منزل مادرش نقل مکان کرده بود.

## خودکشی دختر ۱۶ ساله مقابل چشم توریست‌های خارجی

دختر ۱۶ ساله‌ای روز چهارشنبه، ۲۲ شهریورماه، از طبقه شانزدهم یکی از برج‌های محله اعیان نشین تهران مقابل هتل آتی‌ساز، که محل اقامت مهمانان خارجی است، خود را به پایین پرت کرد و در دم جان سپرد.

برجی که این دختر به همراه خانواده‌اش در آن زندگی می‌کرد نزدیک‌ترین ساختمان به هتل آتی‌ساز است که در معرض دید توریست‌ها و میهمانان خارجی دولت قرار دارد. هنگامی که دختر نوجوان قصد پرتاب خود از روی بالکن طبقه شانزدهم به خیابان را داشت عده زیادی با چشمان وحشت‌زده شاهد این صحنه دلخراش بودند.

## خودکشی وحشتناک دختر ۱۹ ساله در زابل

نازنین در بازار زابل با شلیک گلوله مغز خود را متلاشی کرد. یک دختر ۱۹ ساله روز شنبه این هفته در شلوغ‌ترین زمان بازار مقابل چشمان وحشت‌زده مردم اسلحه را روی سر خود گذاشت و با شلیک گلوله به زندگی‌اش خاتمه داد. او پیش از خودکشی مدتی طولانی با صاحب یکی از مغازه‌ها سرگرم گفتگو بود اما ناگهان اسلحه‌ای از کیف خود بیرون آورد، روی پیشانی خود گذاشت و ماشه را کشید. هنگامی که آمبولانس به دنبال تلفن مردم به بازار رسید کار از کار گذشته بود. سرهنگ نجابت ربیسی پلیس زابل گفت در حال تحقیق از مغازه‌داری هستیم که دقایقی پیش از این حادثه با این دختر حرف می‌زده است.

## اتومبیل ۹ عضو یک خانواده را زیر گرفت، ۷ نفر آنها کشته شدند



اما در همان لحظه یک اتومبیل شخصی که در خلاف جهت به سرعت در حرکت بوده با این ۹ نفر به شدت تصادف می‌کند به‌طوری که ۷ نفر از آنها در دم جان می‌سپارند و ۲ تن دیگر در بیمارستان بستری می‌شوند. شهرستان ایرانشهر با ۱۰۰ هزار جمعیت در ۳۳۵ کیلومتری شمال زاهدان قرار دارد.

تصادف یک اتومبیل با گروهی از عابران در شهرستان ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان هفت محکوم کند تا خلاص شوم اما اگر مرا ببخشند به گروه داعش ملحق می‌شوم تا کسان بیشتری را بکشم. به گفته رئیس دادگاه در صورتی که خانواده سجاد به دادگاه مراجعه نکنند رئیس قوه قضائیه در مورد سرنوشت سجاد تصمیم خواهد گرفت.

## قاتل: آزاد شوم به داعش می‌پیوندم!

شدم و تصمیم گرفتم او را هم بکشم. پدرم وقتی از قصد من آگاه شد به پلیس ۱۱۰ تلفن کرد اما ماموران نیامدند من هم او را به قتل رساندم بعد جنازه‌اش را در خانه دفن کردم. البته سر او را بردم اما از ترس جدا نکردم. در دادگاهی که اخیرا تشکیل شد خانواده سجاد حضور نداشتند اما خانواده عباس برای قاتل فرزندشان تقاضای اعدام کردند. این هفته در جلسه دیگری که برای محاکمه سجاد به خاطر کشتن پدرش برپا شده بود سجاد گفت پدرم چهار همسر داشت. او چهل سال ما را اذیت کرد. دقیقا نمی‌دانم چند خواهر و برادر هستیم اما می‌دانم مادرم ۱۰ فرزند داشت. سجاد ادامه داد به خاطر قتل دوستم عباس به اعدام محکوم شده‌ام و حالا از دادگاه می‌خواهم به جرم قتل پدرم نیز مرا به اعدام محکوم کند تا خلاص شوم اما اگر مرا ببخشند به گروه داعش ملحق می‌شوم تا کسان بیشتری را بکشم. به گفته رئیس دادگاه در صورتی که خانواده سجاد به دادگاه مراجعه نکنند رئیس قوه قضائیه در مورد سرنوشت سجاد تصمیم خواهد گرفت.

پسری که چندی پیش پدر خود و یکی از دوستانش را به قتل رسانده بود در دادگاه گفت اگر بتواند از بستگان مقتولین رضایت بگیرد به گروه داعش می‌پیوندد تا افراد بیشتری را به قتل برساند! این جوان که سجاد نام دارد مدتی قبل عباس، یکی از دوستانش را در اسلام‌شهر در حومه تهران کشت. هنگامی که ماموران به دنبال دستگیری سجاد بودند به پلیس خبر رسید وی در خراسان دیده شده است. همان روزها سجاد در تایباد خراسان پدر خود را نیز به قتل رساند. دو روز بعد کارآگاهان او را در مخفیگاه‌اش دستگیر کردند. سجاد در جریان بازجویی‌ها به هر دو قتل اعتراف کرد و علت کشتن پدر خود و دوستش را اختلافات عقیدتی با آنها عنوان کرد. وی در مورد قتل دوستش عباس گفت، ترک موتور عباس نشسته بودم که بر سر عقاید سیاسی بین ما بحث در گرفت. عباس از موتورسیکلت پیاده شد و با هم درگیر شدیم. من با یک ضربه چاقو او را به قتل رساندم و به تایباد فرار کردم و مدتی پیش پدرم ماندم و چون با او نیز اختلاف عقیده داشتم از بحث کردن با او خسته

## تازه‌داماد همسر ۱۶ ساله‌اش را با آجر کشت



شرکت در مراسم ترحیم مادر بزرگم پیتر خریدیم و به خانه رفتیم، آن شب باز درباره روابط پنهان او با مردها در شبکه‌های اجتماعی صحبت کردم اما حرف‌های من نتیجه‌ای نداشت و

پسر ۲۳ ساله‌ای چند روز قبل همسر ۱۶ ساله‌اش را که به گفته او با چند مرد در شبکه‌های مجازی رابطه داشته با کوبیدن آجر به سرش در خیابان دامپزشکی تهران به قتل رساند.

این پسر ساعتی پس از حادثه به کلاترزی قلعهک رفت و خود را معرفی کرد. این هفته در دادگاه خانواده دختر برای داماد خود تقاضای مجازات اعدام کردند. داماد قاتل در دادگاه گفت: یک سال قبل از کشتن نازنین او را عقد کردم، قرار شد تا تهیه جهیزیه در خانه پدرش بماند. نازنین هفته‌ای دو بار به خانه من می‌آمد و کارهای منزل را انجام می‌داد. در این مدت متوجه شدم او در فضای مجازی با پسرهای غریبه رابطه دارد اما وی انکار می‌کرد. چند شب قبل، بعد از

## پسر ایرانی متهم شده پنهانی در نوشیدنی یک دختر بریتانیایی محرک جنسی ریخته



یک کوکتل توت‌فرنگی برای آن دختر می‌آورد ولی آن دختر به علت بیماری معده نمی‌توانسته الکل بخورد. در این هنگام کارکنان بار متوجه حرکات غیرعادی درستکار شدند. آنها دیدند که او قبل از اینکه نوشیدنی را برای دختر ببرد زیر میز کارهایی می‌کرده است. آنها آنقدر مشکوک شدند که وقتی دختر اولین جرعه مشروب را نوشید نزد او رفته و از او پرسیده‌اند که آیا حالش خوب هست یا نه! البته به او نگفتند ماجرا چه بوده. کارکنان بار بعداً بسته‌بندی این قطره‌ی محرک جنسی را از کف زمین پیدا کردند و در تماس با کارخانه‌ی اسپانیایی متوجه شدند که یک قطره صد در صد طبیعی و گیاهی است که برای سلامتی خطری ندارد و روی آن نوشته شده محرک بسیار قوی برای آتشین کردن میل جنسی! دادستان ماتیو دالتون گفت که دختر وقتی فهمیده شروین در نوشیدنی او چیزی ریخته خیلی شوکه شده است. دختر ساعت ۰۱:۵۸:۰۱ پیامی از شروین دریافت کرده با این مضمون که «به آنها بگو می‌دانستی».

● دادستان می‌گوید متهم و دختر دوست معمولی بودند و رابطه عاطفی نداشتند. ● متهم که ۳۰ سال سن دارد از دختر خواسته بگوید خودش سکس خواسته. ● در گزارش نوشته نشده که شاکی چه کسی بوده و دادستان هم گفته دختر در دادگاه شنیده که در کوکتلش چیزی ریختند.

شروین درستکار پسر ۳۰ ساله قطره‌ای به نام «گلد فلائی» (پرواز طلائی) ساخت اسپانیا از داروهای محرک جنسی را در نوشیدنی زنی ریخته تا بتواند با او سکس کند. به گزارش دیلی میل، این زن در دادگاه مدعی شده که شروین درستکار به او گفته لطفا مرا به دردرس نینداز چون می‌خواهم پاسپورت بریتانیایی بگیرم.

این دو ابتدا در فیس‌بوک باهم آشنا شدند و به عنوان دوستان عادی دیدارهایی باهم داشتند، اما هیچ رابطه عاطفی بین آنها نبوده است. به گزارش دادگاه SCC، درستکار که توسط یک مترجم فارسی‌زبان در دادگاه از خود دفاع کرد، دوستش را ۱۳ مه سال گذشته به کینگ استون روف گاردنز، در منطقه‌ی کینگزتون در مرکز لندن برده است. او ساعت ۱۱:۳۰ شب دوستش را از مقابل منزلش به کلوب برده در حالی که دختر گمان می‌کرده که تعدادی از دوستان شروین هم قرار بوده همراه او باشند. ساعت حدود ۰۱:۱۰ صبح، درستکار

رئیس سازمان بهزیستی:

## اعتیاد میان جوانان بشدت رو به رشد است، تریاک محبوبترین ماده مخدر در کشور

یک تحقیق نشان داده ۵/۴ درصد مردم ایران بین سنین ۱۵ تا ۶۴ سال به نوعی مواد مخدر معتادند.

نوشیروان محسنی بندپی رئیس سازمان بهزیستی ایران میگوید متأسفانه آمار معتادان ۱۵ تا ۶۴ ساله به مواد مخدر رو به افزایش است. وی گفت اعتیاد، طلاق، حاشیه نشینی و کودکان کار و خیابان و فساد اخلاقی از آسیبهای اجتماعی جامعه ایران کنونی هستند. بند پی اضافه کرده در یک نظرسنجی که اخیرا انجام شده بیشتر از نود درصد مردم بزرگترین معضل آسیبهای اجتماعی را اعتیاد دانسته اند. وی یادآور شده که تریاک همچنان پرتیرفدارترین ماده مخدر در ایران است. به گفته بندپی اعتیاد در بین نسل جوان ایران بشدت رو به رشد است و در بین افراد ۱۵ تا ۳۰ سال به ازای هر ۶۶ مرد یک زن مصرف کننده مواد مخدر در کشور وجود دارد.

## زنی با درج آگهی ازدواج موقت از ۵۰ مرد کلاهبرداری کرد

چند مرد این هفته به پلیس اصفهان گفتند با دیدن یک آگهی ازدواج موقت از سوی خانمی در اینترنت با شماره تلفنی که در این آگهی بود تماس گرفتیم و از این بانو برای ازدواج کوتاه مدت خواستگاری کردیم. این زن گفت باید مبلغی بابت هزینه عقد و ثبت ازدواج به حساب بانکی او که شماره آن را داد واریز کنیم. ما هم این کار را کردیم اما در حالی که در

انتظار قرار و مدار حضوری با او بودیم پس از دریافت پول دیگر به تلفن‌های ما جواب نداد. سرهنگ مرتضوی از فرماندهان پلیس اصفهان گفت: به دنبال شکایت داوطلبان متعدد به ازدواج با این زن که نام‌اش فرشته است او را دستگیر کردیم. وی اعتراف کرد تا کنون از ۵۰ مرد که باید آنها را خواستگاران ناکام خواند از این طریق کلاهبرداری کرده است.

## خودکشی دختر ۱۶ ساله مقابل چشم توریستهای خارجی



نزدیک‌ترین ساختمان به هتل آتیساز است که در معرض دید توریست‌ها و میهمانان خارجی دولت قرار دارد و هنگامیکه دختر نوجوان قصد پرتاب خود از روی بالکن طبقه شانزدهم به خیابان را داشت عده زیادی با چشمان وحشت‌زده شاهد این صحنه دلخراش بودند.

دختر ۱۶ ساله ای روز چهارشنبه این هفته از طبقه شانزدهم یکی از برجهای محله اعیان نشین تهران مقابل هتل آتیساز که محل اقامت میهمانان خاریست خود را به پایین پرت کرد و در دم جان سپرد. برجی که این دختر به همراه خانواده‌اش در آن زندگی می‌کرد



## دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۳۶)

( کیهان لندن شماره ۱۲۱۷ )

### احمد احرار

باز نشر

با همهٔ این احوال، او نیز از همان نخستین روز شروع به کار، خود را با دشواریهای ناشی از برخورد منافع دول در حال جنگ روبرو یافت. در حالی که دولت جدید نیز خود را مقید به ادامهٔ سیاست بیطرفی می‌دانست سفارتخانه‌های خارجی و واسطه‌های آنها از هر دو سو می‌کوشیدند افراد مورد نظر خود را به کابینه تحمیل کنند.

سه روز طول کشید تا مشیرالدوله، اعضای کابینه را بدین شرح برگزید و معرفی کرد: مشیرالدوله «میرزا حسن خان پیرنیا» رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ

مستشارالدوله «صادق صادق» وزیر داخله نصرالملک «حسنعلی کمال هدایت» وزیر پست و تلگراف و فوائد عامه

حکیم‌الملک «ابراهیم حکیمی» وزیر معارف ذکاءالملک «محمدعلی فروغی» وزیر عدلیه مشارالسلطنه «اسدالله قدیمی» وزیر مالیه

معاون‌الدوله «ابراهیم غفاری» وزیر امور خارجه ابقای معاون‌الدوله نشانهٔ آن بود که در روابط خارجی ایران تغییر حاصل نخواهد شد و سیاست بیطرفی ادامه پیدا می‌کند؛ اما کنار گذاشتن عین‌الدوله و سپردن وزارت داخله به مستشارالدوله حکایت از آن داشت که مشیرالدوله تصمیم دارد در مسائل داخلی به افکار عمومی بیشتر تکیه کند و چون افکار عمومی به متحدین گرایش داشت متفقین از این تغییر راضی نبودند.

در همین ایام شیخ‌العراقین (حائری) وارد تهران شد و فتاوی جهاد را که از طرف علمای شیعه در کربلا و نجف

از سرنوشت روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران در خراسان و گیلان و آذربایجان (قلمرو نفوذ و اقتدار روسیه تزاری) سخن گفتیم. بی‌مناسبت نیست که نگاهی هم به سرنوشت یک روزنامه و روزنامه‌نگار در حوزه اقتدار و نفوذ انگلستان بیفکنیم.

در آغاز مشروطیت، چند روزنامهٔ ترقیخواه در ولایات ایران انتشار یافت. از آن جمله بود مجاهد (تبریز)، جهاد اکبر (اصفهان)، خیرالکلام (رشت) و مظفری (بوشهر). روزنامهٔ «مظفری» را میرزا علی خان لبیب‌الملک شیرازی در بوشهر منتشر می‌کرد. این روزنامه‌نگار متعاقب به توپ بستن مجلس شورای ملی و قلع و قمع مشروطه‌خواهان به هندوستان گریخت و همراه با مدیرالممالک هرندی مدیر روزنامه «تمدن» از هندوستان به مصر رفت و چندی نیز در حجاز اقامت داشت تا آن که محمدعلی‌شاه خلع و مشروطه دوم برقرار شد و او در بازگشت به وطن، بار دیگر به انتشار روزنامهٔ «مظفری» همت گماشت.

این بار، سر و کار وی با کنسولگری انگلیس در بوشهر افتاد. زمانی بود که کنسولگری‌ها و مأموران آلمانی در مناطق جنوبی ایران شدیداً فعال بودند و لبیب‌الملک در صف هواداران سیاست آلمان قرار داشت. حاکم بوشهر، موقردوله، به وی اخطار کرد که مجاز به ادامهٔ انتشار روزنامه نخواهد بود مگر با جلب رضایت «کنسول» انگلیس. لبیب‌الملک به کنسولگری انگلیس مراجعه کرد و پاسخ شنید که می‌بایستی پنجهزار روپیه در بانک شاهی ودیعه بگذاری و متعهد شوی که برضد «پلیتیک» انگلیس چیزی نخواهی نوشت. در غیر این صورت، ودیعه ضبط خواهد شد. مذاکرات به جایی نرسید. لبیب‌الملک مجبور شد



حسن پیرنیا نفر دوم از راست

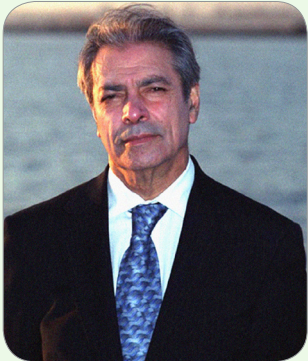
صادر شده بود، به همراه آورد.

فتوای آیت‌الله حاجی میرزا محمدتقی شیرازی و آیت‌الله حاج سید مصطفی کاشانی، از اهمِ این فتاوی بود. در پاسخ این سؤال (استفتاء) که «چه می‌فرمایید دربارهٔ اشخاصی که با دعوی مسلمانی، در این ایام تقابل کفر و اسلام، در مقام معاونت دول کافر معارضه برآمده... به کفار حربی خدمت و یا به مقاصدشان اعانت می‌نمایند...» حاج سیدمصطفی کاشانی فتوی داده بود «چنین کسی که به یکی از طرق مرقومه به کفار حربی مثل روس و انگلیس و ایتالی و فرانسه اعانت نماید ازجمله محاربین با خدا و پیغمبر صلی‌الله علیه و آله محسوب و مساعی در محو دین خدا و خاموش کردن نور حق خواهد بود و گناه بسیار بزرگی است... دور نیست تقویت و مساعدت دول کافره محاربه به‌قلم و زبان اشدّ باشد از اعانت آنان به سیف و سنان...» کارگزاران عثمانی و آلمان قصد داشتند این فتاوی را تکثیر و در ایران و افغانستان و هندوستان توزیع کنند و مردم را به قیام برانگیزند و آن گروه از اهل قلم و اهل سیاست را که به طرقداری از متفقین شهرت داشتند هدف خشم و خروش توده قرار دهند.

این تلاشها که با معاضدت سفارتخانه و کنسولگریهای آلمان صورت می‌گرفت از نظر متفقین پنهان نبود. از نظر آنها سیاست بیطرفی به‌نحوی که مستوفی‌الممالک و سپس مشیرالدوله دنبال می‌کردند میدان عمل را برای آلمان و عثمانی باز می‌گذاشت و مشوق چنین تحرکاتی بود. از همین رو تصمیم به یک شبه کودتا گرفتند. سر چارلز مارلینگ و فن‌باخ سفرای انگلستان و روسیه در ملاقاتی با مشیرالدوله عنوان کردند که پرنس رویس و کنت‌لوگوتی سفرای آلمان و اتریش با دویست چمدان محتوی اسلحه و مواد تخریبی به ایران آمده‌اند و دولتیمانم دادند که باید بازرسی و سلاحها ضبط شود. مشیرالدوله پاسخ داد چنین اقدامی مغایر حقوق بین‌الملل و نقض مصونیت دیپلماتیک سفرای خارجی است و از قبول این درخواست عذر خواست. چند روز بعد، دو سفیر نزد احمدشاه رفتند و مصرأ خواستار عزل مشیرالدوله و زمامداری سعدالدوله شدند. سفرای آلمان و عثمانی از این موضوع اطلاع یافتند و آنها نیز متفقاً با احمدشاه دیدار کردند و اولتیمانم دادند که هرگاه سعدالدوله مأمور تشکیل کابینه شود. دیگر بیطرفی ایران از نظر دول متحد مرکزی (متحدین) معنا و مفهومی نخواهد داشت و دست به هر اقدامی خواهند زد.

نتیجه این که مشیرالدوله نیز روز دهم فروردین ۱۲۹۴ – در حالی که فقط یک ماه و بیست روز از عمر کابینه‌اش می‌گذشت – استعفا کرد و عبدالمجید میرزا عین‌الدوله جانشین او شد.

« ادامه دارد»



داریوش همایون

(۵مهر۱۳۰۷،تهران-۸بهمن۱۳۸۹،ژنو)

## واقعیات میدان و واقعیات تاریخ

کیهان لندن شماره ۱۲۸۲ – ۲۱ آبان ماه ۱۳۸۸

باز نشر

و ناگزیرند با حلقه هر چه کوچکتری کار کنند و آن حلقه تا کنون هیچ استعدادی جز تدابیر امنیتی به هزینه هرچه دیگر، از خود نشان نداده است. میانمایگی mediocrity که صفت غالب حکومت‌های دوران انقلاب شکوهمند بوده است دیگر در توصیف فرمانروایان کنونی کاربرد ندارد و ناشایسته سالاری جمهوری اسلامی را باز هم می‌باید با استانداردهای پایین‌تری تعریف کرد. احمدی‌نژاد در این حلقهٔ ناشایسته‌تران آسوده است و نمی‌داند و اهمیتی نمی‌دهد که برکشیدن افرادی که کوشیده است

نیست. جوانی و تازگی و روشنگری enlightenment و سبز یکی شده‌اند. همین بس که به آفرینندگی هنری جنبش سبز بنگریم. مانند هر انقلاب اجتماعی مردمی، جنبش سبز نیز با یک جوشش هنری همراه شده است که نخستین بار خود موسوی بدان توجه کرد. (انقلاب اسلامی از نظر جوشش «هنری» خود نیز ورشکسته بود؛ انقلاب فرانسه مارسییز را ساخت، انقلاب اسلامی انجزه و انجزه چندش‌آور را).

پوسته حکومتی که از هر مشروعیتی تهی شده است و هیچ پایگاه اخلاقی

۱۳ آبان به‌گفته یک ناظر غربی دو امر را نشان داد. جنبش مردمی ایران، جنبش سبز ما، فروکش نمی‌کند؛ و رژیم [هنوز] توانائی ایستادگی در برابر آن را دارد.

آن توده‌های جوانی که در تهران و تبریز و شیراز به خیابان‌ها ریختند، و در بسیاری جاها همراه مادرانی که خود را سپر فرزندان‌شان می‌ساختند، می‌دانستند که با چه ارتش بزرگی از سرکوبگران روبرو خواهند شد. (ابعاد گوناگون این جنبش سبز، همچنانکه رنگ انسانی آن، تکان دهنده است و در یادها خواهد ماند و دیگر نخواهد



خودش برجسته‌ترین آنان باشد برای کشوری که اشغال کرده چه خواهد آورد. (او هیچ استعدادی را نمی‌تواند در پیرامون خود تحمل کند و با تیپ‌های بچه‌محل از همه خوش‌تر است). آنچه نمی‌داند و می‌باید اهمیت دهد پیامدهای چنین ترکیبی برای حکومت خود او و رژیم اسلامی است.

بر اینهمه می‌باید طاعون فساد را افزود که بر پیکر حکومت افتاده است و خیم خود کشنده که هزینه‌اش را تنها مرید خواهند پرداخت. اما هیچ پیکر طاعون‌زده‌ای جان به سلامت نخواهد برد. فرماندهان پاسدار اشتهائی سیری ناپذیر دارند و هرچه را بتوانند می‌بلعند. من خود کسانی را به نام و نشان شنیده‌ام — از ایرانیان گمنام مهاجر — که از آشنایان خود سراغ خریداران نفت می‌گیرند. صدها دست در کیسه نفت، دارد سهمی هر چه بزرگتر را می‌برد و دست‌ها در هر جا در کارند. ما با اندک آشنائی به تاریخ، به جامعه شناسی، به جهانی که در آن زیست می‌کنیم، به روحیات و استعداد‌های ملت خود، آن جنبش را در برابر این حکومت می‌گذاریم. هرچه از آن سو بلندگی است، از این سو گندیدگی است؛ هر چه از این سو فشار است از آن سو پایداری. اگر در پایان این تونل روشنائی را می‌بینیم از آرزو پروری بی‌پایه، حتی از خوشبینی لازمه سیاستگری نیست. در هیچ جا پایان چنین موقعیت‌هایی به زیان مردم نبوده است.

یک مایه قدرت دیگر جنبش سبز را هم نمی‌باید از نظر دور داشت. از آنجا که این «انقلاب آگاهی» اساساً به آگاهی و ارتباط و نه به رهبری و سازمان بسته است، این نزدیک به دو میلیون ایرانی بیرون همین بس که دسترسی آشنایان خود را در ایران به آگاهی، و ارتباط آنان را با یکدیگر بیشتر سازند. ما اگر تنها چندگاهی دست از گریبان یکدیگر و تاریخ پنجاه شصت ساله گذشته برداریم و به آن خدمت بی‌خطر و بی‌هزینه پردازیم بسیاری از بی خدمتی‌های خود را جبران خواهیم کرد.

ندارد و تنها می‌تواند وفاداری‌های ناپایدار را بخرد، چه اندازه تاب‌ضربات جامعه‌ای را خواهد آورد که هرچه در آن آلوده و فرو رفته در نادانی نیست با آن دشمن است؟ و با این اقتصاد وارداتی، یک پمپ بنزین بزرگ که هر روز پمپ بنزین‌تر می‌شود، چگونه می‌توان هفتاد میلیون تن را در این سرزمین پهناور زیر فشار و در زندان، بیکار و خشمگین، بی‌آینده و سرکش، نگهداشت؟ احمدی‌نژاد در چهار سال اول خود، در به اصطلاح «دولت نهم»، ۲۲۰ میلیارد دلار واردات داشته است که به‌معنی ناپدید شدن ساخت ایران از بازارها بوده است. آیا می‌توان تصور کرد که چه فاجعه‌ای در انتظار ایران و «دولت دهم» خود اوست؟ (ما پس از آنکه از ولنگاری خود حاکمیت را، به حد حکومت پائین آوردیم اکنون، ریاست جمهوری و کابینه را به حد دولت بالا می‌بریم: دولت‌های اروپائی، دولت‌های نهم و دهم صدام حسین آینده ایران — اگر بپاید).

جنبش سبز با واقعیات میدان روبروست — هزاران و هزاران مأمور انتظامی از همه رنگ و با همه گونه سلاح‌های ضد شورش؛ با دستور بزیند و شوخی هم نکنید ولی روی جمعیت آتش نکشائید . تا اینجا، مگر در ۲۵ خرداد که هیچ چیز نمی‌توانست جلو سیل را بگیرد و خود سیل ایستاد، مردم نتوانست‌اند آن هزاران و هزاران مأمور انتظامی را در خود غرق کنند. اما ظرفیت‌ش را دارند و روزی آن ظرفیت نهفته در زیر سطح جامعه مانند آتشفشانی سر باز خواهد کرد. اما حکومت (و نه حاکمیت، نه دولت دهم) نیز با واقعیات جامعه‌شناسی روبروست. جهمکرانی‌هایی که خیال دست انداختن بر همه چیز را دارند هرگز نخواهند توانست شعور را از این مردم بگیرند، میل به زندگی بهتر را در آنها بکشند، آزادی را در چشم‌شان ناپسند بنمایند.

برای آنها اعتماد به یکدیگر در این فضای ترسناک توطئه و کارشکنی و سراسر دروغ و نارو زدن که نام‌ش حکومت اسلامی است مهمترین است







سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار در ردیف بزرگترین غزل‌سرایان زبان فارسی است و علاوه بر غزلیات، قطعات و مثنویات و رباعیات و دوبیتی‌ها، اشعار نو فراوانی از خود به یادگار گذاشته است.

او در سال ۱۲۸۳ شمسی در تبریز متولد گردید و بعد از ۸۴ سال زندگی پر از حوادث عاطفی و اجتماعی به سال ۱۳۶۷ در بیمارستان مهر تهران درگذشت. از همان اوان کودکی ذوق و قریحه شاعری او معلوم بود و به سن ۴ سالگی اولین شعر ترکی و به سن ۷ سالگی اولین شعر فارسی خود را سرود. از هوش و ذکاوت و حافظه و تخیلی عجیب و رقت قلب و حساسیت شدیدی برخوردار بود.

در تبریز با تخلص «بهجت» شعر می‌سرود و بعد از آمدن به تهران بود که به کمک دو فال حافظ، تخلص «شهریار» را انتخاب کرد. به سن ۱۶ سالگی برای تکمیل و ادامه تحصیلات به تهران فرستاده می‌شود و بعد از اتمام سیکل دوم دبیرستان وارد مدرسه طب دارالفنون می‌گردد. از همان سالهای اول طب با دختری که از وی به نام «پری» در اشعارش یاد کرده است آشنا می‌گردد که به عشق و دلدادگی منجر می‌شود و شکست در این عشق و ماجراهای حاصله از آن نه تنها او را مجبور به ترک تهران و ناتمام گذاشتن تحصیلاتش می‌کند، بلکه این تلخکامی خمیر مایه اشعاری بسیار سوزناک و عاشقانه می‌گردد که به نام «اشعار از دل برآمده شهریار» مشهور شده‌اند و موضوع این نوشتار است. در تهران توسط یک دوست بسیار نزدیک به نام «شهیار» که به محافل بزرگان و ادبا و حتی دربار راه داشت با افراد بنام زمان از جمله: استاد ابوالحسن صبا، ملک الشعرای بهار، قمرالملوک وزیری، و غیره آشنا می‌گردد و استاد صبا سه تار را به او یاد می‌دهد.

#### آن غنچه خندان…

می‌گویند: روزی صبا و بهار و شهریار در خیابان پامنار در مغازه‌ای نشسته بودند و آتش بازی را تماشا می‌کردند که یک دختر بلندقد بسیار زیبا و جذابی که او هم آتش بازی را با شور و شوق عجیبی تماشا می‌کرد نظر شهریار را جلب می‌کند، وی با یک بار دیدن این دختر زیبا آن چنان مجذوب او می‌شود که به قول خودش «روحم به دنبال او به پرواز درآمد». سعی و کوششهای اولیه برای جلب توجه این دختر خاتم به جایی نمی‌رسد و لذا شهریار به کمک قریحه و ذوق شعری خود غزل «غوغا می‌کنی» را به مطلع زیر می‌سراید و آن را به پری می‌رساند:

**ای غنچه خندان چرا خون در دل ما می‌کنی خاری به خود می‌بندی و ما را ز سروا می‌کنی**
این سعی و کوشش‌ها بالاخره منجر به آشنایی و دیدار با او می‌شود. اسم واقعی آن دختر «ثریا» بود ولی شهریار در اشعارش همیشه به اسم «پری» از او نام برده است. پدر پری یک سرهنگ ارتشی بود. آشنایی با پری منجر به دیدارهایی از والدین پری و دوستی بین این دو می‌گردد و دوستی به نامزدی منتهی می‌شود و به این ترتیب ایام بسیار خوش و خوبی در زندگی شاعر شروع می‌شود. او را گاهی در آسمان می‌جوید:

**نگاهی کرده در آفاق ماهی کرده‌ام پیدا چه‌روشن‌ماه‌وروشن بین‌نگاهی کرده‌ام پیدا**
ایام فراغت از تحصیل به دیدار و گفتار و رفتارهای گرم و محبت‌آمیز پری سپری می‌گردید، و مخصوصا که پری با علاقه زیادی که به شعر حافظ نشان می‌داد، و این خود بیشتر موجب دلخوشی شاعر جوان می‌گردید، با هم فال حافظ می‌گرفتند و از غزلهای لذت می‌بردند. به این ترتیب ایام به مراد دل و خوشی و سرور سپری می‌گردد و نهالهای امید به آینده‌ای خوش در دل او به سرعت رشد می‌کند.

غزل نیمه‌اند از سروده‌های آن ایام است:
**پری وش‌ی که خدا با منش تفضل کرد امید بود و نشاط مرا تقبل کرد**

پری علاوه بر دیدارهایی که با قول و قرار قبلی انجام می‌داد گاه و بیگاه به طور غیرمنتظره هم به شهریار سری می‌زد که این دیدارها بیشتر باعث خوشحالی شاعر می‌گردید مخصوصا اوقاتی که او از شهریار درخواست غزلهای تازه‌ای می‌کرد شادی شاعر چندین برابر می‌شد.پری علاقه به موسیقی هم نشان می‌دهد و شهریار نواختن سه تار را به او یاد می‌دهد.از خاطرات خوش آن دوران شهریار نقل می‌کند:«یک سال که تهران بسیار گرم بود پری به من گفت چند روزی از دارالفنون مرخصی بگیر تا به ییلاق به رشت برویم و از گرمای تهران به دور باشیم. ولی از آنجایی که من کارهایم زیاد بود و گرفتاری درسی داشتم او را تنها به سوی شمال بدرقه کردم و ضمنا سه تارم را به وی دادم که تنها نباشد. یکی دو روزی از رفتن پری نگذشته بود که بی‌قراری شدید بر من غلبه می‌کند به حدی که نمی‌توانستم به درس و کار و زندگانیم برسم. دوستانم که حال نزار مرا می‌بیند و از داستان دلدادگی ما مطلع بودند برایم چند روزی مرخصی را از دارالفنون جور می‌کنند و به این ترتیب من عازم رشت می‌گردم».
شهریار که شب هنگام خسته و کوفته به خانه پری می‌رسد با کمال تعجب می‌بیند پری

هر آنچه یاد ایران و یادگارهای آن را در خاطره‌ها زنده کند برای جامعه ایرانی از وطن دورافتاده احساس برانگیز است از قصه زال و رودابه گرفته تا داستان عشق شهریار.
همه ما در سالهای دور از شور عشقی که به جان جوانی تبریزی افتاد و او را شوریده‌سر، از نیمه راه پزشکی به راه شعر و شاعری کشاند، چیزهایی شنیده بودیم. صدرالدین الهی هم در مصاحبه با شهریار کوشیده بود از زیر زبان او حرفهای بیشتری درباره این افسانه بیرون بکشد اما جواب شنیده بود که: «حالا دیگر از گفت و شنودش معذورم، این داستان مال گذشته است!» دیگران اما دست بر نداشت‌اند و از اینجا و آنجا، خصوصا از لابلای اشعار شهریار، پیگیر داستان شده‌اند. از آن جمله است گزارشی به قلم دکتر علی اکبر علی اصغریور، که شادروان حسن شهباز آن را در «ره آورد» منعکس ساخت و ما از فصلنامه ره آورد، زمستان ۱۳۸۲ برای شما، در چند شماره نقل می‌کنیم.
دکتر علی اصغریور در مقدمه مطلب می‌نویسد: در این گردآوری و نوشتار من سعی کرده‌ام با استفاده از دیوان استادو کتب موجود از آشنایان نزدیک وی که محتوی خاطرات چندی از او می‌باشند، داستان این عشق ناکام را آن چنان که به واقعیت نزدیکتر است عرضه دارم.

در جلوی پنجره اطاق نشسته و با سه تار در دستگاه شور آهنگی را که از او یاد گرفته بود می‌نوازد. این منظره طبع شعر او را به جوش می‌آورد و فی‌البداهه غزل «سوز و ساز» را می‌سراید و شروع به خواندن می‌کند.

والدین پری با شنیدن صدای شهریار از خانه بیرون می‌آیند و او را به خانه دعوت می‌کنند که



گویا چند مهمان دیگر هم داشتند. بعدا شهریار در خاطراتش درباره آن شب چنین می‌نویسد: «من همه‌اش در این فکر بودم که کی این مهمانها پا شده و می‌روند و مرا با او تنها می گذارند». گویا مادر پری متوجه این احساس شهریار می‌شود و به نحوی عذر مهمانها را می‌خواهد و شهریار را با پری تنها می‌گذارد و شاعر به پاس سپاسگزاری از این محبت، غزل «پروانه در آتش» را می‌سراید.

**پروانه‌وش از شوق تو در آتشم امشب می‌سوزم و با این همه سوزش خوشم امشب**
پری در یکی از نامه‌هایش که بعدها به استاد نوشت، بعد از دیدن عکس شهریار در مجله‌ای این چنین یاد می‌کند:

«به عکس نگاه می‌کردم و می‌گفتم آیا تو آن شهریاری و من آن دختری که یک شب می‌خواستی به خان‌هام برسانی؟ و همین که به در خانه رسیدیم گفتم نمی‌گذارم تنها برگردی، باید باهم برگردیم و تو را به خانه‌ات برسانم، تو را به نزدیک منزل رساندم و تو گفתי که صحیح نیست یک دختر در این دل شب تنها برگردد و باز تو مرا تا در خان‌هام رساندی ولی من قبول نکردم و دوباره برگشتم که تو را به خانه خودت برسانم. آن قدر رفتیم و برگشتیم که یکباره متوجه شدیم سپیده سحر دمیده نه تو به منزل رسیده‌ای و نه من به خانه خودمان!!»

#### گل پشت و رو ندارد

این دو جوان، با حضور خود در محافل و مجالس بزرگان با هنرنمایی‌های شهریار و

خاطرات و تاریخ

# داستان دلدادگی و شکست عشقی شهریار آن روز، در آتشبازی پامنار، آتشی جرقه زد و بر دل شوریده شاعر افتاد

باید توجه داشت که قسمت عمده این داستان در قالب غزل‌ها، قطعات و مثنوی‌ها با بیانی ساده و روان در دیوان او ذکر گردیده است ولی متاسفانه آنها به‌طور پراکنده با سایر آثار شاعر در دیوانش ضبط شده، و من سعی کرده‌ام با توجه به سیر این داستان به آنها نظم و ترتیبی بدهم و برای این کار فقط منتخباتی از آنها را مورد استفاده قرار داده‌ام.

در برخی از این اشعار، به قول دوستداران شهریار، شان نزول غزل با قطعه موردنظر واضح است و لذا اشکالی در انتساب شعر موردنظر وجود ندارد ولی در سایر موارد این تمایز مشکل است و دو عامل عمده را می‌توان از این نظر موردتوجه قرار داد:

۱ – با این که شهریار بعد از بازگشت به تبریز و چندین سال بعد از شکست در عشق اول، ازدواج کرد و خانه و خانواده تشکیل داد ولی هیچ وقت یاد عشق دیرینش «پری» از خاطرش زده‌ده نگردیده و گفته شده است که او هیچ تغزلی بدون خیال «پری» نکرد و لذا هر غزلش بویی از «پری» دارد.

۲ – شدت علاقه و وابستگی شهریار به برخی از همکاران و دوستان به حدی بود که آنها هم برای او در حکم معشوق ثانوی در آمدند و به این ترتیب هر وقتی که به زبان شعر به تعریف و تمجید و یا شکوه و گلایه از آنها دهان می‌گشاد اشعاری نظیر آن چه که در

زیبایی خیره کننده پری جلب توجه می‌کنند و داستان عشق و دلباختگی آنها ورد زبانها می‌گردد. همزمان با این اشتها، شهریار متوجه بعضی تغییرات در پری می‌شود که او آنها را حمل بر ناز و دلبری وی می‌کند. در غزل «گل پشت و رو ندارد» این چنین ضمن تعریف از وی از بیقراری و آثار نگرانی او مطلع می‌شود:



در پیش گرفته و این ور و آن ور توجهش را به دیگران معطوف کرده‌است دلش آتش می‌گرفت ولی خودش را امیدواری می‌داد که شاید این رفتارها همگی ناشی از ناز دلبرانه باشد و بس:
**باز با ما سری از نازگران دارد یار نکند باز دلی با دگران دارد یار**

و با این ترتیب او خود را آماده قبول غم و محنت دوری یار کرده بود و مثل هر عاشق پاکباخته و صادق دیگر، نیش دلبر را به منزله نوشی تلقی می‌کند و ایام پریشان روزگار هجران را به امید روزهای بهتری سپری می‌گرداند. شهریار در غزلهای زیادی از دلواپسی و انتظار کشیدن خود و از عاقبت کار صحبت کرده است که من نمونه‌ای از آنها را جمع کرده‌ام.

در غزل «جمع و تفریق» با اشاره به این که در طبیعت هیچ چیزی پایدار نیست و هرکسی در هر چیزی دوران خود را دارد یادآور می‌شود که غفلت از همدیگر شرط محبت نمی‌باشد و غیر از پشیمانی سودی بار نمی‌آورد و از او می‌خواهد که به شکرانه حسن خدّاداد خویش با این عاشق دلباخته بر سر مهر بیاید.

**ای گل به‌شکر آن که‌در این بوستان گلی خوشدار خاطری ز خزان دیده بلبلی فردا که ره‌زنان دی از راه می‌رسند نه بلبلی به جای گذارند و نه گلی**
ولی سست عهدی و بدقولی‌های پری ادامه پیدا می‌کند، با این که به او وعده دیدار می‌دهد ولی در وعده‌گاه حاضر نمی‌شود و او این چنین «در غزل انتظار» از تلخی انتظار و ارزش وقت خود و پری سخن می‌گوید:

# کیمیا

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی
باز ای سپیده شب هجران نیامدی
شعشم شکفته‌بود که خندد به روی تو
افسوس ای شکوفه خندان نیامدی
ناسازگاری‌ها و گریزپایی‌های دلبر ادامه می‌یابد و شاعر که تا به حال از این همه ناز دلبر شکایتی نکرده بود سعی می‌کند از ارزشهای خود او را آگاه گرداند و در غزل «ترانه جاوید»، این چنین گلایه حقیقی به همراه اشاره به ضعف مادی خود می‌کند:

**ای شاخ گل که در پی گلچین دوانیم این نیست مزد رنج من و باغبانیم ای گل بیا و از چمن طبع شهریار بشنو ترانه غزل جاودانیم**
سعی و کوشش شاعر برای بازیابی محبت و توجه دلدار را می‌شود در تعدادی از غزلهای شهریار دریافت، از شب و روز سیاه هجرانی که دارند و بی‌توجهی‌های پری و از دوران خوش گذشته یاد می‌کنند تا شاید آن عهد قدیم را به خاطر این یار دیراشنای زودگل بیابود و در این باره حتی از توسل به خواجه شیراز که می‌دانست پری هم به او اراداتی دارد خودداری نکرده است. این شکوه و گلایه‌های او در غزلهای چندی نمایان است:

**یادم نکرد و شاد، حریفی که یاد از بادش به‌خیر، گرچه‌دل‌م‌نیست‌شادازو حال دلم حواله به دیوان خواجه باد یار آن زمان که خواسته‌فال مراد از او من باروان خواجه‌از او شکوه می‌کنم تا داد من مگر بستد اوستاد از او**
\*\*\*

در تعریف عشق گفته‌اند: «تهی شدن از خود و پُرشدن از دیگری» و می‌گویند عاشق در رخ معشوق چیزی می‌بیند که به چشم دیگران نمی‌رسد. این همان چیزی است که در ادبیات ایران آن را «آن» نامیده‌اند. حافظ می‌گوید «بنده طلعت آن باش که آنی دارد» و این (آن) است که در نهایت معشوق را به حد خدایی در چشم عاشق بالا می‌برد و به نظر می‌رسد شهریار هم در مورد عشق پری به این مرحله رسیده باشد:

**اگرچه کوشم ما نیست غیر ناکامی ولیک شرط وفا نیست غیر کوشیدن به‌شهرعشق منم‌شهریار، چون حافظ منم که‌شهره‌شهرم به‌عشق ورزیدن**
و به نظر می‌رسد در اوایل کار این کوشش و گلایه‌های خفیف شاعر عاشق با یادآوری خاطرات خوش دوران نه چندان دور تا حدی موثر واقع گردیده شد چون می‌بینیم گاه به گاهی این غزال ریمیده بر وعده وفا می‌کند و جسته و گریخته به دیدارش می‌آید و با این که شاعر خود را آماده می‌کرد تا با دیدن او سر گلایه را بیشتر باز بکند ولی با یک نگاه پر از شرم و ناز این غزال وحشی تمام آن شکوه‌ها از یاد می‌رفت و به عوض گله، غزلهای ناب از دل برآمده حاکی از افسانه عشق بر زبان عاشق جاری می‌گردید.

ماهم امشب با من آغوش نوازش باز دارد
آسمان غافل که بازش زین نوازش باز دارد
خیزد از هر تار موی من یکی موزون ترانه اهتزاز عشقم امشب چنگ دست‌ان ساز دارد
مست‌وشیدخواهم ازلیلی‌وش‌ی آویخت، یاران بید مجنونی سر پیوند سروی ناز دارد
قند شعر پارسی تا کاروان راند در آفاق شهریار امشب مذاق حافظ شیراز دارد
از تعجب شاعر از این دیدارهای غیر منتظره دلدار و سپاسگزاری او از محبت این غزال گریزپا که به سراپرده درویشی این «کشته چاه غم» قدم گذاشته است این چنین در «شاهد گمراه» مطلع می‌شویم:

**راه گم کرده و با روی چو ماه آمده‌ای مگر ای شاهد گمراه به راه آمده‌ای**
ولی به نظر می‌رسد که این الطاف گاه و بیگاه هم دبری نمی‌پاید چون این دیدارها هم قطع می‌گردد و حالا فقط چندگاهی یک بار با نامه او را دل شاد می‌گرداند. در یکی از این نامه‌ها جمله‌ای توجه شاعر را جلب می‌کندکه گویا پری برای توجیه قطع کردن دیدارها نوشته بود و آن چنین بود: «... به تو برگردم از شوق بمیری...» این جمله الهام بخش غزل «بگذار بمیری» می‌شود که در آن شاعر از نهایت دلدادگی و سرباختگی خود در راه عشق سخن گفته است:

**در کشتن من دست میازار، بمیرم وز بغض گلو این همه مفشار، بمیرم گفتی «به تو برگیزدم از شوق بمیری» قربان قندت بگذر و بگذار بمیرم هر زخم زدی حسرت زخم‌دگرم بود این بار نمردم که دگر بار بمیرم شهری به تو یار است و من غم‌زده باید در شهر تو بی‌یار و پرستار بمیرم**
او از سنگینی بار غم عشق گل‌عذارش و انتظارهای تلخ و نافرجام و امیدهای به‌نامیدی گراییده جوانی‌اش، خاطره خوش طرهِ‌های دلبر و داغ دل خونین خود و تخیلاتش و بهار عشق و جوانی خزان شده‌اش، این چنین در غزل شب فراق سخن می‌گوید:

**به دوش دل ز غم عشق بارها دارم هنوز با دل سرسخت کارها دارم «دنباله دارد»**



## آمار اعتیاد کارگران از مرز هشدار گذشت



●**دست‌های پشت پرده مواد مخدر باید شناسایی شوند.**  
●**«افزایش تعداد معتادان، مصرف بالای مواد مخدر صنعتی، کاهش سن اعتیاد، روی آوردن بانوان کشور به سمت این معضل، نشانه عملکرد ضعیف ستاد مبارزه با مواد مخدر بوده»**

یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی می‌گوید آمار ۱۵ تا ۲۶ درصدی کارگران معتاد دقیق نیست و آمار اعتیاد این قشر از جامعه از مرز هشدار گذشته است.

احمد بیگدلی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در واکنش به اظهارات قائم مقام ستاد مبارزه با مواد مخدر مبنی آمار ۱۵ تا ۲۶ درصدی کارگران معتاد، می‌گوید این آمار دقیق نبوده و آمار اعتیاد در کارگران بیشتر از این است.

وی اعتیاد در ایران را آسیب بزرگی دانسته و گفته که در سال‌های اخیر الگوی مصرف مواد مخدر از سنتی به صنعتی تغییر جهت داده و با کاهش سن مصرف و همچنین روی آوردن

#### رضاشاه، مردی که...

روشن است که اهل اندیشه، قلم و هنر نه در زمان رضاشاه و نه در زمان محمدرضاشاه (جز در دورانی کوتاه به ویژه در دوران دولت زنده‌یاد محمد مصدق) آزاد نبوده‌اند ولی در نگرشی کلی، آنان نقش بیگانگان به ویژه انگلستان و روسیه (و پس از انقلاب ۱۹۱۷ برابر با ۱۲۹۶ خورشیدی، شوروی) را درست ارزیابی نمی‌کردند. اگر چه نمونه‌ای که می‌آورم به دوران رضاشاه ارتباط ندارد ولی شیوه کار روشنفکر و مبارز ایرانی را نشان می‌دهد که حتا در کشورهای آزاد و دارای دمکراسی، هم‌چنان بر شایعه‌سازی و انتشار اطلاعات نادرست دست می‌زده و این بیماری‌ای است که از جامعه‌ای آلوده به خرافه‌های مذهبی و سنتی ریشه می‌گیرد که حتا چپ‌های

#### گفتگوی یوسف مصدقی با...

متأسفانه در پنجاه سال اخیر، بیش از گذشته در انتخاب‌های سیاسی، اخلاقی و فرهنگی‌مان تعادل را نادیده گرفته‌ایم. من اینجا دارم از

### پاسخ سؤالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ) از صفحه ۱۳

۱-روسیه ۲-عمل ۳-نیکول کیدمن ۴-نوعی بازی با ورق ۵-پاپ پیوس دوازدهم ۶-انگلستان (فقط عکس ملکه انگلستان نقش شده است) ۷-فرخ غفاری ۸-شوهر خواهر ۹-شرلی مک‌لین ۱۰-گنجشک (فقط توانایی پرش و پرواز دارد نه راه رفتن)

#### پاسخ وجه اشتراک

اینان همگی در نقش افراد نابینا در فیلم‌های نامبرده شده بازی کردند

بانوان کشور به اعتیاد روبرو هستیم که این آسیب‌ها خطری بسیار بزرگ برای جامعه محسوب می‌شود.

بیگدلی با بیان اینکه مسئولان در جهت رفع مشکلات کشور به‌ویژه آسیب‌های اجتماعی تلاش موثری نداشته‌اند، گفته که «تمامی مسئولان در رابطه با اعتیاد قصور دارند و نباید خودشان را بی‌گناه بدانند.»

وی افزایش و شیوع آسیب‌های اجتماعی را ناشی از عملکرد ضعیف مسئولان و بی‌توجهی آنها به کنترل و مدیریت آسیب‌ها خوانده و گفته که در ۳۰ سال گذشته آسیب‌هایی مانند طلاق، بیکاری، اعتیاد و دیگر آسیب‌ها به شکل امروزی و با این میزان فعلی وجود نداشت.

بیگدلی با بیان اینکه «دیگر زمان ارائه آمارها در مورد آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد گذشته و باید برای رفع آنها چاره‌اندیشی کرد»، خواستار بررسی علت اعتیاد کارگران شد. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفت: «کارگران زحمتکش و ضعیف‌ترین اقشار جامعه هستند و چرخ اقتصاد کشور را به حرکت در می‌آورند بنابراین باید عوامل اعتیاد بالا در میان این قشر پرتلاش به صورت

#### از صفحه ۶

خداناباور نیز از آن در امان نمانده‌اند.اگر به پیشینه «کنفدراسیون دانشجویان ایرانی» در برون‌مرز نگاهی بیاندازیم، متوجه می‌شویم که دو شعار اساسی، پایه‌ای و همیشگی کنفدراسیون در دوران محمدرضاشاه این دو بوده است: «صد هزار زندانی سیاسی در ایران» و «شاه، سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا!» هر دو شعار از اساس نادرست و دروغی آشکار بوده است. می‌توان از زندانیان سیاسی دوران شاه پرسید. بالاترین میزان زندانیان سیاسی آن دوران نمی‌تواند بیش از ۳۲۰۰ تا ۳۵۰۰ تن بوده باشد (گرچه حتا یک تن هم نباید به انگیزه داشتن ایده‌ای ویژه و کوشش سیاسی در زندان می‌بود). در وابستگی و همکاری شاه با امریکا سخنی نیست ولی اینکه او

این گفتگوها انجام دادیم. به نظر من مساله این نیست که بشر آینده دارد یا نه؛ مسأله این است که بشریت در چه نوع آینده‌ای می‌خواهد زندگی کند؟ به بیان دیگر این مهم نیست که آیا بشر می‌تواند بقا داشته باشد یا نه؟ این مهم است که به چه قیمتی می‌خواهد این بقا را داشته باشد؟ اینکه بشر در یک بی‌معنایی کامل و فارغ از «تعقل انتقادی» در مورد غایت وافق مشترک با دیگران، زندگی کند، به مراتب بدتر از نابودی است. از نظر من، بدترین چیز و بزرگترین خطر این است که ما نابودگر میراث بشر شویم و خودمان نادانیم که با قربانی کردن آن، به معنای انسان‌بودن نیز پایان می‌دهیم.

= از فرصتی که در اختیار کیهان لندن گذاشتید، سپاسگزارم.
- من هم از شما تشکر می‌کنم.
پایان

#### آیا سیاست می‌تواند اخلاقی باشد؟

این رویداد از اهمیت تاریخی بزرگی برخوردار است زیرا نشان داد، اکثریت مردم (برخلاف آنچه در شعارهای چپ‌روانه ادعا می‌شود) حتی در شرایط آزاد و دمکراتیک نیز می‌توانند اشتباه کنند و منافع آنی و آتی خود را تشخیص ندهند. دیگر آنکه دمکراسی «ماشین رأی‌گیری» نیست، بلکه بر آگاهی شهروندان در همه‌ی سطوح استوار است و با تکیه بر چنین شهروندانی است که زمامداران اندیشمند و مدافعان قاطع منافع ملی می‌توانند کشور را گام به گام به پیش ببرند.هرچند که هلموت اشمیت سیاستمداری استثنایی بود، اما در همه‌ی دوران‌ها و در همه‌ی کشورهای دمکراتیک مردان و زنانی با رفتاری به غایت اخلاقی زمامداری کرده‌اند.

نمونه‌ی دیگر اتفاقا همان ویلی برانت است که چون رئیس دفترش جاسوس آلمان شرقی از آب درآمد بدون آنکه مسئولیتی متوجه او باشد به خاطر حفظ حیثیت کشور استعفا داد و هلموت اشمیت جانشین او شد.

آری، راهی که کشورهای پیشرفته پیموده‌اند نه به خودی خود، بلکه همه جا راهی خطیر و پر فراز و نشیب بوده است و تنها به درایت میهن‌دوستانه و اخلاق مسئولانه طی شده است. مثلاً می‌توان نشان داد که تصمیمات و گام‌های زمامداران

#### قضیه‌ی میکونوس...

در حکم میکونوس علاوه بر فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی سفارت‌خانه و کنسولگری‌های جمهوری اسلامی، به امکانات وزارت اطلاعات اشاره می‌شود که زیر پوشش شرکت های واردات و صادرات، خوار و بار فروشی، خشکشویی، تعمیرگاه، انجمن‌های فرهنگی و هنری و حتا غرفه در نمایشگاه های بین‌المللی مانند نمایشگاه «هفته سبز» و نمایشگاه جهانگردی در برلین به فعالیت های جاسوسی و تدارکاتی برای ترور می پردازند.

### شهادت بنی‌صدر و «شاهد C»

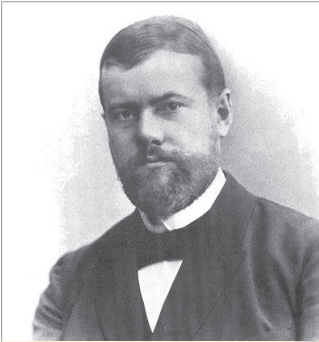
شهادت ابوالحسن بنی‌صدر نخستین رییس جمهوری اسلامی ایران و «شاهد C» که توسط بنی‌صدر به دادگاه معرفی شده بود، تأثیر تعیین‌کننده در روشن شدن ساختار تصمیم‌گیری ترورها داشت. «شاهد C» به شکل ناشناس اطلاعات خود را در اختیار دادگاه قرار داد. هویت «شاهد C» و موقعیت مهم و حساس او در دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی از سوی نهادهای امنیتی آلمان مورد تأیید قرار گرفته بود. به هنگام شهادت «شاهد C»، ساختمان دادگاه شدیداً از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی آلمان کنترل می‌شد. هیچ‌کس اجازه تصویربرداری از C را نداشت. او دو روز شهادت داد. دادستان، پس از جلسه دادگاه، در مصاحبه با رسانه‌های مختلف درباره اطلاعات «شاهد C» گفت که «شهادتی بی نظیر و تعیین کننده» بود.

«شاهد C» عضو عالیرتبه‌ی واواک بود که چندماه پیش از حضور در دادگاه میکونوس به توصیه‌ی دوست خود، سعید امامی، مقام عالیرتبه‌ی وزارت اطلاعات، از ایران به پاکستان گریخته بود زیرا به گفته‌ی خودش می‌خواستند او را «کامیونی» کنند، یعنی در یک تصادف ساختگی اتومبیل به قتل برسانند.

«شاهد C» رئیس کل ایستگاه‌های اطلاعاتی و عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپای غربی و نیز یکی از پایه‌گذاران و مؤسسان واواک بود. دولت فرانسه او را، به دلیل فعالیت‌های تروریستی، درسال ۱۹۸۳ از فرانسه اخراج کرد و او به هامبورگ رفت. وی مأمور تام‌الاختیار رژیم برای مذاکره درباره‌ی آزادی گروگان‌های غربی در لبنان، بانمایندگان دولت‌های آلمان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا بود. مقامات آلمان او را می‌شناختند و نام‌اش را می‌دانستند.

#### از صفحه ۷

آلمانی بود که کشوری که پس از شکست در جنگ جهانی دوم به کلی ویران شده بود و مردم‌اش مورد نفرت جهانیان قرار داشتند امروزه به عنوان یکی از انسانی‌ترین و عادلانه‌ترین کشورهای جهان مورد احترام است.



ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی

این ویژگی دمکراسی است که رفتار مردان و زنان نیک و مدبّر را در معرض دید جامعه قرار می‌دهد و آنان را به مقامات بالا می‌کشانند. بدین ترتیب، تنها کسانی به چنین مقاماتی دست می‌یابند که منافع ملی را بعنوان والاترین ارزش ارج نهند. چون از این دیدگاه به ایران امروز بنگریم، با وحشت به میزان واقعی عقب‌ماندگی‌مان پی می‌بریم و متوجه می‌شویم که تا چه حد از جاده‌ی پیشرفت منحرف شده‌ایم. هنوز بسیاری «اندیشمندان»

#### از صفحه ۱۶

شاهد C دو بار در دادگاه میکونوس شهادت داد: بار اول غیرعلنی و بار دوم علنی زیرا دیگر هویت‌اش روشن شده بود: فرهاد (ابوالقاسم) مصباحی.



ابوالقاسم مصباحی

سعید امامی که به ابوالقاسم مصباحی هشدار داده بود که رژیم می‌خواهد او را از سر راه بردارد، خودش دو سال بعد توسط وزارت اطلاعات در خرداد ۱۳۷۸ به طرز مشکوکی سر به نیست شد. چه بسا زمامداران جمهوری اسلامی همراه با پروژه‌ی «اصلاحات» که یکی از اهداف‌اش بهبود مناسبات با غرب بود، قصد داشتند دستگاه امنیتی خود را از افرادی که از ترورهای آنها در خارج کشور مطلع بودند، پاکسازی کنند. غافل از آنکه یکی از مهم‌ترین آنها به عنوان «شاهد» از دادگاه میکونوس سر در می‌آورد!

#### پیامد حکم دادگاه

حکم دادگاه میکونوس روز ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ صادر شد. همزمان با اعلام این حکم، کشورهای اتحادیه اروپا سفیران خود را به عنوان اعتراض از تهران فرا خواندند. سردی این مناسبات هفت ماه به طول انجامید. کمی بعد حجت‌الاسلام محمد خاتمی با «پروژه‌ی اصلاحات» با هدف بهبود روابط با اروپا به ریاست جمهوری رسید ولی سبب نشد که رأی دادگاه میکونوس قطعی نشود و مهر تأیید بر همدستی «رهبِر» و سه نهاد ریاست جمهوری، وزارت اطلاعات و وزارت امور خارجه در قتل مخالفان نزند.

### آزادی محکومان پس از ده سال

کاظم دارابی و عباس رحیل که به حبس ابد محکوم شده بودند، پس از ده سال در دسامبر ۲۰۰۷ (آذرماه ۱۳۸۶) از زندان آزاد و بلافاصله از آلمان اخراج شدند. رسانه‌های آلمان نوشتند که دولت ایران پیش از این

ما میهن‌دوستی و وفاداری و تعهد به منافع ملی را به عنوان «ناسیونالیسم» خوار می‌شمارند و بخش بزرگی از تحصیل‌کردگان، نه خدمت به جامعه، بلکه شرکت در «انتخاب بد در برابر بدتر» را «تمرین دمکراسی» می‌دانند! از این رو، جای شگفتی نیست که بر ما «سیاستمدارانی» حکومت می‌کنند که به هیچ اخلاقی باور ندارند، تا چه رسد که بخواهند مسئولانه به کشور خود خدمت کنند و «مسئولانی» سرنوشت کشور را تعیین می‌کنند که چیزی به نام منافع ملی نمی‌شناسند تا چه رسد که بخواهند خدمت به کشور را بالاتر از منافع شخصی و گروهی قرار دهند.حتی فراموش شده است که پیشرفت‌های ایران در دوران پهلوی مدیون ایرانیانی بود که خدمت به میهن را ارج می‌گذاشتند و به ویژه در مقامات سیاسی نسبت به منافع ملی احساس مسئولیت داشتند. چون به تاریخ ایران از این دیدگاه بنگریم مردانی را می‌یابیم که برخلاف آنچه تا به حال می‌پنداشتیم باید از خادمان واقعی به ملت ایران به شمار روند. از جمله‌ی آنان احمد قوام (قوام السلطنه) بود که با شهامت، درایت و موفقیت در راه نجات آذربایجان کوشید و به سربلندی ایران در جهان یاری رساند.

**•••ماکس وبر ۱۸۶۴ تا ۱۹۲۰ میلادی**  
**•••هلموت اشمیت ۱۹۱۸ تا ۲۰۱۵ میلادی**

بارها خواستار آزادی کاظم دارابی شده بود. کاظم دارابی در فرودگاه تهران از سوی جمهوری اسلامی مورد استقبال قرار گرفت.

#### لوح یادبود میکونوس

روز ۲۰ آوریل ۲۰۰۴ لوح یادبودی در برابر محل رستوران نصب شد که در آن یاد دکتر صادق شرف‌کنندی، فتح عبدلی، همایون اردلان و نوری دهکردی گرامی داشته شده است. رستوران “میکونوس” چند بار دست به دست گشت و اکنون دیگر وجود ندارد. لوح یادبود که بر اثر عوامل طبیعی آسیب دیده بود، چندی پیش توسط شهرداری منطقه ترمیم و دوباره نصب شد.

### تلاش بازماندگان ترور و خانواده‌های قربانیان

در میان مهمانانی که از آن ترور جان به در بردند، پرویز دستمالچی از هیچ کوششی برای پیگیری و افشای زوایای این ترور فجیع کوتاهی نکرد. خانواده‌ها و بازماندگان کشته‌شدگان این ترور به همراه فعالان سیاسی برلین و مدافعان ایرانی و آلمانی حقوق بشر و دمکراسی تا صدور حکم دادگاه میکونوس و نصب لوح یادبود در برابر محل فاجعه، لحظه‌ای از پا ننشستند.

### مهار ماشین ترور رژیم ایران در اتحادیه‌ی اروپا

میکونوس به نماد دستگاه سرکوب و ترور جمهوری اسلامی در خارج کشور و قتل مخالفان تبدیل شد و دادگاه آن به مظهری برای استقلال قوه قضاییه و عدالتی که دیگر قربانیان دستگاه ترور رژیم اسلامی ایران در خارج کشور از آن برخوردار نشدند از جمله دکتر عبدالرحمان قاسملو که ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۹ در وین کشته شد، دکتر کاظم رجوی که ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در سوییس ترور شد، دکتر عبدالرحمان برومند که ۱۸ آوریل ۱۹۹۱ در پاریس به قتل رسید، دکتر شاپور بختیار و سروش کتنبه که ۶ اوت ۱۹۹۱ در پاریس ترور شدند، فریدون فرخزاد که ۷ اوت ۱۹۹۲ در بن به قتل رسید و ده‌ها تن دیگر... ترور میکونوس سه سال پس از قتل عبدالرحمان قاسملو، دو سال پس از قتل کاظم رجوی، یک سال پس از ترور عبدالرحمان برومند و شاپور بختیار و سروش کتنبه، و فقط ۴۰ روز پس از قتل فجیع فریدون فرخزاد در خانه‌اش در شهر بُن رخ داد. دادگاه میکونوس و قضات برلین با قاطعیت خود توانستند ماشین ترور جمهوری اسلامی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را برای مدتی طولانی از کار ببندازند.





باوئر، (Schmidbauer) به کمیسیون ویژه میکونوس در اداره آگاهی توصیه می کند در گزارش ها نامی از ایران برده نشود.

در آن روزها دوران هشت ساله ریاست جمهوری حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی به پایان می رسید و کمتر از دو ماه بعد، در دوم خرداد ۷۶، حجت الاسلام محمد خاتمی بر کرسی ریاست جمهوری تکیه می زد. چه در زمان ترور و چه به هنگام صدور حکم، دولت محافظه کار «هلموت کهل Kohl» از حزب دمکرات مسیحی در آلمان بر سر کار بود و از سوی «کلاوس کینکل» وزیر امور خارجه ی وقت که از حزب دمکرات لیبرال بود تلاش می شد تا قضات برلین از پیگیری ماجرا دست بردارند و یا وادار شوند که به زمامداران جمهوری اسلامی در حکم اشاره ای نکنند. ولی قاضی کوبش Kubsch رییس دادگاه، با سرسختی و استقلال، وظیفه قضایی خود را به انجام رساند.

### کیفرخواست و حکم دادگاه

دادگاه میکونوس با تلاش بازماندگان مقتولین و مخالفان رژیم ایران و نیز با جدیت و استقلال دستگاه قضایی برلین آغاز به کار نمود و پس از چهار سال، در روز ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ برابر با ۲۱ فروردین ۱۳۷۶ رای خود را صادر کرد. خواندن کیفرخواست ۲۵۰ صفحه ای دادستان که روز ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ در دادگاه آغاز شد، سه روز طول کشید و در آن رهبر سیاسی و مذهبی (علی خامنه ای)، رییس جمهور (علی اکبر هاشمی رفسنجانی)، وزیر امور خارجه (علی اکبر ولایتی) و وزیر اطلاعات (علی فلاحیان) به عنوان دستوردهندگان و طراحان ترور اعلام شدند. این مقامات در یک کمیته مخفی به نام «شورای امور ویژه» طرح قتل مخالفان را ریخته و هدایت می کردند.

### نام عملیات: «فریاد بزرگ علوی»

عملیات ترور در رستوران میکونوس با نام رمز «فریاد بزرگ علوی» اجرا شد. نامی که اگرچه یادآور نام «بزرگ علوی» نویسنده ی معروف و چپگرای ایران بود که در برلین سکونت داشت، اما منظور از «بزرگ علوی» همانا «رهبر شیعیان» یعنی علی خامنه ای بود. حدود چهار سال پس از آغاز دادگاه، در روز پنجمشنبه ۱۰ آوریل ۱۹۹۷ حکم دادگاه میکونوس اعلام شد و دیوان عالی فدرال آلمان به اتفاق آرا تقاضای پژوهش وکلای متهمان را رد کرد.

### پوشش مأموران جمهوری اسلامی در اروپا

کاظم دارابی، مأمور وزارت اطلاعات و امنیت که تدارک فنی و انسانی این ترور بر عهده ی وی بود، به اشد مجازات یعنی حبس ابد محکوم شد. عباس رحیل نیز که در گفتگویی با همدستانش گفته بود: «ایران پشت ما ایستاده و به نفع ما وارد عمل خواهد شد» به حبس ابد محکوم گشت. یوسف امین که در ۴ اکتبر ۹۲ در آلمان دستگیر شده و پس از دو روز، دارابی و بنی هاشمی و ادیس رالوداد، به یازده سال زندان و محمد ادیس به پنج سال و سه ماه حبس محکوم شدند. عطاءالله عیاد (فلسطینی- لبنانی) چون محکومیت خود را در دوران بازداشت سپری کرده بود، آزاد شد. عبدالرحمن هاشمی (ایرانی) که همراه با عباس رحیل مخالفان را به مسلسل بسته بود، توانست به دامان جمهوری اسلامی بگریزد و آنچنان که در حکم آمده: «در ایران مورد استقبال شایان قرار گرفته و به پاداش موفقیت عملیات علاوه بر یک اتومبیل مرسدس بنز ۲۲۰، قول شرکت در معاملات پر سود تجاری را نیز دریافت می دارد» ادامه در صفحه ۱۵



## قضیه ی میکونوس...

## میکونوس! نه جزیرهای تفریحی دریوئان، بلکه قتلگاهی دربرلین.



هاشمی رفسنجانی



علی فلاحیان



علی خامنه ای



ابوالحسن بنی صدر



عکس یادگاری دو ترور یست شب ترور با کاظم دارابی (نفر اول سمت راست)



طراحی دادگاه، عباس راحیل و کاظم دارابی در جایگاه متهمان

### آغاز دادگاه

حدود یک سال بعد، دادگاه میکونوس در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ کار خود را با ۵ قاضی آغاز کرد. دادستانی کل آلمان شاکای اصلی و خانواده های ترورشندگان شاکیان خصوصی این پرونده بودند.

قضیه میکونوس یکی از جنجالی ترین، طولانی ترین و پردردسرتین دادرسی های آلمان در دهه ی نود بود. این دادگاه از اکتبر ۱۹۹۳ تا آوریل ۱۹۹۷ در مجموع ۲۴۷ جلسه داشت و در جریان آن ۱۷۶ نفر (از جمله یک نفر در کانادا و یک نفر در ایران) شهادت دادند.

### آمران ترور میکونوس

حجت الاسلام علی فلاحیان، وزیر وقت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی کمی پیش از شروع محاکمه به آلمان سفر کرد اما موفق نشد از پیگیری پرونده و تشکیل دادگاه جلوگیری کند. وزیر امنیت وقت آلمان، اشمیت

### سرنخ ترور

بلافاصله کشته شد. همایون اردلان، زخمی، سرش را بلند کرد. تیر خلاص به سرش شلیک شد. تیر خلاص زن به صادق شرفکندی نیز از نزدیک شلیک کرد. همه اینها چند ثانیه بیشتر طول نکشید و قاتلان فرار کردند. تنها مشتری دائمی آلمانی رستوران که در سالن اصلی و روبروی در ورودی نشسته بلافاصله به پلیس اطلاع می دهد. نوری دهکردی ساعاتی بعد در بیمارستان درگذشت. عزیز غفاری، صاحب رستوران، که از پا و شکم زخمی شده بود، جان به در برد. چهار مهمان دیگر که به زیر میز و صندلی پناه برده بودند، از رگبار مسلسل در امان ماندند.

پلیس آمد... بازجویی ها شروع شد. تحرک آمران ترور در تهران نیز آغاز

شد. مهاجمان ترور یست سه نفر بودند. نفر اول، یوسف امین (لبنانی) بیرون رستوران، جلو در، ایستاد. عبدالرحمن بنی هاشمی معروف به ابوشریف (ایرانی) و عباس رحیل (لبنانی) به اتاق پشتی رستوران رفتند. امین و رحیل عضو حزب الله لبنان بودند. بنی هاشمی که رهبری تیم عملیات را بر عهده داشت، رهبران کرد را به مسلسل بست؛ رحیل تیر خلاص زد. روی هم ۳۰ تیر شلیک شد. در ساعت ۲۲ و ۵۵ دقیقه همه چیز در اتاق پشتی رستوران میکونوس به هم ریخته و خون همه جا شتک زده است.

نام «میکونوس» با ترور یسم جمهوری اسلامی و مبارزات ایرانیان مخالف گره خورده است. میکونوس، اوج کشتار مخالفان رژیم اسلامی ایران در خارج کشور بود. حکم قاطعانه و بدون مماشات دادگاه میکونوس، ترور مخالفان در خارج از مرزهای ایران را تا اندازه ای مهار کرد.

### برلین، سپتامبر ۱۹۹۲

دکتر صادق شرفکندی دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران، فتاح عبدلی نماینده حزب در اروپا و همایون اردلان نماینده حزب در آلمان دعوت شده اند از ۱۴ تا ۱۷ سپتامبر در کنگره جهانی احزاب سوسیالیست و سوسیال-دمکرات شرکت کنند. فرصتی مغتنم برای دیدار و گفتگو با برخی از مخالفان رژیم ایران که در این شهر زندگی می کنند. نوری دهکردی، از فعالان چپ که سال هاست ساکن برلین و از دوستان دکتر شرفکندی است از یک فعال سابق چپ که صاحب یک رستوران است می خواهد تا ترتیب این دیدار را بدهد.

پنج شنبه ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ برابر با ۲۶ شهریور ۱۳۷۱، ساعت ۱۰ شب.

رستوران میکونوس متعلق به عزیز غفاری.

عزیز غفاری روز چهارشنبه، ۱۶ سپتامبر، تلفنی به مهمانان اطلاع می دهد که دیدار ساعت هفت و نیم غروب جمعه ۱۸ سپتامبر است. دهکردی، دکتر شرفکندی، فتاح عبدلی و همایون اردلان اما پنج شنبه در ساعت مقرر به میکونوس می روند. کسی در آنجا نیست جز صاحب رستوران. از آشپز هم خبری نیست. نوری دهکردی با برخی از دعوت شدگان تلفنی تماس می گیرد و می گوید اشتباه شده و از آنها خواهش می کند خود را به رستوران برسانند چون مهمانان کرد صبح جمعه برلین را ترک می کنند.

### چرا در روز قرار اشتباه شد؟ چه کسی اشتباه کرد؟

شرفکندی می گوید امکان ندارد ما برای جمعه شب قرار گذاشته باشیم چون صبح زود جمعه پرواز می کنیم! صاحب رستوران معتقد است آنها اشتباه می کنند و نوری دهکردی به او گفته جمعه! دهکردی اما اصرار می کند که گفته، پنج شنبه! تا آخر هم معلوم نمی شود چرا این اشتباه روی داده.

### لحظه ی ترور

آن شب، به غیر از عزیز غفاری صاحب رستوران و چهار مهمان: صادق شرفکندی، فتاح عبدلی، همایون اردلان، نوری دهکردی، چهار نفر دیگر در اتاق پشتی رستوران حضور یافتند: پرویز دستمالچی و مهدی ابراهیم زاده که جزو دعوت شدگان بودند؛ مسعود میراشارد و اسفندیار صادق زاده که تصادفی به آنجا رفته بودند. ۹ نفر درباره ترورهای جمهوری اسلامی در لندن و پاریس و وین صحبت می کنند. ساعت تقریباً ده و نیم شب است. شام روی میز چیده می شود. هنگام صرف شام، گفتگو بر سر ایران و کردستان است... دقایقی بعد، حدود ده دقیقه به یازده شب، دو مرد وارد رستوران می شوند و مستقیم به اتاق پشتی می روند. رگبار مسلسل شنیده می شود و بعد تیرهای خلاص... فتاح عبدلی با شلیک گلوله به قلبش